سلسله مباحث وهابیت‌شناسی

علی اصغر رضوانی

پرینت: **٦**، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ**: **٩٠/٥/٣** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **٨٩٠٦٧**

پرینت: **٦**، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ**: **۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

فهرست

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ**: **۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳**، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

دیباچه

تاریخ اندیشه اسلامی همراه فراز و فرودها و آکنده از تحول و دگرگونی‌ها و تنوع برداشت‌ها و نظریه‌هاست. در این تاریخ پرتحول، فرقه‌ها و مذاهب گوناگون و با انگیزه‌ها و مبانی مختلفی ظهور نموده و برخی از آنان پس از چندی به فراموشی سپرده شده‌اند و برخی نیز با سیر تحول همچنان در جوامع اسلامی نقش‌آفرینند. اما در این میان، فرقه وهابیت را سیر و سرّ دیگری است؛ زیرا این فرقه با آنکه از اندیشه استواری در میان صاحب‌نظران اسلامی برخوردار نیست، بر آن است تا اندیشه‌های نااستوار و متحجرانه خویش را به سایر مسلمانان تحمیل نموده و خود را تنها میدان‌دار اندیشه و تفکر اسلامی بقبولاند.

از این‌رو، شناخت راز و رمزها و سیر تحول و اندیشه‌های این فرقه کاری است بایستهٔ تحقیق که استاد ارجمند جناب آقای علی‌اصغر رضوانی با تلاش پیگیر و درخور تقدیر به زوایای پیدا و پنهان این تفکر پرداخته و با بهره‌مندی از منابع تحقیقاتی فراوان به واکاوی اندیشه‌ها و نگرش‌های این

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ٩٠/٥/٣** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **٨٩٠٦٧**

فرقه پرداخته است.

ضمن تقدیر و تشکر از زحمات ایشان، امید است این سلسله تحقیقات موجب آشنایی بیشتر با این فرقه انحرافی گردیـده و با بهره‌گیری از دیدگاه‌های اندیشمندان و صاحب‌نظران در چاپ‌های بعدی بر ارتقای کیفی این مجموعه افزوده شود.

انه ولی التوفیق

مرکز تحقیقات حج

گروه کلام و معارف

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ**: **۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

پیشگفتار

یکی از موضوعات مهم کـه در مصـادیق آن بـین وهابیـان و دیگر علمای مـذاهب اسـلامی اخـتلاف عمیـق پدیـد آمـده موضوع شرک است؛ زیرا وهابیان برخی از اعمال مسلمانان از قبیل استغاثه به ارواح اولیا و درخواسـت شـفاعت از آنـان را شرک می‌پندارند در حالی که دیگر علما نه تنها آنها را شرک نمی‌دانند بلکه در راستای توحید می‌دانند. اینک جا دارد بـه این موضوع بپردازیم.

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ**: **٩٠/٥/٣** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **٨٩٠٦٧**

مباحث تمهیدی

فتاوای وهابیان

۱. ابن تیمیه می‌گوید:

از اقسام شرک آن است که کسی به شخصی که از دنیا رفته بگوید: مرا دریاب، از من شفاعت کن، مرا بر دشمنم یاری‌نما، و امثال این درخواست‌ها که تنها خداوند به آنها قادر است.[۱]

۲. محمد بن عبدالوهاب در بسیاری از عبارات خود نسبت شرک به مسلمانان داده و آنان را به جهت آنکه در عقاید، مخالف خود دیده تکفیر کرده است. او می‌گوید:

... فاعلم انّ شرك الأولين يعني الذين قاتلهم رسول الله ﷺ اخف من شرك اهل زماننا...[۲]

... بدان که شرک اولین، یعنی کسانی که رسول خدا ﷺ با آنان جنگید از شرک اهل زمان ما خفیف‌تر است...

---

۱. الهدیة السنیة، ص۴۰.

۲. کشف الشبهات، محمّد بن عبدالوهاب، ص ۳۹.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

او همچنین می‌گوید:

الذين قاتلهم رسول الله صلى الله عليه وآله اصحّ عقولا و اخفّ شركاً من هؤلاء.[۱]

کسانی که رسول خدا صلى الله عليه وآله با آنان جنگید از اینها [یعنی کسانی که محمد بن عبدالوهاب با آنان جنگید] عقلشان صحیح‌تر و شرکشان خفیف‌تر بوده است.

او در سخنی دیگر می‌گوید:

شرك كفار قريش دون شرك كثير من الناس اليوم.[۲]

شرک کفار قریش کمتر از شرک بسیاری از مردم امروز بوده است.

وی در مواجهه با یکی از علمای زمانش، شیخ سلیمان بن سحیم حنبلی با ارسال نامه‌ای می‌نویسد:

نذكر لك انّك انت و اباك مصرّحون بالكفر و الشرك و النفاق... انت و ابوك مجتهدان في عداوة هذا الدين ليلا و نهاراً... انّك رجل معاند ضال على علم، مختار الكفر على الإسلام... و هذا كتابكم فيه كفركم.[۳]

به تو تذکر می‌دهم که تو و پدرت تصریح به کفر و شرک و نفاق کرده‌اید... تو و پدرت شبانه‌روز در دشمنی با این دین می‌کوشید... تو مردی معاند، گمراه همراه با علم و اختیارکننده کفر بر اسلامی... و این کتاب شماست که کفرتان در آن می‌باشد.

---

۱. کشف الشبهات، ص ۴۳.

۲. الدرر السنية فی الأجوبة النجدية، ج ۱، ص ۱۲۰.

۳. همان، ج ۱۰، ص ۳۱.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

او در یکی از نامه‌های خود خطاب به یکی از علمای اهل سنت می‌گوید:

إفتائي بکفر شمسان و اولادهم و من شابههم، و سمیّتهم طواغیت.[۱]

فتوای من به کفر شمسان و اولاد آنان و هر کسی که شبیه آنهاست، و من آنان را طاغوت نامیده‌ام.

او درباره اهالی «خرج» می‌گوید: «... **انّما کفرنا هؤلاء الطواغیت اهل الخرج و غیرهم**»[۲]؛ «... ما این طاغوت‌ها یعنی اهالی خرج و دیگران را تکفیر نمودیم».

۳. بن باز نیز می‌گوید:

امّا مایقع عند القبور من انواع الشرك و البدع في بلدان کثیرة فهو امر معلوم و جدیر بالعنایة و البیان و التحذیر منه، فمن ذلك دعاء اصحاب القبور و الاستغاثة بهم و طلب شفاء المرضی و النصر علی الأعداء و نحو ذلك، و هذا کلّه من الشرك الأکبر الذي کان علیه اهل الجاهلیة... .[۳]

امّا آنچه کنار قبرها از انواع شرک و بدعت‌ها در شهرهای بسیار انجام می‌گیرد امری معلوم و قابل توجه و بیان است و باید مردم را از آنها برحذر داشت؛ از جمله آنها صدا زدن صاحبان قبرها و کمک خواستن از آنها و درخواست شفای مریضان و پیروزی بر دشمنان و مانند آن است و تمام این اعمال از شرک اکبر است که اهل جاهلیت انجام می‌دادند... .

---

۱. الرسائل الشخصیة، رقم ۱۱، ص ۷۰.

۲. همان، رساله ۳۴، ص ۲۳۲.

۳. مجموع فتاوی بن باز، ج ۲، ص ۵۵۵.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

مفهوم‌شناسی شرک

مفهوم لغوی شرک

ابن منظور می‌گوید: «اَلشَّرْکَةُ وَ الشَّـرِکَةُ سَـوَاءٌ: مُخَالَطَـةُ الشَّـرِیکَیْنِ»[۱]؛ «شَرْکه و شَرِکه هر دو به معنای درآمیختن دو شریک است».

ابن فارس می‌گوید:

الشركة هو ان يكون الشيء بين اثنين لاينفرد به احدهما. و يقال: شاركت فلاناً في الشيء إذا صرت شريكه... .[۲]

شرک آن است که چیزی بین دو نفر باشد و هیچ‌کدام بـه تنهـایی حق تصرف نداشته باشند، و گفته می‌شود: با فلان شـخص در فـلان چیز مشارکت کردم هنگامی که شریک او شوی... .

راغب اصفهانی می‌گوید:

الشركة و المشاركة: خلط الملكين. و قيل: هو ان يوجـد شـيء لاثنين فصاعداً عينا كان ذلك الشيء أو معني؛ كمشاركة الانسان والفرس في الحيوانية.[۳]

شرکت و مشارکت به معنای درهم آمیختن دو صاحب مال است. و گفته شده: که چیزی برای دو نفر و بیشتر باشد، چه آن چیـز عـین خارجی باشد. یا معنوی باشد (فرقی نمی‌کند) مثل مشارکت انسـان با اسب در حیوانیت.

ازهری می‌نویسد:

---

۱. لسان العرب، ج۷، ص ۹۹.

۲. معجم مقاییس اللغة، ج۳، ص ۲۶۵.

۳. مفردات راغب، ص ۲۵۹.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

يقال: شريك و اشراك، كما قالوا: يتيم و ايتام، و نصير و انصار، و الأشراك ايضاً جمع الشرك و هو النصيب...[1]

گفته می‌شود: شریک و اشراک، همان‌گونه که گفته‌اند: یتیم و ایتام و نصیر و انصار، و اشراک نیز جمع شرک به معنای نصیب است...

ابن منظور نیز می‌گوید:

طريق مشترك اي يستوي فيه الناس، و اسم مشترك: تستوي فيه معاني كثيرة.[2]

راه مشترک یعنی راهی که مردم در آن مساوی هستند و اسم مشترک اسمی است که در آن معانی بسیاری مساوی هستند.

از این معانی استفاده می‌شود که در تعریف «شرک» تساوی و مساوات و عرضیت نهفته است. لذا اگر کسی چنین عقیده‌ای را درباره اولیای الهی نداشته بلکه معتقد به طولیت باشد (همانند نائب و وکیل و وصی) و تمام کارهای آنان را به اذن خدا بداند قطعاً عنوان شرک بر او منطبق نیست؛ چرا که معتقد به مالکیت آنها نمی‌باشد.

مفهوم اصطلاحی «شرک»

«شرک» در اصطلاح قرآنی در مقابل حنفیت به کار رفته است. حنفیت به معنای میل به استقامت است که در توحید تجلی می‌یابد. لذا شرک در راه استقامت و اعتدال نیست، بلکه برخلاف فطرت سلیم انسانیّت است.

---

۱. تهذیب اللغة، ازهری، ج ۱۰، ص ۱۷.

۲. لسان العرب، ج۷، صص ۹۹ و ۱۰۰.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنَّنِي هَدانِي رَبِّي إِلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ دِيناً قِيَماً مِلَّةَ إِبْراهِيمَ حَنِيفاً وَ ما كانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (انعام:١٦١)

بگو: پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده، آیینی پا برجا (و ضامن سعادت دین و دنیا) آیین ابراهیم که از آیین‌های خرافی روی برگرداند و از مشرکان نبود.

همچنین می‌فرماید:

﴿وَ أَنْ أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً وَ لا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (یونس: ۱۰۵)

و (به من دستور داده شده که:) روی خود را به آیینی متوجه‌ساز که از هرگونه شرک، خالی است و از مشرکان مباش.

شیخ سلیمان بن عبدالله آل الشیخ در تعریف «شرک» می‌گوید:

تشبيه للمخلوق بالخالق تعالى و تقدس ـ في خصائص الإلهية ـ من ملك الضر و النفع و العطاء و المنع الذي يوجب تعلق الدعاء و الخوف و الرجاء و التوكل و انواع العبادة كلها بالله وحده.[1]

تشبیه مخلوق به خالق متعال و مقدس ـ در خصوصیات الوهیت ـ از مالکیت ضرر و نفع و عطا و منع، که موجب تعلق دعا و خوف و امید و توکل و انواع تمام پرستش‌ها به خداوند واحد می‌شود.

هدف از استدلال به کلام آل الشیخ عبارت (من ملک و...) است که اعتقاد به ملکیت شرک ایجاد می‌کند، نه آنکه معتقد به طولیت و همراهی با اذن کلّی از خداوند متعال باشیم.

---

۱. تیسیر العزیز الحمید، ص ۹۱.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

نحوۀ تحقّق مفهوم «شرک»

با بررسی مفهوم «شرک» به دست می‌آوریم که در تحقق مفهوم «شرک» در عرض هم بودن حدّاقلّ دو نفر اعتبار دارد، نه در طول هم بودن.

علامه مصطفوی در شرح و تفسیر ماده «شرک» می‌نویسد:

انّ الأصل في هذه المادة هو تقارن فردين أو افراد في عمل أو امر بحيث يكون لكلّ واحد منهم نصيب فيه أو تأثير... الشرك يتحقق باشتراك مستقيم في العمل، و هذا اشدّ تأثيراً من كونه ظهيراً، فالظهرية مرجعها إلى المعاونة و هي في المرتبة اللاحقة...[1]

همانا اصل (واحد) در این ماده عبارت است از تقارن دو فرد یا چند فرد در عملی یا امری به طوری که برای هریک از آنها بهره یا تأثیری در عمل یا امر باشد... شرک با اشتراک مستقیم در عمل تحقق می‌یابد، و آن تأثیرش از ظهیر و کمک کار بودن بیشتر است؛ زیرا بازگشت ظهیر بودن به کمک کردن است که مرتبه‌اش در رتبه بعد از عامل است...

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَ جَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَ الأَنْعامِ نَصِيباً فَقالُوا هذا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَ هذا لِشُرَكائِنا فَما كانَ لِشُرَكائِهِمْ فَلا يَصِلُ إِلَى اللهِ وَ ما كانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلى شُرَكائِهِمْ ساءَ ما يَحْكُمُونَ﴾ (انعام: ١٣٦)

آنها [مشرکان] سهمی از آنچه خداوند از زراعت و چهارپایان آفریده، برای او قرار دادند؛ [و سهمی برای بت‌ها!] و بگمان خود

---

۱. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۴۸.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

گفتند: این مال خداست! و این هم مال شرکای ما [یعنی بت‌ها] است! آنچه مال شرکای آنها بود، به خدا نمی‌رسید؛ ولی آنچه مال خدا بود، به شرکایشان می‌رسید! [آری، اگر سهم بت‌ها با کمبودی مواجه می‌شد، مال خدا را به بت‌ها می‌دادند؛ امّا عکس آن را مجاز نمی‌دانستند!] چه بد حکم می‌کنند [که علاوه بر شرک، حتّی خدا را کمتر از بت‌ها می‌دانند].

از این بحث استفاده می‌شود در تحقق مفهوم «شرک» اعتقاد به عرضیت نهفته است و لذا اگر عقیده به طولیت باشد برآن شرک اطلاق نمی‌شود.

تلازم بین توحید و نفی شرک

همان‌گونه که در مفهوم «شرک» در عرض هم‌بودن نهفته، همچنین از مفهوم توحید، نفی شرک استفاده می‌شود.

علامه مصطفوی رحمه‌الله می‌نویسد:

ولمّا كان حق التوحيد هو تسبيح الذات عن اي حدّ مادي و حدود عرضية و طولية في البرزخية و حدود ذاتية في عالم العقل؛ فهو تعالى نور مطلق و حياة مطلق و وجود بحت منزّه عن أي حدّ و وصف و تصوّر، فيكون منزّهاً عن مقارنة وصف ومقابلة شيء و وجود شريك؛ فانّ مرجع هذه الأمور إلى تحديده خارجاً أو ذاتاً، فنفي الشريك يلازم التوحيد...[1]

و چون حق توحید و توحید ناب عبارت است از منزه کردن ذات باری تعالی از هر محدودیت مادی و عرضی و طولی در برزخ و

---

۱. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۴۹.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

حدود ذاتی در عالم عقل، پس خداوند متعال نور مطلق و حیات مطلق و وجود محض منزه از هر محدودیت و وصف و تصور است، پس خداوند از مقارنت با وصف و مقابله با چیزی و وجود شریکی منزّه است؛ زیرا بازگشت این امور به محدودیت خارجی یا ذاتی خداوند است، پس نفی شریک ملازم با توحید می‌باشد...

اقسام شرک

شرک اقسامی دارد و مفهوم آنها با یکدیگر فرق دارد؛ زیرا شرک یا متعلق به عقیده است یا مربوط به عمل. نوع اوّل بر سه قسم است:

۱. شرک در الوهیت؛

۲. شرک در خالقیت؛

۳. شرک در ربوبیت؛

٤. شرک در عبودیت.

شرک مربوط به عمل را شرک در عبادت و اطاعت می‌نامند که بر دو قسم است:

الف) شرک جلی: که در علم کلام و فقه مورد بحث قرار می‌گیرد.

ب) شرک خفی: که در علم اخلاق از آن بحث می‌شود و قرآن تمام این اقسام را بررسی کرده است.

۱. شرک در الوهیت

یعنی اعتقاد به موجودی غیر از خداوند که دارای تمامی صفات جمال و کمال به طور استقلال است؛ لذا بدین‌جهت مستحق پرستش باشد.

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قالُوا إِنَّ اللهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ﴾ (مائده: ۱۷)

آنها که گفتند: خداوند همان مسیح بن مریم است، به‌طور مسلم کافر شدند.

۲. شرک در خالقیت

یعنی انسان به دو مبدأ مستقل برای عالم قائل شود؛ به طوری که خلق و تصرّف در شئونات عالم به دستشان است؛ همان‌گونه که مجوس قائل به دو مبدأ خیر به نام «یزدان» و شر به نام «اهرمن» می‌باشند.

۳. شرک در ربوبیت

آن است که انسان معتقد شود در عالم، ارباب متعددی است و خداوند متعال ربّ الارباب است، به این معنا که تدبیر عالم به هر یک از این ارباب که قرآن از آن به عنوان ارباب متفرق نام می‌برد، به طور استقلال تفویض شده است؛ همان‌گونه که مشرکان عصر حضرت ابراهیم علیه‌السلام به این نوع شرک مبتلا بودند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأى كَوْكَباً قالَ هذا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قالَ لا أُحِبُّ الْآفِلِينَ * فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بازِغاً قالَ هذا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قالَ لَئِنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ * فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بازِغَةً قالَ هذا رَبِّي هذا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قالَ يا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ﴾ (انعام: ۷٦ ـ ۷۸)

هنگامی که (تاریکی) شب او را پوشانید، ستاره‌ای مشاهده کرد، گفت: «این پروردگار من است؟» اما هنگامی که غروب کرد،

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

گفت: «غروب کنندگان را دوست ندارم» و هنگامی که ماه را دید که (سینۀ افق را) می‌شکافد، گفت: «این پروردگار من است؟» اما هنگامی که (آن هم) غروب کرد، گفت: «اگر پروردگارم مرا راهنمایی نکند، مسلماً از گروه گمراهان خواهم بود.» و هنگامی که خورشید را دید که (سینۀ افق را) می‌شکافت، گفت: «این پروردگار من است؟ این (که از همه) بزرگ‌تر است» اما هنگامی که غروب کرد، گفت: «ای قوم من از شریک‌هایی که شما (برای خدا) می‌سازید، بیزارم.

ثعلبی به سندش از عدی بن حاتم نقل کرده که گفت:

أَتَيْتُ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله وَ فِي عُنُقِي صَلِيبٌ مِنْ ذَهَبٍ فَقَالَ لِي: يَا عَدِيُّ! اِطْرَحْ هذَا الْوَثْنَ مِنْ عُنُقِكَ. قَالَ: فَطَرَحْتُهُ ثُمَّ انْتَهَيْتُ إِلَيْهِ وَ هُوَ يَقْرَأُ سُورَةَ الْبَرَائَة، هذِهِ الآيَةَ: ﴿اتَّخَذُوا أَحْبارَهُمْ وَ رُهْبانَهُمْ أَرْباباً﴾ حَتَّى فَرِغَ مِنْهَا فَقُلْتُ: إِنَّا لَسْنَا نَعْبُدُهُمْ. قَالَ: أَوَلَيْسَ يُحَرِّمُونَ مَا أَحَلَّ اللهُ فَتُحَرِّمُونَهُ وَ يُحِلُّونَ مَا حَرَّمَ اللهُ فَتَسْتَحِلُّوا؟ قَالَ: فَقُلْتُ: بَلي. قَالَ: فَتِلْكَ عِبادَتُهُمْ.[1]

خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدم در حالی که بر گردنم صلیبی از طلا بود. حضرت به من فرمود: ای عدی! این بت را از گردنت بردار. او می‌گوید: من آن را درآوردم و سپس خدمتش رسیدم در حالی که این آیه از سوره برائت را می‌خواند: (آنان دانشمندان و راهبان را پروردگار خود به حساب آوردند) تا اینکه از قرائتش فارغ شد. به او عرض کردم: ما آنها را عبادت نمی‌کنیم. حضرت فرمود: آیا

---

۱. مجمع البیان، طبرسی، ج ۳، ص ۲۴، به نقل از او در تفسیرش.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

این‌طور نیست که آنان حلال خدا را حرام می‌کنند و شما نیز آن را حرام می‌دانید و حرام خدا را حلال می‌کنند شما نیز حلال می‌شمارید؟ عرض کردم: آری. حضرت فرمود: همین عبادت آنها به حساب می‌آید.

۴. شرک در عبادت و طاعت

به این معناست که انسان خضوع و تذلّلش ناشی از اعتقاد به الوهیت یا ربوبیت کسانی باشد که برای آنها خضوع و تذلل و خشوع می‌کند.

این تقسیم به جهت مورد ابتلا بودن در بحث با وهابیان مطرح گردید؛ زیرا مورد بحث و اختلاف با آنان در مصادیق مورد نزاع این چند نوع شرک است، گرچه اقسام دیگری نیز وجود دارد.

مفهوم شرک در ربوبیّت

ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام در مورد قول خداوند عزّوجلّ: ﴿**اتَّخَذُوا أَحْبارَهُمْ وَ رُهْبانَهُمْ أَرْباباً مِنْ دُونِ اللهِ**﴾ سؤال کردم، حضرت فرمود:

> **أَمَّا وَاللهِ! مَا دَعَوْهُمْ إلی عِبَادَةِ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ دَعَوْهُمْ إِلی عِبَادَةِ أَنْفُسِهِمْ لَمَا أَجَابُوهُمْ، وَ لکِنْ أَحَلُّوا لَهُمْ حَرَاماً وَ حَرَّمُوا عَلَيْهِمْ حَلاَلاً، فَعَبَدُوهُمْ مِنْ حَيْثُ لاَ يَشْعُرُونَ.**[1]

آگاه باش به خدا سوگند! آنان را به پرستش خود دعوت نکردند، و

---

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۷۵.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

اگر چنین می‌کردند کسی از آنان نمی‌پـذیرفت، ولـی بـرای آنهـا چیزهای حرامی را حلال و چیزهای حرامـی را حـلال کردنـد و از راهی که نمی‌دانستند آنها را پرستیدند.

تصریح قرآن به وجود شرک در اطاعت

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿**وَ إِنَّ الشَّیاطِینَ لَیُوحُونَ إِلی أَوْلِیائِهِمْ لِیُجادِلُوکُمْ وَ إِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّکُمْ لَمُشْرِکُونَ**﴾ (انعام: ۱۲۱)

و شیاطین به دوستان خود مطالبی مخفیانه القا می‌کنند، تا با شما بـه مجادله برخیزند؛ اگر از آنها اطاعت کنید، شما هم مشرک خواهیـد بود!

از این آیه استفاده می‌شود برخی از آن جهـت کـه مطیـع بـی‌چـون و چرای اولیا شیطان بوده‌اند. لذا مشرک خطاب شده‌اند و شرک در اطاعـت از اقسام شرک عملی است و با شرک ربوبی کـه از اقسـام شـرک نظـری است فرق دارد.

شرک عبادی خفی

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿**أَ فَرَأَیْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلهَهُ هَواهُ...**﴾؛ «آیـا دیـدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داده...؟» (جاثیه: ۳۳)

و نیز می‌فرماید: ﴿**وَ ما یُؤْمِنُ أَکْثَرُهُمْ بِاللهِ إِلاَّ وَ هُمْ مُشْـرِکُونَ**﴾؛ «و بیشـتر آنها که مدعی ایمان به خدا هستند، مشرکند». (یوسف: ۱۰۶)

در این آیات هواپرستی نیز شرک تلقی شده که همان شـرک نفـی در اصطلاح علمای اخلاق است.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

عقل، میزان شناخت کلیات شرک و توحید

اینکه در عالم وجود غیر از خداوند سبحان موجود دیگری نیست کـه مؤثر مستقل باشد و نیز غیر از او کسی نیست که مستحق عبـادت باشـد، به عقل دانسته می‌شود، و عقل اسـت کـه خـلاف آن را شـرک ربـوبی و الوهی می‌داند، همان‌گونه که قیود آن نیز بـا عقـل درک مـی‌شـود گرچـه قرآن و روایات نیز به آن اشاره کرده‌اند، مثل اینکه اگر انسان دعای طلـب و مسألت در اموری که سلطه غیبی است را به نحو استقلال از غیـر خـدا بخواهد که این شرک در ربوبیت است، ولی اگر بـه نحـو غیـر اسـتقلالی بوده و با اذن الهـی باشـد هرگـز متصـف بـه شـرک نخواهـد شـد. و در مواردی که عقل حکم به شرک موردی دارد هرگز خداوند متعال امـر بـه انجام آن نمی‌نماید.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَ لا یَأْمُرَکُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلائِکَةَ وَ النَّبِیِّینَ أَرْباباً أَ یَأْمُرُکُمْ بِالْکُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ (آل عمران: ۸۰)

و نه اینکه به شما دستور دهد که فرشتگان و پیامبران را، پروردگار خود انتخاب کنید. آیا شما را، پس از آنکه مسلمان شدید، به کفـر دعوت می‌کند؟

و نیز می‌فرماید: **﴿إِنَّما یَأْمُرُکُمْ بِالسُّوءِ وَ الْفَحْشاءِ﴾**؛ «او [شـیطان] شـما را فقط به بدی‌ها و کار زشت فرمان می‌دهد». (بقره: ۱۶۹)

همان‌گونه که اگر در موردی ضابطه هیچ نوع شرکی وجـود نداشـت، در هیچ نص شرعی حکم به شرک بودن آن نمی‌شود.

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

حکم شرک در قرآن

قرآن کریم برای مشرک و شرک، احکام سنگینی را ذکر کرده است. اینک به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. شرک، گناهی نابخشودنی

از آیات قرآن استفاده می‌شود که شرک به خداوند گناهی نابخشودنی است. خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللهَ لا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ ما دُونَ ذلِكَ لِمَنْ يَشاءُ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِالله فَقَدِ افْتَرى إِثْماً عَظِيماً﴾ (نساء: ۴۸)

خداوند [هرگز] شرک را نمی‌بخشد و پایین‌تر از آن را برای هر کس بخواهد [و شایسته بداند] می‌بخشد و آن کس که برای خدا شریکی قرار دهد، گناه بزرگی مرتکب شده است.

۲. شرک، ظلمی بزرگ

خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿وَ إِذْ قالَ لُقْمانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يا بُنَيَّ لا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ (لقمان: ۱۳)

[به خاطر بیاور] هنگامی را که لقمان به فرزندش ــ در حالی که او را موعظه می‌کرد ــ گفت: پسرم! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است.

۳. شرک موجب حبط عمل

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَ لَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَ إِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ

پرینت: ۶، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

عَمَلُكَ وَ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْخاسِرِينَ﴾ (زمر: ٦٥)

به تو و همه پیامبران پیشین وحی شده که اگر مشرک شوی، تمام اعمالت تباه می‌شود و از زیانکاران خواهی بود.

۴. شرک، موجب سقوط از مقامات عالی

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللهِ فَكَأَنَّما خَرَّ مِنَ السَّماءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ...﴾ (حج: ٣١)

و هر کس همتایی برای خدا قرار دهد، گویا از آسمان سقوط کرده و پرندگان [در وسط هوا] او را می‌ربایند...

۵. شرک، سبب محرومیت از بهشت

خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ مَأْواهُ النَّارُ﴾ (مائده: ٧٢)

هر کس شریکی برای خداوند قرار دهد، خدا بهشت را بر او حرام کرده، و جایگاه او دوزخ است.

۶. شرک، گمراهی آشکار

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلالاً بَعِيداً﴾ (نساء: ١١٦)

و هر کس برای خدا همتایی قرار دهد، در گمراهی دوری افتاده است.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

۷. شرک و ناپاکی باطنی

و نیز خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿**يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرامَ بَعْدَ عامِهِمْ هذا**﴾ (توبه: ۲۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مشرکان ناپاکند، پس نباید بعد از امسال، نزدیک مسجدالحرام شوند.

۸. بیزاری خداوند از مشرکان

و نیز می‌فرماید:

﴿**وَ أَذانٌ مِنَ اللهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الأَكْبَرِ أَنَّ اللهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ**﴾ (توبه: ۳)

و این، اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به [عموم] مردم در روز حج اکبر [روز عید قربان] که خدا و پیامبرش از مشرکان بیزارند.

سرچشمه‌های شرک

با مراجعه به قرآن پی می‌بریم که شرک، سرچشمه‌ها و منشأهایی دارد که در آیات به آنها اشاره شده است. اینک به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. پیروی از اوهام

خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿**وَ مَنْ يَدْعُ مَعَ اللهِ إِلهاً آخَرَ لا بُرْهانَ لَهُ بِهِ**﴾ (مؤمنون: ۱۱۷)

و هر کس معبود دیگری را با خدا بخواند ـ مسلّماً ـ هیچ دلیلی بر آن نخواهد داشت.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

و نیز فرمود:

﴿ما تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلاَّ أَسْماءً سَمَّیْتُمُوها أَنْتُمْ وَ آباؤُکُمْ ما أَنْزَلَ اللهُ بِها مِنْ سُلْطانٍ...﴾ (یوسف: ٤٠)

این معبودهایی که غیر از خدا می‌پرستید، چیزهایی جز اسم‌هایی [بی‌مسمّا] که شما و پدرانتان آنها را [خدا] نامیده‌اید نیست. خداوند هیچ دلیلی بر آن نازل نکرده...

همچنین فرمود:

﴿وَ یَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ ما لَمْ یُنَزِّلْ بِهِ سُلْطاناً وَ ما لَیْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ وَ ما لِلظّالِمِینَ مِنْ نَصِیرٍ﴾ (حج: ٧١)

آنها غیر از خدا، چیزهایی را می‌پرستند که او هیچ‌گونه دلیلی بر آن نازل نکرده است، و چیزهایی را که علم و آگاهی به آن ندارند. و برای ستمگران، یاور و راهنمایی نیست.

و فرمود:

﴿...وَ ما یَتَّبِعُ الَّذِینَ یَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ شُرَکاءَ إِنْ یَتَّبِعُونَ إِلاَّ الظَّنَّ وَ إِنْ هُمْ إِلاَّ یَخْرُصُونَ﴾ (یونس: ٦٦)

... و آنها که غیر از خدا را همتای او می‌خوانند [از منطق و دلیلی] پیروی نمی‌کنند. آنها فقط از پندار بی‌اساس پیروی می‌کنند و آنها فقط دروغ می‌بافند.

خداوند متعال فرمود:

﴿أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هاتُوا بُرْهانَکُمْ هذا ذِکْرُ مَنْ مَعِیَ وَ ذِکْرُ مَنْ قَبْلِی بَلْ أَکْثَرُهُمْ لا یَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ﴾ (انبیاء: ٢٤)

آیا آنها معبودی جز خدا برگزیدند؟! بگو: دلیلتان را بیاورید. این

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ٩٠/٥/٣، قطع: رقعی، شاخه: ٨٩٠٦٧

سخن کسانی است که با من هستند، و سخن کسانی [پیامبرانی] است که پیش از من بودند. اما بیشتر آنها حق را نمی‌دانند و به همین دلیل [از آن] رویگردانند.

۲. حس‌گرایی

خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿يَسْئَلُكَ أَهْلُ الْكِتابِ أَنْ تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتاباً مِنَ السَّماءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسى أَكْبَرَ مِنْ ذلِكَ فَقالُوا أَرِنَا اللهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ...﴾ (نساء: ۱۵۳)

اهل کتاب از تو می‌خواهند کتابی از آسمان [یکجا] بر آنها نازل کنی، [در حالی که این یک بهانه است] آنها از موسی، بزرگ‌تر از این را خواستند، و می‌گفتند: خدا را آشکارا به ما نشان ده! و به خاطر این ظلم و ستم، صاعقه آنها را فرا گرفت...

از اینکه قوم حضرت موسی علیه السلام از او خواسته‌اند تا خدا را آشکارا به آنان نشان دهد به دست می‌آید حس‌گرایی آنان منشأ شرکشان بوده است.

۳. منافع خیالی

خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿وَ يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ ما لا يَضُرُّهُمْ وَ لا يَنْفَعُهُمْ وَ يَقُولُونَ هؤُلاءِ شُفَعاؤُنا عِنْدَ اللهِ قُلْ أَ تُنَبِّئُونَ اللهَ بِما لا يَعْلَمُ فِي السَّماواتِ وَ لا فِي الْأَرْضِ سُبْحانَهُ وَ تَعالى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ (یونس: ۱۸)

آنها غیر از خدا، چیزهایی را می‌پرستند که نه به آنها زیان می‌رساند و نه سودی می‌بخشد، و می‌گویند: اینها شفیعان ما نزد خداوند

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

هستند. بگو: آیا خدا را به چیزی خبر می‌دهید که در آسمان‌ها و زمین سراغ ندارد؟! منزه است او و برتر است از آن همتایانی که قرار می‌دهند.

از اینکه خداوند متعال از معبودان مشرکان، نفی مضرت و منفعت کرده به دست می‌آید آنان معتقد به نفع و ضرر رساندن به بت‌ها بوده و این امر موجب مشرک شدن آنها شده است.

خداوند سبحان فرمود:

﴿**وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنْصَرُونَ**﴾ (يس: ٧٤)

آنان غیر از خدا معبودانی برای خویش برگزیدند به این امید که یاری شوند.

از این آیه استفاده می‌شود مشرکان گمان داشته‌اند معبوداتی را که می‌پرستیدند آنان را بدون اذن الهی و به نحو استقلال نصرت و یاری می‌کنند.

خداوند متعال فرمود:

﴿**وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا**﴾ (مريم:٨١)

آنان غیر از خدا معبودانی برای خویش برگزیدند تا مایه عزّتشان باشد. [چه پندار خامی!]

۴. تقلید کورکورانه

یکی از عوامل شرک مشرکان تقلید کورکورانه از آباء و اجدادشان بوده است که قرآن به طور تفصیل به آن اشاره کرده است. خداوند سبحان فرمود:

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ٩٠/٥/٣ ، قطع: رقعی، شاخه: ٨٩٠٦٧

﴿قالُوا أَ جِئْتَنا لِتَلْفِتَنا عَمَّا وَجَدْنا عَلَيْهِ آباءَنا وَ تَكُونَ لَكُمَا الْكِبْرِياءُ فِي الأَرْضِ وَ ما نَحْنُ لَكُما بِمُؤْمِنِينَ﴾ (یونس: ۷۸)

گفتند: آیا آمده‌ای که ما را از آنچه پدرانمان را بر آن یافتیم، منصرف سازی، و بزرگی [و ریاست] در روی زمین، از آنِ شما دو تن باشد؟! ما [هرگز] به شما ایمان نمی‌آوریم.

و نیز می‌فرماید:

﴿بَلْ قالُوا إِنَّا وَجَدْنا آباءَنا عَلى أُمَّةٍ وَ إِنَّا عَلى آثارِهِمْ مُهْتَدُونَ * وَ كَذلِكَ ما أَرْسَلْنا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلاَّ قالَ مُتْرَفُوها إِنَّا وَجَدْنا آباءَنا عَلى أُمَّةٍ وَ إِنَّا عَلى آثارِهِمْ مُقْتَدُونَ﴾ (زخرف: ۲۲ و۲۳)

بلکه آنها می‌گویند: ما نیکان خود را بر آیینی یافتیم، و ما نیز بر پیروی آنان هدایت یافته‌ایم. و این‌گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو پیامبر انذارکننده‌ای نفرستادیم مگر اینکه ثروتمندان مست و مغرور آن گفتند: ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و بر آثار آنان اقتدا می‌کنیم.

همچنین فرمود:

﴿قالُوا نَعْبُدُ أَصْناماً فَنَظَلُّ لَها عاكِفِينَ * قالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ * أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ * قالُوا بَلْ وَجَدْنا آباءَنا كَذلِكَ يَفْعَلُونَ﴾ (شعراء: ۷۱ ـ ۷٤)

گفتند: بت‌ها را می‌پرستیم و همه روز ملازم عبادت آنهاییم. گفت: آیا هنگامی که آنها را می‌خوانید صدای شما را می‌شنوند؟! یا سود و زیانی به شما می‌رسانند؟! گفتند: ما فقط نیاکان خود را یافتیم که چنین می‌کنند.

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

همچنین می‌فرماید:

﴿وَ إِذا قِیلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا ما أَنْزَلَ اللهُ قالُوا بَلْ نَتَّبِعُ ما أَلْفَیْنا عَلَیْهِ آباءَنا أَ وَ لَوْ کانَ آباؤُهُمْ لا یَعْقِلُونَ شَیْئاً وَ لا یَهْتَدُونَ﴾ (بقره: ۱۷۰)

و هنگامی که به آنها گفته شود: از آنچه خدا نازل کرده است، پیروی کنید. می‌گویند: نه، ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می‌نماییم. آیا اگر پدران آنها، چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نیافتند [باز از آنها پیروی خواهندکرد؟!]

و می‌فرماید:

﴿وَ إِذا تُتْلی عَلَیْهِمْ آیاتُنا بَیِّناتٍ قالُوا ما هذا إِلاَّ رَجُلٌ یُرِیدُ أَنْ یَصُدَّکُمْ عَمَّا کانَ یَعْبُدُ آباؤُکُمْ﴾ (سبأ: ۴۳)

و هنگامی که آیات روشنگر ما بر آنها خوانده می‌شود، می‌گویند: او فقط مردی است که می‌خواهد شما را از آنچه پدرانتان می‌پرستیدند باز دارد.

شریکان خدا نزد مشرکان

از آیات قرآن استفاده می‌شود که مشرکان مخلوقاتی را برای خدا شریک قرار داده و برای آنها خالقیت یا ربوبیت استقلالی قائل بودند. اینک به برخی از این مخلوقات اشاره می‌کنیم:

۱. جن

از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود که برخی از مشرکان صدر اسلام، جن را شریک خداوند متعال در خالقیت می‌دانستند.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿**وَجَعَلُوا لله شُرَكَآءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ...**﴾ (انعام: ۱۰۰)

آنان برای خدا همتایانی از جنّ قرار دادند، در حالی که خداوند همه آنها را آفریده است...

۲. شیاطین

و نیز از برخی آیات استفاده می‌شود که برخی از مشرکان، شیاطین را شریک خداوند متعال در ولایت و سلطهٔ استقلالی می‌دانستند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿**إِنَّهُمُ اتَّخَذُوا الشَّياطِينَ أَوْلِيَآءَ مِن دُونِ الله وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ**﴾ (اعراف: ۳۰)

آنها (کسانی هستند که) شیاطین را به جای خداوند، اولیای خود انتخاب کردند؛ و گمان می‌کنند هدایت یافته‌اند**!**

۳. بت‌ها

از برخی آیات استفاده می‌شود که برخی از مشرکان، بت‌ها را شریک خداوند متعال در خالقیت می‌دانستند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿... **فَتَعالَى اللهُ عَمّا يُشْرِكُونَ * أَيُشْرِكُونَ ما لاَ يَخْلُقُ شَيْئاً وَهُمْ يُخْلَقُونَ * وَلاَ يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْراً وَلا أَنفُسَهُمْ يَنصُرُونَ**﴾ (اعراف: ۱۹۰ ـ ۱۹۲)

خداوند برتر است از آنچه همتای او قرار می‌دهند. آیا موجوداتی را همتای او قرار می‌دهند که چیزی را نمی‌آفرینند، و خودشان مخلوقند. و نمی‌توانند آنان را یاری کنند، و نه خودشان را یاری می‌دهند.

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

و می‌فرماید:

﴿إِنَّما تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللهِ أَوْثاناً وَتَخْلُقُونَ إِفْكاً...﴾ (عنکبوت: ۱۷)

شما غیر از خدا فقط بت‌هایی (از سنگ و چوب) را می‌پرستید و دروغی به هم می‌بافید.

۴. اولیای الهی و انبیا

از برخی آیات استفاده می‌شود که برخی از مشرکان، انبیا و اولیای الهی را شرک خداوند متعال در اجابت دعا و برآورده‌کردن حاجت به نحو استقلال می‌دانستند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللهِ عِبادٌ أَمْثالُكُمْ فادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِن كُنتُمْ صادِقِينَ﴾ (اعراف: ١٩٤)

آنهایی را که غیر از خدا می‌خوانید (و پرستش می‌کنید)، بندگانی همچون خود شما هستند؛ آنها را بخوانید، و اگر راست می‌گویید باید به شما پاسخ دهند (و تقاضایتان را برآورند)!

و نیز می‌فرماید:

﴿وَلاَ يَأْمُرَكُمْ أَن تَتَّخِذُوا الْمَلاَئِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْباباً...﴾ (آل‌عمران: ۸۰)

و نه اینکه به شما دستور دهد که فرشتگان و پیامبران را، پروردگار خود انتخاب کنید...

۵. فرشته‌ها

از برخی آیات استفاده می‌شود که برخی از مشرکان، فرشته‌ها را شرک خداوند متعال در ربوبیت استقلالی می‌دانستند. خداوند متعال می‌فرماید:

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

﴿وَلاَ يَأْمُرَكُمْ أَن تَتَّخِذُوا الْمَلاَئِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَاباً﴾ (آل‌عمران: ۸۰)
و نه اینکه به شما دستور دهد که فرشتگان و پیامبران را، پروردگار خود انتخاب کنید.

۶. ستارگان

از برخی تواریخ استفاده می‌شود که برخی از مشرکان، ستارگان را مؤثر مستقل در نظام عالم سفلی و طبیعت می‌دانستند. حلبی در سیره خود می‌نویسد:

لَمَّا أَصَابَ الْمُسْلِمِينَ مَطَرٌ فِي الْحُدَيْبِيَّةِ لَمْ يَبْلَ أَسْفَلَ نِعَالِهِمْ (اَيْ لَيْلاً)، فَأَمَرَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله مُنَادِيَهُ أَنْ يُنَادِيَ: أَلاَ، صَلُّوا فِى رِحَالِكُمْ. وَ قَالَ صلی الله علیه و آله صَبِيحَةَ لَيْلَةِ الْحُدَيْبِيَّةِ لَمَّا صَلَّي بِهِمْ: (أَلاَ تَدْرُونَ مَاقَالَ رَبُّكُمْ)؟ قَالُوا: اَللهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ. قَالَ: قَالَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ، أَصْبَحَ مِنْ عِبَادِي مُؤْمِنٌ بِي وَ كَافِرٌ؛ فَأَمَّا مِنْ قَالَ: مُطِرْنَا بِرَحْمَةِ اللهِ وَ فَضْلِهِ فَهُوَ مُؤْمِنٌ بِاللهِ وَ كَافِرٌ بِالْكَوَاكِبِ، وَ مَنْ قَالَ: مُطِرْنَا بِنَجْمِ كَذَا فَهُوَ مُؤْمِنٌ بِالْكَوَاكِبِ وَ كَافِرٌ بِي.[1]

چون در حدیبیه مسلمانان با باران روبرو شدند شبانه کف کفش‌هایشان مرطوب نشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله منادی خود را فرمود که ندا دهد، آگاه باشید! در خیمه‌های خود نماز گزارید. پیامبر صلی الله علیه و آله در صبح آن شب چون با آنها نماز گزارد، فرمود: آیا می‌دانید که پروردگار شما چه فرموده است؟ گفتند: خدا و رسولش آگاه‌تر است. حضرت فرمود: خدای عزّوجلّ فرمود: در بین بندگانم که

۱. السیرة الحلبیه، ج ۳، ص ۲۵.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

صبح کردند برخی به من مؤمن بوده و برخی هم کـافر شـدند؛ امّـا کسی که گفت: ما به رحمت خدا و فضل او به باران دست یـافتیم، او به خدا ایمان آورده و به ستارگان کافر شده است و کسـی کـه گفته: ما از راه فلان ستاره به باران دست یافتیم او به ستارگان ایمان آورده و به من کافر شده است.

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک**، **در تاریخ**: **۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

تاریخچه شرک و بت‌پرستی

۱. قدمت شرک و بت‌پرستی

با رجوع به کتاب‌های تاریخ قبل از ظهور بت‌پرستی استفاده مـی‌شـود بت‌پرستان از زمان حضرت نوح علیه السلام شرک ربوبی داشته‌اند و اگـر غیـر از خدا را عبادت و پرستش می‌کرده‌اند بدین جهت بوده است.

ابن اثیر درباره بت‌پرستی در میان قوم نوح می‌نویسد:

... و امّا کتاب الله قال: فینطق بانّهم اهل اوثان، قـال تعـالی: ﴿وَ قالُوا لا تَذَرُنَّ آلِهَتَکُمْ وَ لا تَـذَرُنَّ وَدًّا وَ لا سُـواعاً وَ لا یَغُـوثَ وَ یَعُوقَ وَ نَسْراً ٭ وَ قَدْ أَضَلُّوا کَثِیـراً﴾[1] فـانّ القـول الحـق الّـذي لا یشك فیه هو انّهم کانوا اهل اوثان یعبدونها ـ کمـا نطـق بـه القرآن ـ و هو مذهب طائفة من الصـابئین؛ فـانّ اصـل مـذهب الصابئین عبادة الروحانیون، وهم الملائکة لتقربهم إلی الله تعـالی زلفی، فانّهم اعترفوا بصانع العالم و انّه حکیم قـادر مقـدّس، إلاّ انّهم قالوا: الواجب علینا معرفة العجز عن الوصـول إلـی معرفـة

۱. نوح: ۲۳و۲۴.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

جلاله و انّما نتقرّب إليه بالوسائط المقرّبة لديه وهم الروحـانيون، و حيث لم يعـاينوا الروحـانيون تقرّبـوا إلـيهم بالهياكـل وهـي الكواكب السبعة؛ لأنّها مدبّرة لهذا العالم عندهم. ثمّ ذهبت طائفـة منهم ـ و هم اصحاب الأشخاص ـ حيث رأوا انّ الهياكل تطلـع و تغرب و تُرى ليلا و لا تُرى نهاراً، إلى وضـع الأصـنام لتكـون نُصـب اعيـنهم ليتوسّـلوا بهـا إلـى الهياكـل، و الهياكـل إلـى الروحانيين، والروحانيون إلى صانع العـالم، فهـذا أصـل وضـع الأصنام أوّلا. و قد كان أخيراً فـي العـرب مـن هـو علـى هـذا الاعتقاد و قال تعالى: ﴿ما نَعْبُدُهُمْ إِلاَّ لِيُقَرِّبُونا إِلَى اللهِ زُلْفَى﴾[1] فقد حصل من عبادة الأصنام مذهب الصابئين و الكفـر و الفـواحش و غير ذلك من المعاصي...[2]

... و امّا کتاب خدا فرموده که قوم نوح بت پرست بوده‌اند آنجا کـه می‌فرماید: «و گفتند: دست از خدایان و بت‌های خود برندارید (بـه خصوص) ـ بت‌های وَدّ و سُواع و یغـوث و یعـوق و نسـر را رهـا نکنید. و آنها گروه بسیاری را گمراه کردند». همانا گفتار حقی که در آن شکی نیست اینکه قوم نوح دارای بت‌هایی بوده‌اند که آنها را می‌پرستیدند ـ آن‌گونه که قرآن به آن اشاره کـرده اسـت، و ایـن مذهب طایفه‌ای از صابئین بوده است؛ زیـرا اصـل مـذهب صـابئین عبادت روحانیین یعنی ملائکه بوده تا از این طریق به خدای متعـال تقرب یابند، چون‌که آنان به صانع عالم اعتراف داشته و او را حکیم،

---

۱. زمر: ۳.

۲. کامل ابن اثیر، ج ۱، صص ۶۷ و ۶۸.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

قادر و مقدّس می‌دانستند جز آنکه می‌گفتند: بر ما واجب است بفهمیم که از رسیدن به شناخت جلال خدا عاجزیم و تنها به توسط وسایل مقرّب نزد خدا یعنی روحانیون است که می‌توانیم به او نزدیک شویم و چون روحانیون را ندیدند به توسط هیکل‌ها که همان کوکب‌های هفت‌گانه بود به آن روحانیون تقرب جستند؛ زیرا آن کوکب‌ها نزد آنان مدبر این عالم بوده است. ولی طایفه‌ای از آنان چون مشاهده کردند که این هیکل‌ها طلوع و غروب داشته و شب دیده شده و روز دیده نمی‌شود لذا به فکر افتادند تا بت‌هایی را در مقابل خود نصب کنند تا به توسط آنها به آن هیکل‌ها توسل جویند، و به واسطه آن هیکل‌ها به روحانیون توسل جسته و از طریق روحانیین به صانع عالم تقرب جویند. و این اصل وضع بت‌ها در ابتدا بوده است و در بین عرب‌ها نیز اخیراً افرادی بودند که چنین عقیده‌ای داشته‌اند، و لذا خداوند متعال درباره عمل آنها می‌فرماید: «ما بت‌ها را عبادت نمی‌کنیم، مگر آنکه ما را به خداوند نزدیک سازند». پس از عبادت بت‌ها مذهب صابئین و کفر و فواحش و دیگر معاصی پدید آمد...

۲. تنوع شرک و بت‌پرستی در طول تاریخ

چنانچه بیان شد، خداوند متعال در قرآن کریم، قدمت شرک را به عصر حضرت نوح علیه‌السلام برگردانده و به تنوع شرک و عقیده مشرکان در طول تاریخ اشاره نموده و بیان نموده که وجه مشترک مشرکان در طول تاریخ هم‌عرض قراردادن شریکان با خدا بوده است و به همین جهت

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

اعتقاد در عرض هم قرارگرفتن شریکان با خدا را نفی کرده و اینکه غیر خدا بتواند بدون اذن او تصرفی (به نحو عرضیت نه طولیت) را داشته باشد ردّ نموده و آن را با تعبیرات مختلف بیان کرده است:

الف) تعبیر «مع الله»

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿**لا تَجْعَلْ مَعَ اللهِ إِلهاً آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُوماً مَخْذُولاً**﴾ (اسراء: ۲۲)

هرگز معبود دیگری را با خدا قرار مده، که نکوهیده و بی‌یار و یاور خواهی نشست!

و نیز می‌فرماید:

﴿**وَ لا تَجْعَلْ مَعَ اللهِ إِلهاً آخَرَ فَتُلْقى فِي جَهَنَّمَ مَلُوماً مَدْحُوراً**﴾ (اسراء: ۳۹)

و هرگز معبودی با خدا قرار مده، که در جهنم افکنده می‌شوی، در حالی که سرزنش شده، و رانده (درگاه خدا) خواهی بود!

همچنین می‌فرماید:

﴿**قُلْ لَوْ كانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَما يَقُولُونَ إِذاً لاَبْتَغَوْا إِلى ذِي الْعَرْشِ سَبِيلاً**﴾ (اسراء: ٤٢)

بگو: اگر آنچنان که آنها می‌گویند با او خدایانی بود، در این صورت، (خدایان) سعی می‌کردند راهی به سوی (خداوند) صاحب عرش پیدا کنند.

«معیت» دلالت بر شرکت به نحو عرضیت دارد و لذا آیات فوق شامل کسانی که غیر خدا را خوانده و از او به نحو عرضیت درخواست حاجت کرده می‌شود.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

ب) تعبیر «من دونه»

خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَ لا تَحْوِيلاً﴾ (اسراء: ٥٦)

بگو: کسانی را که غیر از خدا (معبود خود) مـی‌پندارید، بخوانیـد! آنها نه می‌توانند مشکلی را از شما برطرف سازند، و نـه تغییـری در آن ایجاد کنند.

از این آیه استفاده می‌شود کسانی کـه غیـر خـدا را صـدا زده و از او درخواست حاجت کرده بدون آنکه ارتباط را با خدا قطع کنند، مشـمول این آیه نمی‌شوند.

ج) تعبیرهای مختلف از «من دون الله»

در قرآن کریم هنگامی که سخن از اعتقاد مشرکان و عمل شـرک‌آلـود آنها به میان می‌آید و آن را با کلمه (من دون الله) بیان می‌کند کـه دلالـت بر دیدگاه استقلالی مشرکان درباره خدایانشان دارد که رابطه کارهای آنان را با خدا و تحـت اراده و مشـیت بـودن آن را قطـع کـرده‌انـد؛ آن را بـا تعبیرهای مختلف بیان می‌کند و دیدگاه‌هـای آنـان را در مـورد بـت‌هـا و خدایانشان غیر از خداوند متعال تبیین می‌نماید، اعتقادی که هرگـز قابـل انطباق بر مسلمانانی نیست که اعتقادشان درباره اولیای الهی این است که دعای آنان مستجاب می‌باشد و مورد قبول الهی است و می‌تواننـد بـه اذن و اراده الهی معجزه نمایند، خصوصاً آنکه حیات برزخـی در جـای خـود ثابت شده و با حال حیات فرقی ندارد. و لذاست که حضـرت عیسـی علیه السلام

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

ـ مطابق آنچه در قرآن آمده ـ می‌فرماید:

﴿أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْراً بِإِذْنِ اللهِ﴾ (آل عمران: ٤٩)

من از گِل، چیزی به شکل پرنده می‌سازم؛ سپس در آن می‌دمم و به فرمان خدا، پرنده‌ای می‌گردد.

اینک به نمونه‌هایی از اعتقاد مشرکان نسبت به خدایانشان که با قطع ارتباط عمل آنان از خدا بوده اشاره می‌کنیم:

یک ـ توجه به موجوداتی غیر از خدا

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿هذا خَلْقُ اللهِ فَأَرُونِي ماذا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلالٍ مُبِينٍ﴾ (لقمان: ١١)

این آفرینش خداست؛ امّا به من نشان دهید معبودانی غیر او چه چیز را آفریده‌اند؟! ولی ظالمان در گمراهی آشکارند.

و نیز می‌فرماید:

﴿أَ لَيْسَ اللهُ بِكافٍ عَبْدَهُ وَ يُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ وَ مَنْ يُضْلِلِ اللهُ فَما لَهُ مِنْ هادٍ﴾ (زمر: ٣٦)

آیا خداوند برای (نجات و دفاع از) بنده‌اش کافی نیست؟! امّا آنها تو را از غیر او می‌ترسانند. و هر کس را خداوند گمراه کند، هیچ هدایت‌کننده‌ای ندارد.

از این آیات استفاده می‌شود که مشرکان موجوداتی غیر از خدا را مورد توجه قرار داده و آنها را فاعل مستقل می‌دانستند.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ٩٠/٥/٣ ، قطع: رقعی، شاخه: ٨٩٠٦٧

دو ـ عقیده به خدایانی غیر از خداوند متعال

از برخی آیات استفاده می‌شود که مشرکان به خدایانی غیر از خداوند متعال معتقد بوده و برای آنان صفت الوهیت قائل بوده‌اند. اینک به برخی از آیات اشاره می‌کنیم:

اول ـ خداوند متعال از قول حضرت هود علیه السلام نقل می‌کند:

﴿وَ يا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّماءَ عَلَيْكُمْ مِدْراراً وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلى قُوَّتِكُمْ وَ لا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ * قالُوا يا هُودُ ما جِئْتَنا بِبَيِّنَةٍ وَ ما نَحْنُ بِتارِكِي آلِهَتِنا عَنْ قَوْلِكَ وَ ما نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ * إِنْ نَقُولُ إِلاَّ اعْتَراكَ بَعْضُ آلِهَتِنا بِسُوءٍ قالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللهَ وَ اشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ * مِنْ دُونِهِ فَكِيدُونِي جَمِيعاً ثُمَّ لا تُنْظِرُونِ * إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ رَبِّي وَ رَبِّكُمْ ما مِنْ دَابَّةٍ إِلاَّ هُوَ آخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّ رَبِّي عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (هود: ۵۲ ـ ۵٦)

و ای قوم من! از پروردگارتان طلب آمرزش کنید، سپس به سوی او بازگردید، تا (باران) آسمان را پی در پی بر شما بفرستد؛ و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید! و گنهکارانه، روی (از حق) برنتابید! گفتند: ای هود! تو دلیل روشنی برای ما نیاورده‌ای! و ما خدایان خود را به‌خاطر حرف تو، رها نخواهیم کرد! و ما (اصلاً) به تو ایمان نمی‌آوریم! ما (درباره تو) فقط می‌گوییم: بعضی از خدایان ما، به تو زیان رسانده (و عقلت را ربوده)اند! (هود) گفت: «من خدا را به شهادت می‌طلبم، شما نیز گواه باشید که من بیزارم از آنچه شریک (خدا) قرار می‌دهید... از آنچه غیر او (می‌پرستید)! حال که

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک**، **در تاریخ**: **۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

چنین است، همگی برای من نقشه بکشید؛ و مرا مهلت ندهید! (اما بدانید کاری از دست شما ساخته نیست!) من، بر «الله» که پروردگار من و شماست، توکل کرده‌ام! هیچ جنبنده‌ای نیست مگر اینکه او بر آن تسلط دارد؛ (اما سلطه‌ای با عدالت! چرا که) پروردگار من بر راه راست است.

دوم ـ درباره به هلاکت رساندن قوم عاد و ثمود و... می‌فرماید:

﴿وَ ما ظَلَمْناهُمْ وَ لكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَما أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَ ما زادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ﴾ (هود: ۱۰۱)

ما به آنها ستم نکردیم؛ بلکه آنها خودشان بر خویشتن ستم روا داشتند! و هنگامی که فرمان مجازات الهی فرا رسید، معبودانی را که غیر از خدا می‌خواندند، آنها را یاری نکردند؛ و جز بر هلاکت آنان نیفزودند.

سوم ـ درباره خدایان بابلی‌ها می‌فرماید:

﴿قالُوا مَنْ فَعَلَ هذا بِآلِهَتِنا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ * قالُوا سَمِعْنا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقالُ لَهُ إِبْراهِيمُ * قالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلى أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ * قالُوا أَ أَنْتَ فَعَلْتَ هذا بِآلِهَتِنا يا إِبْراهِيمُ * قالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هذا فَسْئَلُوهُمْ إِنْ كانُوا يَنْطِقُونَ * فَرَجَعُوا إِلى أَنْفُسِهِمْ فَقالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ * ثُمَّ نُكِسُوا عَلى رُؤُسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ ما هؤُلاءِ يَنْطِقُونَ * قالَ أَ فَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ ما لا يَنْفَعُكُمْ شَيْئاً وَ لا يَضُرُّكُمْ * أُفٍّ لَكُمْ وَ لِما تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ أَ فَلا تَعْقِلُونَ﴾ (انبیاء: ۵۹ ـ ٦٧)

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦٧

(هنگامی که منظره بت‌ها را دیدند،) گفتند: هر کس با خدایان ما چنین کرده، قطعاً از ستمگران است (و باید کیفر سخت ببیند)! (گروهی) گفتند: شنیدیم نوجوانی از (مخالفت با) بت‌ها سخن می‌گفت که او را ابراهیم می‌گویند. (جمعیّت) گفتند: او را در برابر دیدگان مردم بیاورید، تا گواهی دهند! (هنگامی که ابراهیم را حاضر کردند،) گفتند: تو این کار را با خدایان ما کرده‌ای، ای ابراهیم؟! گفت: بلکه این کار را بزرگشان کرده است! از آنها بپرسید اگر سخن می‌گویند! آنها به وجدان خویش بازگشتند؛ و (به خود) گفتند: حقّاً که شما ستمگرید! سپس بر سرهایشان واژگونه شدند؛ (و حکم وجدان را به‌کلّی فراموش کردند و گفتند:) تو می‌دانی که اینها سخن نمی‌گویند! (ابراهیم) گفت: آیا جز خدا چیزی را می‌پرستید که نه کمترین سودی برای شما دارد، و نه زیانی به شما می‌رساند! (نه امیدی به سودشان دارید، و نه ترسی از زیانشان!) اُف بر شما و بر آنچه جز خدا می‌پرستید! آیا اندیشه نمی‌کنید (و عقل ندارید)؟! گفتند: او را بسوزانید و خدایان خود را یاری کنید، اگر کاری از شما ساخته است! (سرانجام او را به آتش افکندند؛ ولی ما) گفتیم: ای آتش! بر ابراهیم سرد و سالم باش!

چهارم ـ درباره خدایان رومیان می‌فرماید:

﴿وَ رَبَطْنا عَلى قُلُوبِهِمْ إِذْ قامُوا فَقالُوا رَبُّنا رَبُّ السَّماواتِ وَ الأَرْضِ لَنْ نَدْعُوَا مِنْ دُونِهِ إِلهاً لَقَدْ قُلْنا إِذاً شَطَطاً * هؤُلاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَوْ لا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطانٍ بَيِّنٍ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرى عَلَى اللهِ كَذِباً * وَ إِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَ ما يَعْبُدُونَ إِلاَّ اللهَ

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

فَأْوُوا إِلَی الْکَهْفِ یَنْشُرْ لَکُمْ رَبُّکُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ یُهَیِّئْ لَکُمْ مِنْ أَمْرِکُمْ مِرفَقاً * وَ تَرَی الشَّمْسَ إِذا طَلَعَتْ تَتَزاوَرُ عَنْ کَهْفِهِمْ ذاتَ الْیَمِینِ وَ إِذا غَرَبَتْ تَقْرِضُهُمْ ذاتَ الشِّمالِ وَ هُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ ذلِكَ مِنْ آیاتِ اللهِ مَنْ یَهْدِ اللهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَ مَنْ یُضْلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِیًّا مُرْشِداً﴾ (کهف: ۱٤ ـ ۱۷)

و دل‌هایشان را محکم ساختیم در آن موقع که قیام کردند و گفتند: پروردگار ما، پروردگار آسمان‌ها و زمین است؛ هرگز غیر او معبودی را نمی‌خوانیم؛ که اگر چنین کنیم، سخنی به‌گزاف گفته‌ایم. این قوم ما هستند که معبودهایی جز خدا انتخاب کرده‌اند؛ چرا دلیل آشکاری (بر این کار) نمی‌آورند؟! و چه کسی ظالم‌تر است از آن کس که بر خدا دروغ ببندد؟! و (به آنها گفتیم:) هنگامی که از آنان و آنچه جز خدا می‌پرستند کناره‌گیری کردید، به غار پناه برید؛ که پروردگارتان (سایه) رحمتش را بر شما می‌گستراند؛ و در این امر، آرامشی برای شما فراهم می‌سازد!

پنجم ـ درباره اعتقاد نصارا به الوهیت عیسی و مریم علیهما السلام می‌فرماید:

﴿وَ إِذْ قالَ اللهُ یا عِیسَی ابْنَ مَرْیَمَ أَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَ أُمِّيَ إِلهَیْنِ مِنْ دُونِ اللهِ قالَ سُبْحانَكَ ما یَکُونُ لِي أَنْ أَقُولَ ما لَیْسَ لِي بِحَقٍّ إِنْ کُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ ما فِي نَفْسِي وَ لا أَعْلَمُ ما فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلاَّمُ الْغُیُوبِ * ما قُلْتُ لَهُمْ إِلاَّ ما أَمَرْتَنِي بِهِ أَنِ اعْبُدُوا اللهَ رَبِّي وَ رَبَّکُمْ وَ کُنْتُ عَلَیْهِمْ شَهِیداً ما دُمْتُ فِیهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّیْتَنِي کُنْتَ أَنْتَ الرَّقِیبَ عَلَیْهِمْ وَ أَنْتَ عَلی کُلِّ شَيْءٍ شَهِیدٌ * إِنْ تُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبادُكَ وَ إِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِیزُ

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

الْحَكِيمُ ❁ قالَ اللهُ هذا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الأَنْهارُ خالِدِينَ فِيها أَبَداً رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ذلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ❁ لِلَّهِ مُلْكُ السَّماواتِ وَ الأَرْضِ وَ ما فِيهِنَّ وَ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (مائده: ۱۱٦ ـ ۱۲۰)

و آن‌گاه که خداوند به عیسی بن مریم می‌گوید: آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را به‌عنوان دو معبود غیر از خدا انتخاب کنید؟! او می‌گوید: منزهی تو! من حق ندارم آنچه را که شایسته من نیست، بگویم! اگر چنین سخنی را گفته باشم، تو می‌دانی! تو از آنچه در روح و جان من است، آگاهی؛ و من از آنچه در ذات (پاک) توست، آگاه نیستم! به یقین تو از تمام اسرار و پنهانی‌ها باخبری. من، جز آنچه مرا به آن فرمان دادی، چیزی به آنها نگفتم؛ (به آنها گفتم:) خداوندی را بپرستید که پروردگار من و پروردگار شماست! و تا زمانی که در میان آنها بودم، مراقب و گواهشان بودم؛ ولی هنگامی که مرا از میانشان برگرفتی، تو خود مراقب آنها بودی؛ و تو بر هر چیز، گواهی! (با این حال،) اگر آنها را مجازات کنی، بندگان توانند. (و قادر به فرار از مجازات تو نیستند)؛ و اگر آنان را ببخشی، توانا و حکیمی! (نه کیفر تو نشانه بی‌حکمتی است، و نه بخشش تو نشانه ضعف!) خداوند می‌گوید: امروز، روزی است که راستی راستگویان، به آنها سود می‌بخشد؛ برای آنها باغ‌هایی از بهشت است که نهرها از زیر (درختان) آن می‌گذرد، و تا ابد، جاودانه در آن می‌مانند؛ هم خداوند از آنها خشنود است، و هم آنها از خدا خشنودند؛ این، رستگاری بزرگ است! حکومت آسمان‌ها و زمین و آنچه در آنهاست، از آن خداست؛ و او بر هر چیزی تواناست.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

ششم ـ و در سورهٔ مبارکه فرقان درباره خدایان امت‌های مختلف می‌فرماید:

﴿وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لا يَخْلُقُونَ شَيْئاً وَ هُمْ يُخْلَقُونَ وَلا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلا نَفْعاً وَلا يَمْلِكُونَ مَوْتاً وَلا حَياةً وَلا نُشُوراً﴾ (فرقان: ۳)

آنان غیر از خداوند معبودانی برای خود برگزیدند؛ معبودانی که چیزی را نمی‌آفرینند، بلکه خودشان مخلوقند، و مالک زیان و سود خویش نیستند، و نه مالک مرگ و حیات و رستاخیز خویشند.

هفتم ـ خداوند متعال درباره خدایانی که مشرکان راضی به پرستش آنان شدند می‌فرماید:

﴿حَتَّى إِذا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَ مَأْجُوجُ وَ هُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ * وَ اقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذا هِيَ شاخِصَةٌ أَبْصارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يا وَيْلَنا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِنْ هذا بَلْ كُنَّا ظالِمِينَ * إِنَّكُمْ وَ ما تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَها وارِدُونَ * لَوْ كانَ هؤُلاءِ آلِهَةً ما وَرَدُوها وَ كُلٌّ فِيها خالِدُونَ﴾ (انبیاء: ۹۶ ـ ۹۹)

تا آن زمان که «یأجوج» و «مأجوج» گشوده شوند؛ و آنها از هر محلّ مرتفعی به‌سرعت عبور می‌کنند. و وعده حقّ [قیامت] نزدیک می‌شود؛ در آن هنگام چشم‌های کافران از وحشت از حرکت بازمی‌ماند؛ (می‌گویند:) ای وای بر ما که از این (جریان) در غفلت بودیم؛ بلکه ما ستمکار بودیم! شما و آنچه غیر خدا می‌پرستید، هیزم جهنّم خواهید بود؛ و همگی در آن وارد می‌شوید. اگر اینها خدایانی بودند، هرگز وارد آن نمی‌شدند! در حالی که همگی در آن جاودانه خواهند بود.

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

و نیز می‌فرماید:

﴿وَ یَوْمَ یَحْشُرُهُمْ وَ ما یَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ فَیَقُولُ أَ أَنْتُمْ أَضْلَلْتُمْ عِبادِي هؤُلاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِیلَ﴾ (فرقان: ۱۷)

(به خاطر بیاور) روزی را که همه آنان و معبودهایی را که غیر از خدا می‌پرستند جمع می‌کند، آن‌گاه به آنها می‌گوید: آیا شما این بندگان مرا گمراه کردید یا خود آنان راه را گم کردند؟!

همچنین می‌فرماید:

﴿هذا یَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ * احْشُرُوا الَّذِینَ ظَلَمُوا وَ أَزْواجَهُمْ وَ ما كانُوا یَعْبُدُونَ * مِنْ دُونِ اللهِ فَاهْدُوهُمْ إِلى صِراطِ الْجَحِیمِ * وَ قِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْؤُلُونَ * ما لَكُمْ لا تَناصَرُونَ * بَلْ هُمُ الْیَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ * وَ أَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلى بَعْضٍ یَتَساءَلُونَ * قالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنا عَنِ الْیَمِینِ * قالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِینَ * وَ ما كانَ لَنا عَلَیْكُمْ مِنْ سُلْطانٍ بَلْ كُنْتُمْ قَوْماً طاغِینَ * فَحَقَّ عَلَیْنا قَوْلُ رَبِّنا إِنَّا لَذائِقُونَ * فَأَغْوَیْناكُمْ إِنَّا كُنَّا غاوِینَ * فَإِنَّهُمْ یَوْمَئِذٍ فِي الْعَذابِ مُشْتَرِكُونَ﴾ (صافات: ۲۱ ـ ۳۳)

(آری) این همان روز جدایی (حقّ از باطل) است که شما آن را تکذیب می‌کردید! (در این هنگام به فرشتگان دستور داده می‌شود:) ظالمان و هم‌ردیفانشان و آنچه را می‌پرستیدند... (آری آنچه را) جز خدا می‌پرستیدند جمع کنید و به‌سوی راه دوزخ هدایتشان کنید! آنها را نگهدارید که باید بازپرسی شوند! شما را چه شده که از هم یاری نمی‌طلبید؟! ولی آنان در آن روز تسلیم قدرت خداوندند! (و در این حال) رو به یکدیگر کرده و از هم می‌پرسند... گروهی (می‌گویند:

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

شما رهبران گمراهی بودید که به ظاهر) از طریق خیرخواهی و نیکی وارد شدید امّا جز فریب چیزی در کارتان نبود)! (آنها در جواب) می‌گویند: شما خودتان اهل ایمان نبودید (تقصیر ما چیست)؟! ما هیچ‌گونه سلطه‌ای بر شما نداشتیم، بلکه شما خود قومی طغیانگر بودید! اکنون فرمان پروردگارمان بر همه ما مسلّم شده، و همگی از عذاب او می‌چشیم! ما شما را گمراه کردیم، همان‌گونه که خود گمراه بودیم! (آری) همه آنها [پیشوایان و پیروان گمراه] در آن روز در عذاب الهی مشترکند!

هشتم ـ درباره خدایان برخی از مشرکان عرب می‌فرماید:

﴿وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنْصَرُونَ * لا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَ هُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُحْضَرُونَ * فَلا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ ما يُسِرُّونَ وَ ما يُعْلِنُونَ﴾ (یس: ۷۴ـ ۷۶)

آنان غیر از خدا معبودانی برای خویش برگزیدند به این امید که یاری شوند! ولی آنها قادر به یاری ایشان نیستند، و این (عبادت‌کنندگان در قیامت) لشکری برای آنها خواهند بود که در آتش دوزخ احضار می‌شوند! پس سخنانشان تو را غمگین نسازد، ما آنچه را پنهان می‌دارند و آنچه را آشکار می‌کنند می‌دانیم!

نهم ـ و نیز درباره اله دانستن فرشتگان و انبیا می‌فرماید:

﴿وَ مَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلٰهٌ مِنْ دُونِهِ فَذٰلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذٰلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ﴾ (انبیاء: ۲۹)

و هر کس از آنها بگوید: من جز خدا، معبودی دیگرم، کیفر او را جهنم می‌دهیم! و ستمگران را این‌گونه کیفر خواهیم داد.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

دهم ـ درباره قوم سبأ می‌فرماید:

﴿إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَ أُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَها عَرْشٌ عَظِيمٌ * وَجَدْتُها وَ قَوْمَها يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللهِ وَ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطانُ أَعْمالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لا يَهْتَدُونَ * أَلاَّ يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّماواتِ وَ الأَرْضِ وَ يَعْلَمُ ما تُخْفُونَ وَ ما تُعْلِنُونَ * اللهُ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾ (نمل: ۲۳ـ ۲٦)

من زنی را دیدم که بر آنان حکومت می‌کند، و همه چیز در اختیار دارد، و (به خصوص) تخت عظیمی دارد! او و قومش را دیدم که برای غیر خدا ـ خورشید ـ سجده می‌کنند؛ و شیطان اعمالشان را در نظرشان جلوه داده، و آنها را از راه بازداشته؛ و از این رو هدایت نمی‌شوند! چرا برای خداوندی سجده نمی‌کنند که آنچه را در آسمان‌ها و زمین پنهان است خارج (و آشکار) می‌سازد، و آنچه را پنهان می‌دارید یا آشکار می‌کنید می‌داند؟! خداوندی که معبودی جز او نیست، و پروردگار عرش عظیم است!

﴿وَ صَدَّها ما كانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللهِ إِنَّها كانَتْ مِنْ قَوْمٍ كافِرِينَ * قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَ كَشَفَتْ عَنْ ساقَيْها قالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُمَرَّدٌ مِنْ قَوارِيرَ قالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ﴾ (نمل: ۴۳ و ۴٤)

و او را از آنچه غیر از خدا می‌پرستید بازداشت، که او [ملکه سبا] از قوم کافران بود. به او گفته شد: داخل حیاط (قصر) شو! هنگامی که نظر به آن افکند، پنداشت نهر آبی است و ساق پاهای خود را برهنه

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

کرد (تا از آب بگذرد؛ امّا سلیمان) گفت: (این آب نیست،) بلکه قصری است از بلور صاف! (ملکه سبا) گفت: پروردگارا! من به خود ستم کردم؛ و (اینک) با سلیمان برای خداوندی که پروردگار عالمیان است اسلام آوردم!

یازدهم ـ درباره خدایان اقوامی در جزیرة العرب می‌فرماید:

﴿وَ لَقَدْ أَهْلَكْنا ما حَوْلَكُمْ مِنَ الْقُرى وَ صَرَّفْنَا الآياتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ * فَلَوْ لا نَصَرَهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللهِ قُرْباناً آلِهَةً بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَ ذلِكَ إِفْكُهُمْ وَ ما كانُوا يَفْتَرُونَ﴾

(احقاف: ۲۷ و ۲۸)

ما آبادی‌هایی را که پیرامون شما بودند نابود ساختیم، و آیات خود را به‌صورت‌های گوناگون (برای مردم آنها) بیان کردیم شاید بازگردند! پس چرا معبودانی را که غیر از خدا برگزیدند ـ به گمان اینکه به خدا نزدیکشان سازد ـ آنها را یاری نکردند؟! بلکه از میانشان گم شدند! این بود نتیجه دروغ آنها و آنچه افترا می‌بستند!

سه ـ عبادت غیر خداوند متعال

از برخی آیات استفاده می‌شود که مشرکان موجوداتی غیر از خداوند متعال را پرستش و عبادت می‌کردند؛ و این به عمل موحدان در طلب و خواستن از اولیا با نظر غیر استقلالی ربطی ندارد و عبادت آنان به حساب نمی‌آید. لذا اشکال وهابیان و انطباق این آیات بر موحدان بی‌مورد است.

اول ـ خداوند متعال درباره معبودانی غیر از خدا نزد امت‌های مختلف می‌فرماید:

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

﴿قُلْ يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ دِينِي فَلا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ وَ لكِنْ أَعْبُدُ اللهَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ وَ أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ❊ وَ أَنْ أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً وَ لا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (یونس: ١٠٤ ـ ١٠٦)

بگو: ای مردم! اگر در عقیده من شک دارید، من آنهایی را که جز خدا می‌پرستید، نمی‌پرستم! تنها خداوندی را پرستش می‌کنم که شما را می‌میراند! و من مأمورم که از مؤمنان باشم! و (به من دستور داده شده که:) روی خود را به آیینی متوجه ساز که از هرگونه شرک، خالی است؛ و از مشرکان مباش! و جز خدا، چیزی را که نه سودی به تو می‌رساند و نه زیانی، مخوان! که اگر چنین کنی، از ستمکاران خواهی بود!

و نیز می‌فرماید:

﴿وَ يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ ما لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطاناً وَ ما لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ وَ ما لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ﴾ (حج: ٧١)

آنها غیر از خداوند، چیزهایی را می‌پرستند که او هیچ‌گونه دلیلی بر آن نازل نکرده است، و چیزهایی را که علم و آگاهی به آن ندارند! و برای ستمگران، یاور و راهنمایی نیست!

همچنین می‌فرماید:

﴿وَ يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ ما لا يَنْفَعُهُمْ وَ لا يَضُرُّهُمْ وَ كانَ الْكافِرُ عَلى رَبِّهِ ظَهِيراً﴾ (فرقان: ٥٥)

آنان جز خدا چیزهایی را می‌پرستند که نه به آنان سودی می‌رساند و نه زیانی؛ و کافران همیشه در برابر پروردگارشان (در طریق کفر) پشتیبان یکدیگرند.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ٩٠/٥/٣، قطع: رقعی، شاخه: ٨٩٠٦٧

دوم ـ و نیز درباره پرستش غیر ملموس حاکمان طاغوت می‌فرماید:

﴿وَ قالَ الَّذِینَ أَشْرَکُوا لَوْ شاءَ اللهُ ما عَبَدْنا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَیْءٍ نَحْنُ وَ لا آباؤُنا وَ لا حَرَّمْنا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَیْءٍ کَذلِكَ فَعَلَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَی الرُّسُلِ إِلاَّ الْبَلاغُ الْمُبِینُ * وَ لَقَدْ بَعَثْنا فِي کُلِّ أُمَّةٍ رَسُولاً أَنِ اعْبُدُوا اللهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَی اللهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَیْهِ الضَّلالَةُ فَسِیرُوا فِي الأَرْضِ فَانْظُرُوا کَیْفَ کانَ عاقِبَةُ الْمُکَذِّبِینَ﴾ (نحل: ۳۵ و ۳۶)

مشرکان گفتند: اگر خدا می‌خواست، نه ما و نه پدران ما، غیر او را پرستش نمی‌کردیم؛ و چیزی را بدون اجازه او حرام نمی‌ساختیم! (آری،) کسانی که پیش از ایشان بودند نیز همین کارها را انجام دادند؛ ولی آیا پیامبران وظیفه‌ای جز ابلاغ آشکار دارند؟! ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: خدای یکتا را بپرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید! خداوند گروهی را هدایت کرد؛ و گروهی ضلالت و گمراهی دامانشان را گرفت؛ پس در روی زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیب‌کنندگان چگونه بود!

سوم ـ خداوند متعال درباره معبودهای بابلی می‌فرماید:

﴿قالَ أَ فَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ ما لا یَنْفَعُکُمْ شَیْئاً وَ لا یَضُرُّکُمْ * أُفٍّ لَکُمْ وَ لِما تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ أَ فَلا تَعْقِلُونَ * قالُوا حَرِّقُوهُ وَ انْصُرُوا آلِهَتَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ فاعِلِینَ * قُلْنا یا نارُ کُونِي بَرْداً وَ سَلاماً عَلی إِبْراهِیمَ﴾ (انبیاء: ٦٦ ـ ٦٩)

(ابراهیم) گفت: آیا جز خدا چیزی را می‌پرستید که نه کمترین سودی برای شما دارد، و نه زیانی به شما می‌رساند! (نه امیدی به سودشان دارید، و نه ترسی از زیانشان!) اف بر شما و بر آنچه جز

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

خدا می‌پرستید! آیا اندیشه نمی‌کنید (و عقل ندارید)؟! گفتنـد: او را بسوزانید و خدایان خود را یاری کنید، اگر کـاری از شـما سـاخته است! (سرانجام او را به آتش افکندند؛ ولی ما) گفتیم: ای آتش! بـر ابراهیم سرد و سالم باش!

و نیز می‌فرماید:

﴿وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْراهِيمَ * إِذْ قالَ لأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ ما تَعْبُدُونَ * قالُوا نَعْبُدُ أَصْناماً فَنَظَلُّ لَها عاكِفِينَ * قالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ * أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ * قالُوا بَلْ وَجَدْنا آباءَنا كَذلِكَ يَفْعَلُونَ * قالَ أَ فَرَأَيْتُمْ ما كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ * أَنْتُمْ وَ آباؤُكُمُ الأَقْدَمُونَ * فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلاَّ رَبَّ الْعالَمِينَ﴾ (شعراء: ٦٩ ـ ٧٧)

و بر آنان خبر ابراهیم را بخوان، هنگامی که به پدر و قومش گفت: چه چیز را می‌پرستید؟! گفتند: بت‌هایی را می‌پرستیم، و همـه روز ملازم عبادت آنهاییم. گفت: آیا هنگامی که آنها را می‌خوانید صدای شما را می‌شنوند؟! یا سود و زیانی به شما می‌رسانند؟! گفتند: ما فقط نیاکان خود را یافتیم که چنین می‌کنند. گفـت: آیـا دیدیـد (ایـن) چیزهایی را که پیوسته پرستش می‌کردید... شـما و پـدران پیشـین شما، همه آنها دشمن من هستند (و من دشمن آنها)، مگر پروردگار عالمیان!

و می‌فرماید:

﴿وَ إِبْراهِيمَ إِذْ قالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللهَ وَ اتَّقُوهُ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ * إِنَّما تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ الله أَوْثاناً وَ تَخْلُقُونَ إِفْكاً إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ الله لا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقاً فَابْتَغُوا عِنْدَ

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

اللهِ الرِّزْقَ وَ اعْبُدُوهُ وَ اشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ (عنكبوت: ١٦ـ١٧)

ما ابراهیم را (نیز) فرستادیم، هنگامی که به قومش گفت: خدا را پرستش کنید و از (عذاب) او بپرهیزید که این برای شما بهتر است اگر بدانید! شما غیر از خدا فقط بت‌هایی (از سنگ و چوب) را می‌پرستید و دروغی به هم می‌بافید؛ آنهایی را که غیر از خدا پرستش می‌کنید، مالک هیچ رزقی برای شما نیستند؛ روزی را تنها نزد خدا بطلبید و او را پرستش کنید و شکر او را به‌جا آورید که بسوی او بازگشت داده می‌شوید!

خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿فَما كانَ جَوابَ قَوْمِهِ إِلاَّ أَنْ قالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجاهُ اللهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذلِكَ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ * وَ قالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللهِ أَوْثاناً مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَياةِ الدُّنْيا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ وَ يَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضاً وَ مَأْواكُمُ النَّارُ وَ ما لَكُمْ مِنْ ناصِرِينَ﴾ (عنکبوت: ٢٤ ـ ٢٥)

اما جواب قوم او [ابراهیم] جز این نبود که گفتند: او را بکشید یا بسوزانید! ولی خداوند او را از آتش رهایی بخشید؛ در این ماجرا نشانه‌هایی است برای کسانی که ایمان می‌آورند. (ابراهیم) گفت: شما غیر از خدا بت‌هایی برای خود انتخاب کرده‌اید که مایه دوستی و محبت میان شما در زندگی دنیا باشد؛ سپس روز قیامت از یکدیگر بیزاری می‌جویید و یکدیگر را لعن می‌کنید؛ و جایگاه (همه) شما آتش است و هیچ یار و یاوری برای شما نخواهد بود!

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ٩٠/٥/٣** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **٨٩٠٦٧**

همچنین می‌فرماید:

﴿وَ إِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْراهِيمَ * إِذْ جاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ * إِذْ قالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ ما ذا تَعْبُدُونَ * أَ إِفْكاً آلِهَةً دُونَ اللهِ تُرِيدُونَ * فَما ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعالَمِينَ * فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ * فَقالَ إِنِّي سَقِيمٌ * فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ * فَراغَ إِلى آلِهَتِهِمْ فَقالَ أَ لا تَأْكُلُونَ * ما لَكُمْ لا تَنْطِقُونَ * فَراغَ عَلَيْهِمْ ضَرْباً بِالْيَمِينِ * فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزِفُّونَ * قالَ أَ تَعْبُدُونَ ما تَنْحِتُونَ * وَ اللهُ خَلَقَكُمْ وَ ما تَعْمَلُونَ﴾

(صافات: ۸۳ ـ ۹۶)

و از پیروان او ابراهیم بود؛ (به خاطر بیاور) هنگامی را که با قلب سلیم به پیشگاه پروردگارش آمد؛ هنگامی که به پدر و قومش گفت: اینها چیست که می‌پرستید؟! آیا غیر از خدا به سراغ این معبودان دروغین می‌روید؟! شما درباره پروردگار عالمیان چه گمان می‌برید؟! (سپس) نگاهی به ستارگان افکند... و گفت: من بیمارم (و با شما به مراسم جشن نمی‌آیم)! آنها از او روی برتافته و به او پشت کردند (و به‌سرعت دور شدند.) (او وارد بتخانه شد) مخفیانه نگاهی به معبودانشان کرد و از روی تمسخر گفت: چرا (از این غذاها) نمی‌خورید؟! (اصلاً) چرا سخن نمی‌گویید؟! سپس به سوی آنها رفت و ضربه‌ای محکم با دست راست بر پیکر آنها فرود آورد (و جز بت بزرگ، همه را درهم شکست). آنها با سرعت به او روی آوردند. گفت: آیا چیزی را می‌پرستید که با دست خود می‌تراشید؟! با اینکه خداوند هم شما را آفریده و هم بت‌هایی که می‌سازید!

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

و نیز می‌فرماید:

﴿فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَ ما يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ وَهَبْنا لَهُ إِسْحاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ كُلاًّ جَعَلْنا نَبِيًّا﴾ (مریم: ٤٩)

هنگامی که از آنان و آنچه غیر خدا می‌پرستیدند کناره‌گیری کرد، ما اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم؛ و هر یک را پیامبری (بزرگ) قرار دادیم!

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قَدْ كانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْراهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآؤُا مِنْكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ كَفَرْنا بِكُمْ وَ بَدا بَيْنَنا وَ بَيْنَكُمُ الْعَداوَةُ وَ الْبَغْضاءُ أَبَداً حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللهِ وَحْدَهُ إِلاَّ قَوْلَ إِبْراهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَ ما أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنا وَ إِلَيْكَ أَنَبْنا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ (ممتحنه: ٤)

برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت، در آن هنگامی که به قوم (مشرک) خود گفتند: ما از شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید بیزاریم؛ ما نسبت به شما کافریم؛ و میان ما و شما عداوت و دشمنی همیشگی آشکار شده است؛ تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان بیاورید! ـ جز آن سخن ابراهیم که به پدرش [عمویش آزر] گفت (و وعده داد) که برای تو آمرزش طلب می‌کنم، و در عین حال در برابر خداوند برای تو مالک چیزی نیستم (و اختیاری ندارم)! ـ پروردگارا! ما بر تو توکّل کردیم و به سوی تو بازگشتیم، و همه فرجام‌ها به‌سوی تو است!

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

و می‌فرماید:

﴿وَ اقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذا هِيَ شاخِصَةٌ أَبْصارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يا وَيْلَنا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِنْ هذا بَلْ كُنَّا ظالِمِينَ * إِنَّكُمْ وَ ما تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَها وارِدُونَ * لَوْ كانَ هؤُلاءِ آلِهَةً ما وَرَدُوها وَ كُلٌّ فِيها خالِدُونَ﴾ (انبياء: ۹۷ ـ ۹۹)

و وعده حقّ [قیامت] نزدیک می‌شود؛ در آن هنگام چشم‌های کافران از وحشت از حرکت بازمی‌ماند؛ (می‌گویند:) ای وای بر ما که از این (جریان) در غفلت بودیم؛ بلکه ما ستمکار بودیم! شما و آنچه غیر خدا می‌پرستید، هیزم جهنّم خواهید بود؛ و همگی در آن وارد می‌شوید. اگر اینها خدایانی بودند، هرگز وارد آن نمی‌شدند! در حالی که همگی در آن جاودانه خواهند بود.

همچنین می‌فرماید:

﴿وَ يَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَ ما يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ فَيَقُولُ أَ أَنْتُمْ أَضْلَلْتُمْ عِبادِي هؤُلاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ﴾ (فرقان: ۱۷)

(به خاطر بیاور) روزی را که همه آنان و معبودهایی را که غیر از خدا می‌پرستند جمع می‌کند، آن‌گاه به آنها می‌گوید: آیا شما این بندگان مرا گمراه کردید یا خود آنان راه را گم کردند؟!

و نیز می‌فرماید:

﴿مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلاَّ رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَ أُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كانا يَأْكُلانِ الطَّعامَ انْظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الآياتِ ثُمَّ انْظُرْ أَنَّى يُؤْفَكُونَ * قُلْ أَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ ما لا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَ لا نَفْعاً وَ اللهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (مائده: ۷۵ و ۷۶)

مسیح فرزند مریم، فقط فرستاده (خدا) بود؛ پیش از وی نیز،

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

فرستادگان دیگری بودند، مادرش، زن بسیار راستگویی بود؛ هر دو، غذا می‌خوردند؛ (با این حال، چگونه دعوی الوهیّت مسیح و پرستش مریم را دارید؟!) بنگر چگونه نشانه‌ها را برای آنها آشکار می‌سازیم! سپس بنگر چگونه از حق بازگردانده می‌شوند! بگو: آیا جز خدا چیزی را می‌پرستید که مالک سود و زیان شما نیست؟! و خداوند، شنوا و داناست.

چهارم ـ و درباره پرستش بت‌ها از سوی عرب و امثال آن می‌فرماید:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنا إِلَيْكَ الْكِتابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ * أَلا لِلَّهِ الدِّينُ الْخالِصُ وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِياءَ ما نَعْبُدُهُمْ إِلاَّ لِيُقَرِّبُونا إِلَى اللهِ زُلْفى إِنَّ اللهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي ما هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللهَ لا يَهْدِي مَنْ هُوَ كاذِبٌ كَفَّارٌ﴾ (زمر: ۲ و ۳)

ما این کتاب را به‌حقّ بر تو نازل کردیم؛ پس خدا را پرستش کن و دین خود را برای او خالص گردان! آگاه باشید که دین خالص از آن خداست، و آنها که غیر خدا را اولیای خود قرار دادند و دلیلشان این بود که: اینها را نمی‌پرستیم مگر به‌خاطر اینکه ما را به خداوند نزدیک کنند، خداوند روز قیامت میان آنان در آنچه اختلاف داشتند داوری می‌کند؛ خداوند آن کس را که دروغگو و کفران‌کننده است هرگز هدایت نمی‌کند!

پنجم ـ و در مقایسه بین پرستش خدا از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و پرستش تکذیب‌کنندگان او می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ * وَ أُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ * قُلْ إِنِّي أَخافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذابَ يَوْمٍ

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

عَظِیمٍ * قُلِ اللهَ أَعْبُدُ مُخْلِصاً لَهُ دِینِي * فَاعْبُدُوا ما شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخاسِرِینَ الَّذِینَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْلِیهِمْ یَوْمَ الْقِیامَةِ أَلا ذلِكَ هُوَ الْخُسْرانُ الْمُبِینُ﴾ (زمر: ۱۱ ـ ۱۵)

بگو: من مأمورم که خدا را پرستش کنم در حالی که دینم را برای او خالص کرده باشم، و مأمورم که نخستین مسلمان باشم! بگو: من اگر نافرمانی پروردگارم کنم، از عذاب روز بزرگ (قیامت) می‌ترسم! بگو: من تنها خدا را می‌پرستم در حالی که دینم را برای او خالص می‌کنم. شما هر چه را جز او می‌خواهید بپرستید! بگو: زیانکاران واقعی آنانند که سرمایه وجود خویش و بستگانشان را در روز قیامت از دست داده‌اند! آگاه باشید زیان آشکار همین است!

ششم ـ خداوند متعال درباره ترساندن مشرکان پیامبرﷺ را از معبودانشان می‌فرماید:

﴿أَ لَیْسَ اللهُ بِكافٍ عَبْدَهُ وَ یُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِینَ مِنْ دُونِهِ وَ مَنْ یُضْلِلِ اللهُ فَما لَهُ مِنْ هادٍ * وَ مَنْ یَهْدِ اللهُ فَما لَهُ مِنْ مُضِلٍّ أَ لَیْسَ اللهُ بِعَزِیزٍ ذِي انْتِقامٍ * وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الأَرْضَ لَیَقُولُنَّ اللهُ قُلْ أَ فَرَأَیْتُمْ ما تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ إِنْ أَرادَنِيَ اللهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كاشِفاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللهُ عَلَیْهِ یَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ﴾ (زمر: ۳۶ ـ ۳۸)

آیا خداوند برای (نجات و دفاع از) بنده‌اش کافی نیست؟! امّا آنها تو را از غیر او می‌ترسانند. و هر کس را خداوند گمراه کند، هیچ هدایت‌کننده‌ای ندارد! و هر کس را خدا هدایت کند، هیچ گمراه‌کننده‌ای نخواهد داشت آیا خداوند توانا و دارای مجازات

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

نیست؟! و اگر از آنها بپرسی: چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده؟ حتماً می‌گویند: خدا! بگو: آیا هیچ درباره معبودانی که غیر از خدا می‌خوانید اندیشه می‌کنید که اگر خدا زیانی برای من بخواهد، آیا آنها می‌توانند گزند او را برطرف سازند؟! و یا اگر رحمتی برای من بخواهد، آیا آنها می‌توانند جلو رحمت او را بگیرند؟! بگو: خدا مرا کافی است؛ و همه متوکّلان تنها بر او توکّل می‌کنند!

چهار ـ همانند قراردادن برای خدا

قرآن کریم خبر از رؤسایی داده که مشرکان، غیر از خدا به عنوان اَمْثال و انداد اتخاذ کرده و آنان را دوست داشته و پیروی می‌کردند.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللهِ أَنْداداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللهِ وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَ لَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً وَ أَنَّ اللهَ شَدِيدُ الْعَذابِ * إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتُّبِعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَ رَأَوُا الْعَذابَ وَ تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبابُ﴾
(بقره: ١٦٥ و ١٦٦)

بعضی از مردم، معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب می‌کنند؛ و آنها را همچون خدا دوست می‌دارند. امّا آنها که ایمان دارند، عشقشان به خدا، (از مشرکان نسبت به معبودهاشان،) شدیدتر است. و آنها که ستم کردند، (و معبودی غیر خدا برگزیدند،) هنگامی که عذاب (الهی) را مشاهده کنند، خواهند دانست که تمامِ قدرت، از آنِ خداست؛ و خدا دارای مجازات شدید است؛ (نه

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ٩٠/٥/٣، قطع: رقعی، شاخه: ٨٩٠٦٧

معبودهای خیالی که از آنها مـی‌هراسـند.) در آن هنگـام، رهبـران (گمراه و گمراه کننده) از پیروانِ خود، بیزاری می‌جویند؛ و کیفـر خدا را مشاهده می‌کنند؛ و دستشان از همه جا کوتاه می‌شود.

و می‌فرماید:

﴿وَ إِذا مَسَّ الإِنْسانَ ضُرٌّ دَعا رَبَّهُ مُنیباً إِلَیْهِ ثُمَّ إِذا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْـهُ نَسِیَ ما کانَ یَدْعُوا إِلَیْهِ مِنْ قَبْلُ وَ جَعَلَ لِلَّـهِ أَنْـداداً لِیُضِـلَّ عَـنْ سَبیلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِکُفْرِكَ قَلیلاً إِنَّكَ مِنْ أَصْحابِ النَّارِ﴾ (زمر: ۸)

هنگامی که انسان را زیانی رسـد، پروردگـار خـود را مـی‌خوانـد و به‌سوی او باز می‌گردد؛ امّا هنگامی که نعمتی از خود بـه او عطـا کند، آنچه را به خاطر آن قبلاً خدا را می‌خواند از یاد می‌برد و برای خداوند همتایانی قرارمی دهد تا مـردم را از راه او منحـرف سـازد؛ بگو: «چند روزی از کفرت بهره گیر که از دوزخیانی!»

پنج ـ شریک قراردادن برای خدا

مشرکان برای خداوند متعال شریکانی در ربوبیت و خالقیت بـه نحـو استقلال قرار داده و آنان را بـدین جهـت مـی‌پرسـتیدند و ایـن بـا عمـل موحدان در توسل به اولیا و درخواست حاجت از آنان به‌طور کلـی فـرق دارد. لذا نمی‌توان این آیات را بر موحدان اطلاق نمود.

خداوند متعال درباره بت‌ها می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْها زَوْجَهـا لِیَسْـکُنَ إِلَیْها فَلَمَّا تَغَشَّاها حَمَلَتْ حَمْلاً خَفِیفاً فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللهَ رَبَّهُما لَئِنْ آتَیْتَنا صالِحاً لَنَکُونَنَّ مِنَ الشَّاکِرینَ * فَلَمَّـا آتاهُمـا صالِحاً جَعَلا لَهُ شُرَکاءَ فِیما آتاهُما فَتَعـالَی اللهُ عَمَّـا یُشْـرِکُونَ *

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

أَ يُشْرِكُونَ ما لا يَخْلُقُ شَيْئاً وَ هُمْ يُخْلَقُونَ * وَ لا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْراً وَ لا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ وَ إِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدى لا يَتَّبِعُوكُمْ سَواءٌ عَلَيْكُمْ أَ دَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صامِتُونَ * إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ عِبادٌ أَمْثالُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ * أَ لَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِها أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِها أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِها أَمْ لَهُمْ آذانٌ يَسْمَعُونَ بِها قُلِ ادْعُوا شُرَكاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُونِ فَلا تُنْظِرُونِ﴾ (اعراف: ۱۸۹ ـ ۱۹۵)

او خدایی است که (همه) شما را از یک فرد آفرید؛ و همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او بیاساید. سپس هنگامی که با او آمیزش کرد، حملی سبک برداشت، که با وجود آن، به کارهای خود ادامه می‌داد؛ و چون سنگین شد، هر دو از خداوند و پروردگار خود خواستند اگر فرزند صالحی به ما دهی، از شاکران خواهیم بود! اما هنگامی که خداوند فرزند صالحی به آنها داد، (موجودات دیگر را در این موهبت مؤثر دانستند؛ و) برای خدا، در این نعمت که به آنها بخشیده بود، همتایانی قائل شدند؛ خداوند برتر است از آنچه همتای او قرار می‌دهند! آیا موجوداتی را همتای او قرار می‌دهند که چیزی را نمی‌آفرینند، و خودشان مخلوقند. و نمی‌توانند آنان را یاری کنند، و نه خودشان را یاری می‌دهند. و هرگاه آنها را به سوی هدایت دعوت کنید، از شما پیروی نمی‌کنند؛ و برای شما یکسان است چه آنها را دعوت کنید و چه خاموش باشید؟! آنهایی را که غیر از خدا می‌خوانید (و پرستش می‌کنید)، بندگانی همچون خود شما هستند؛ آنها را بخوانید، و اگر راست می‌گویید باید به شما پاسخ دهند (و

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

تقاضایتان را برآورند)! آیا (آنها حداقل همانند خـود شـما) پاهـایی دارند که با آن راه بروند؟! یا دست‌هایی دارند کـه بـا آن چیـزی را بگیرند (و کاری انجام دهند)؟! یا چشمانی دارند که با آن ببینند؟! یـا گوش‌هایی دارند که با آن بشنوند؟! (نه، هرگز، هـیچ کـدام،) بگـو: (اکنون که چنین است،) بت‌های خویش را که شـریک خـدا قـرار داده‌اید (بر ضد من) بخوانید، و برای مـن نقشـه بکشـید، و لحظـه‌ای مهلت ندهید، (تا بدانید کاری از آنها ساخته نیست)!

شش ـ گمان به تصرف استقلالی برای غیر خداوند

در قرآن سخن از افرادی به میان آمـده کـه مشـرکان بـه آنـان گمـان تصرف استقلالی داشته‌اند و این باور به‌طور حتم شرک است، درحالی‌کـه مسلمانان هرگز چنین دیدگاهی دربارهٔ اولیا ندارند و هنگام درخواست از اولیا، آنان را متصرف مطلق و مستقل نمی‌دانند، بلکه تصـرف آنـان را بـه اذن خدا می‌پندارند.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَ لا تَحْوِيلاً * أُولئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلى رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَ يَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَ يَخافُونَ عَذابَهُ إِنَّ عَذابَ رَبِّكَ كانَ مَحْذُوراً﴾ (اسراء: ٥٦ و ٥٧)

بگو: کسانی را که غیر از خدا (معبود خود) مـی‌پنداریـد، بخوانیـد! آنها نه می‌توانند مشکلی را از شما برطرف سازند، و نـه تغییـری در آن ایجاد کنند. کسانی را که آنان مـی‌خواننـد، خودشـان وسـیله‌ای

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ٩٠/٥/٣ ، قطع: رقعی، شاخه: ٨٩٠٦٧

(برای تقرب) به پروردگارشان می‌جویند، وسیله‌ای هر چه نزدیکتر؛ و به رحمت او امیدوارند؛ و از عذاب او می‌ترسند؛ چرا که عذاب پروردگارت، همواره در خور پرهیز و وحشت است!

هفت ـ اعتقاد به ربوبیت غیر خدا

از برخی آیات استفاده می‌شود که مشرکان به ارباب مستقلی غیر از خداوند متعال معتقد بوده‌اند و این موضوع را خداوند در موارد متعددی در قرآن کریم آورده است.

اول ـ خداوند متعال درباره ربوبیت حاکمان و احبار نزد اهل کتاب می‌فرماید:

﴿**قُلْ يا أَهْلَ الْكِتابِ تَعالَوْا إِلى كَلِمَةٍ سَواءٍ بَيْنَنا وَ بَيْنَكُمْ أَلاَّ نَعْبُدَ إِلاَّ اللهَ وَ لا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَ لا يَتَّخِذَ بَعْضُنا بَعْضاً أَرْباباً مِنْ دُونِ اللهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ**﴾ (آل عمران: ٦٤)

بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را ـ غیر از خدای یگانه ـ به خدایی نپذیرد. هرگاه (از این دعوت،) سرباز زنند، بگویید: گواه باشید که ما مسلمانیم!

و می‌فرماید:

﴿**اتَّخَذُوا أَحْبارَهُمْ وَ رُهْبانَهُمْ أَرْباباً مِنْ دُونِ اللهِ وَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَ ما أُمِرُوا إِلاَّ لِيَعْبُدُوا إِلهاً واحِداً لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ سُبْحانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ**﴾ (توبه: ٣١)

(آنها) دانشمندان و راهبان خویش را معبودهایی در برابر خدا قرار

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

دادند، و (همچنین) مسیح فرزند مریم را؛ در حالی که دستور نداشتند جز خداوند یکتائی را که معبودی جز او نیست، بپرستند، او پاک و منزه است از آنچه همتایش قرار می‌دهند!

دوم ـ خداوند متعال درباره حضرت مسیح و انبیای دیگر عليهم السلام می‌فرماید:

﴿ما كانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللهُ الْكِتابَ وَ الْحُكْمَ وَ النُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِباداً لِي مِنْ دُونِ اللهِ وَ لكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِما كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتابَ وَ بِما كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ * وَ لا يَأْمُرَكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلائِكَةَ وَ النَّبِيِّينَ أَرْباباً أَ يَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ (آل عمران: ۷۹ و ۸۰)

برای هیچ بشری سزاوار نیست که خداوند، کتاب آسمانی و حکم و نبوّت به او دهد سپس او به مردم بگوید: غیر از خدا، مرا پرستش کنید! بلکه (سزاوار مقام او، این است که بگوید:) مردمی الهی باشید، آن‌گونه که کتاب خدا را می‌آموختید و درس می‌خواندید! (و غیر از خدا را پرستش نکنید!) و نه اینکه به شما دستور دهد که فرشتگان و پیامبران را، پروردگار خود انتخاب کنید. آیا شما را، پس از آنکه مسلمان شدید، به کفر دعوت می‌کند؟

سوم ـ و درباره ارباب فراعنه و پیروان مصری آنان می‌فرماید:

﴿وَ اتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبائِي إِبْراهِيمَ وَ إِسْحاقَ وَ يَعْقُوبَ ما كانَ لَنا أَنْ نُشْرِكَ بِاللهِ مِنْ شَيْءٍ ذلِكَ مِنْ فَضْلِ اللهِ عَلَيْنا وَ عَلَى النَّاسِ وَ لكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لا يَشْكُرُونَ * يا صاحِبَيِ السِّجْنِ أَ أَرْبابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللهُ الْواحِدُ الْقَهَّارُ * ما تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلاَّ أَسْماءً

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

سَمَّیْتُمُوها أَنْتُمْ وَ آباؤُکُمْ ما أَنْزَلَ اللهُ بِها مِنْ سُلْطانٍ إِنِ الْحُکْمُ إِلاَّ لِلَّهِ أَمَرَ أَلاَّ تَعْبُدُوا إِلاَّ إِیَّاهُ ذلِكَ الدِّینُ الْقَیِّمُ وَ لکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لا یَعْلَمُونَ﴾ (یوسف: ۳۸ ـ ۴۰)

من از آیین پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب پیروی کردم! برای ما شایسته نبود چیزی را همتای خدا قرار دهیم؛ این از فضل خدا بر ما و بر مردم است؛ ولی بیشتر مردم شکرگزاری نمی‌کنند! ای دوستان زندانی من! آیا خدایان پراکنده بهترند، یا خداوند یکتای پیروز؟! این معبودهایی که غیر از خدا می‌پرستید، چیزی جز اسم‌هایی (بی‌مسمّا) که شما و پدرانتان آنها را خدا نامیده‌اید، نیست؛ خداوند هیچ دلیلی بر آن نازل نکرده؛ حکم تنها از آن خداست؛ فرمان داده که غیر از او را نپرستید! این است آیین پابرجا؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند!

هشت ـ صدا زدن غیر خدا به عنوان رب مستقل

از برخی آیات استفاده می‌شود مشرکان افرادی غیر از خداوند متعال را صدا زده و به عنوان ربّ مستقل از آنان درخواست حاجت می‌کردند و این دسته آیات با دسته ششم فرق دارد؛ زیرا در اینها سخن از گمان نیامده است.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ أَ نَدْعُوا مِنْ دُونِ اللهِ ما لا یَنْفَعُنا وَ لا یَضُرُّنا وَ نُرَدُّ عَلی أَعْقابِنا بَعْدَ إِذْ هَدانَا اللهُ کَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّیاطِینُ فِي الأَرْضِ حَیْرانَ لَهُ أَصْحابٌ یَدْعُونَهُ إِلَی الْهُدَی ائْتِنا قُلْ إِنَّ هُدَی اللهِ هُوَ الْهُدی وَ أُمِرْنا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعالَمِینَ... وَ لا تَسُبُّوا الَّذِینَ یَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ فَیَسُبُّوا اللهَ عَدْواً بِغَیْرِ عِلْمٍ کَذلِكَ زَیَّنَّا لِکُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

إِلی رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَیُنَبِّئُهُمْ بِما کانُوا یَعْمَلُونَ﴾ (انعام: ۷۱ و ۱۰۸)
بگو: آیا غیر از خدا، چیزی را بخوانیم (و عبادت کنیم) که نه سودی به حال مال دارد، نه زیانی؛ و (به این ترتیب،) به عقب برگردیم بعد از آنکه خداوند ما را هدایت کرده است؟! همانند کسی که بر اثر وسوسه‌های شیطان، در روی زمین راه را گم کرده، و سرگردان مانده است؛ در حالی که یارانی هم دارد که او را به هدایت دعوت می‌کنند (و می‌گویند:) به سوی ما بیا! بگو: تنها هدایت خداوند، هدایت است؛ و ما دستور داریم که تسلیم پروردگار عالمیان باشیم. (به معبود) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبادا آنها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند! اینچنین برای هر امّتی عملشان را زینت دادیم سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارشان است؛ و آنها را از آنچه عمل می‌کردند، آگاه می‌سازد (و پاداش و کیفر می‌دهد).

و می‌فرماید:

﴿فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَری عَلَی اللهِ کَذِباً أَوْ کَذَّبَ بِآیاتِهِ أُولئِكَ یَنالُهُمْ نَصِیبُهُمْ مِنَ الْکِتابِ حَتَّی إِذا جاءَتْهُمْ رُسُلُنا یَتَوَفَّوْنَهُمْ قالُوا أَیْنَ ما کُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ قالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَ شَهِدُوا عَلی أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ کانُوا کافِرِینَ﴾ (اعراف: ۳۷)

چه کسی ستمکارتر است از آنها که بر خدا دروغ می‌بندند، یا آیات او را تکذیب می‌کنند؟! آنها نصیبشان را از آنچه مقدّر شده (از نعمت‌ها و مواهب این جهان) می‌برند؛ تا زمانی که فرستادگان ما [فرشتگان قبض ارواح] به سراغشان روند و جانشان را بگیرند؛ از

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

آنها می‌پرسند: کجایند معبودهایی که غیر از خدا می‌خواندید؟! (چرا به یاری شما نمی‌آیند؟!) می‌گویند: آنها (همه) گم شدند (و از ما دور گشتند!) و بر ضدّ خود گواهی می‌دهند که کافر بودند.

همچنین می‌فرماید:

﴿**أَلا إِنَّ لِلَّهِ مَنْ فِي السَّماواتِ وَ مَنْ فِي الأَرْضِ وَ ما يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ شُرَكاءَ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلاَّ الظَّنَّ وَ إِنْ هُمْ إِلاَّ يَخْرُصُونَ**﴾ (یونس: ٦٦)

آگاه باشید تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، از آن خدا می‌باشند! و آنها که غیر خدا را همتای او می‌خوانند، (از منطق و دلیلی) پیروی نمی‌کنند؛ آنها فقط از پندار بی‌اساس پیروی می‌کنند؛ و آنها فقط دروغ می‌گویند!

خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿**لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلاَّ كَباسِطِ كَفَّيْهِ إِلَى الْماءِ لِيَبْلُغَ فاهُ وَ ما هُوَ بِبالِغِهِ وَ ما دُعاءُ الْكافِرِينَ إِلاَّ فِي ضَلالٍ**﴾ (رعد: ١٤)

دعوت حق از آن اوست! و کسانی را که (مشرکان) غیر از خدا می‌خوانند، (هرگز) به دعوت آنها پاسخ نمی‌گویند! آنها همچون کسی هستند که کف‌های (دست) خود را به سوی آب می‌گشاید تا آب به دهانش برسد، و هرگز نخواهد رسید! و دعای کافران، جز در ضلال (و گمراهی) نیست!

و می‌فرماید:

﴿**وَ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ لا يَخْلُقُونَ شَيْئاً وَ هُمْ يُخْلَقُونَ** *

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

أَمْواتٌ غَيْرُ أَحْياءٍ وَ ما يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ * إِلهُكُمْ إِلهٌ واحِدٌ فَالَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكِرَةٌ وَ هُمْ مُسْتَكْبِرُونَ * لا جَرَمَ أَنَّ اللهَ يَعْلَمُ ما يُسِرُّونَ وَ ما يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ﴾ (نحل: ۲۰ ـ ۲۳)

معبودهایی را که غیر از خدا می‌خوانند، چیزی را خلق نمی‌کنند؛ بلکه خودشان هم مخلوقند! آنها مردگانی هستند که هرگز استعداد حیات ندارند؛ و نمی‌دانند (عبادت‌کنندگانشان) در چه زمانی محشور می‌شوند! معبود شما خداوند یگانه است؛ امّا کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، دل‌هایشان (حق را) انکار می‌کند و مستکبرند. قطعاً خداوند از آنچه پنهان می‌دارند و آنچه آشکار می‌سازند با خبر است؛ او مستکبران را دوست نمی‌دارد!

همچنین می‌فرماید:

﴿وَ إِذا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلاَّ إِيَّاهُ فَلَمَّا نَجَّاكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَ كانَ الإِنْسانُ كَفُوراً﴾ (اسراء: ٦٧)

و هنگامی که در دریا ناراحتی به شما برسد، جز او، تمام کسانی را که (برای حل مشکلات خود) می‌خوانید، فراموش می‌کنید؛ اما هنگامی که شما را به خشکی نجات دهد، روی می‌گردانید؛ و انسان، بسیار ناسپاس است!

و نیز می‌فرماید:

﴿قُلْ أَ رَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتاكُمْ عَذابُ اللهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَ غَيْرَ اللهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ * بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ ما تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شاءَ وَ تَنْسَوْنَ ما تُشْرِكُونَ * وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا إِلى أُمَمٍ

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

مِنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْناهُمْ بِالْبَأْساءِ وَ الضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ﴾ (انعام: ٤٠ ـ ٤٢)

بگو: به من خبر دهید اگر عذاب پروردگار به سراغ شما آید، یا رستاخیز برپا شود، آیا (برای حل مشکلات خود،) غیر خدا را می‌خوانید اگر راست می‌گویید؟! (نه،) بلکه تنها او را می‌خوانید! و او اگر بخواهد، مشکلی را که به‌خاطر آن او را خوانده‌اید، برطرف می‌سازد؛ و آنچه را (امروز) همتای خدا قرار می‌دهید، (در آن روز) فراموش خواهید کرد.ما به سوی امت‌هایی که پیش از تو بودند، (پیامبرانی) فرستادیم؛ (و هنگامی که با این پیامبران به مخالفت برخاستند،) آنها را با شدّت و رنج و ناراحتی مواجه ساختیم؛ شاید (بیدار شوند و در برابر حق،) خضوع کنند و تسلیم گردند!

خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿وَ ضَلَّ عَنْهُمْ ما كانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ وَ ظَنُّوا ما لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ﴾ (فصلت: ٤٨)

و همه معبودانی را که قبلاً می‌خواندند محو و گم می‌شوند؛ و می‌دانند هیچ گریزگاهی ندارند!

و می‌فرماید:

﴿قُلْ أَ رَأَيْتُمْ ما تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ أَرُونِي ما ذا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّماواتِ ائْتُونِي بِكِتابٍ مِنْ قَبْلِ هذا أَوْ أَثارَةٍ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ * وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللهِ مَنْ لا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلى يَوْمِ الْقِيامَةِ وَ هُمْ عَنْ دُعائِهِمْ غافِلُونَ * وَ

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

إِذا حُشِرَ النَّاسُ کانُوا لَهُمْ أَعْداءً وَ کانُوا بِعِبادَتِهِمْ کافِرِینَ﴾ (احقاف: ٤ ـ ٦)

به آنان بگو: این معبودهایی را که غیر از خدا پرستش می‌کنید به من نشان دهید چه چیزی از زمین را آفریده‌اند، یا شرکتی در آفرینش آسمان‌ها دارند؟ کتابی آسمانی پیش از این، یا اثر علمی از گذشتگان برای من بیاورید (که دلیل صدق گفتار شما باشد) اگر راست می‌گویید! چه کسی گمراه‌تر است از آن کس که معبودی غیر خدا را می‌خواند که تا قیامت هم به او پاسخ نمی‌گوید و از خواندن آنها (کاملاً) بی‌خبر است؟! (و صدای آنها را هیچ نمی‌شنود!) و هنگامی که مردم محشور می‌شوند، معبودهای آنها دشمنانشان خواهند بود؛ حتّی عبادت آنها را انکار می‌کنند!

همچنین می‌فرماید:

﴿وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الأَرْضَ لَیَقُولُنَّ اللهُ قُلْ أَ فَرَأَیْتُمْ ما تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ إِنْ أَرادَنِیَ اللهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ کاشِفاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِکاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِیَ اللهُ عَلَیْهِ یَتَوَکَّلُ الْمُتَوَکِّلُونَ﴾ (زمر: ٣٨)

و اگر از آنها بپرسی: چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده؟ حتماً می‌گویند: خدا! بگو: آیا هیچ درباره معبودانی که غیر از خدا می‌خوانید اندیشه می‌کنید که اگر خدا زیانی برای من بخواهد، آیا آنها می‌توانند گزند او را برطرف سازند؟! و یا اگر رحمتی برای من بخواهد، آیا آنها می‌توانند جلو رحمت او را بگیرند؟! بگو: خدا مرا کافی است؛ و همه متوکّلان تنها بر او توکّل می‌کنند!

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

و می‌فرماید:

﴿وَ اللهُ یَقْضِي بِالْحَقِّ وَ الَّذِینَ یَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لا یَقْضُونَ بِشَيْءٍ إِنَّ اللهَ هُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ... هُوَ الْحَيُّ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ * قُلْ إِنِّي نُهِیتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِینَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ لَمَّا جاءَنِي الْبَیِّناتُ مِنْ رَبِّي وَ أُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ الْعالَمِینَ﴾ (غافر: ۲۰ و ٦٥ ـ ٦٦)

خداوند بحقّ داوری می‌کند، و معبودهایی را که غیر از او می‌خوانند هیچ‌گونه داوری ندارند؛ خداوند شنوا و بیناست! زنده (واقعی) اوست؛ معبودی جز او نیست؛ پس او را بخوانید در حالی که دین خود را برای او خالص کرده‌اید! ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است! بگو: من نهی شده‌ام از اینکه معبودهایی را که شما غیر از خدا می‌خوانید بپرستم، چون دلایل روشن از جانب پروردگارم برای من آمده است؛ و مأمورم که تنها در برابر پروردگار عالمیان تسلیم باشم!

و نیز درباره علت هلاک‌کردن افراد ظالم می‌فرماید:

﴿فَکُلاًّ أَخَذْنا بِذَنْبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنا عَلَیْهِ حاصِباً وَ مِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّیْحَةُ وَ مِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنا بِهِ الأَرْضَ وَ مِنْهُمْ مَنْ أَغْرَقْنا وَ ما کانَ اللهُ لِیَظْلِمَهُمْ وَ لکِنْ کانُوا أَنْفُسَهُمْ یَظْلِمُونَ * مَثَلُ الَّذِینَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللهِ أَوْلِیاءَ کَمَثَلِ الْعَنْکَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَیْتاً وَ إِنَّ أَوْهَنَ الْبُیُوتِ لَبَیْتُ الْعَنْکَبُوتِ لَوْ کانُوا یَعْلَمُونَ * إِنَّ اللهَ یَعْلَمُ ما یَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ وَ هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ * وَ تِلْكَ الأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنَّاسِ وَ ما یَعْقِلُها إِلاَّ الْعالِمُونَ﴾ (عنکبوت: ٤٠ ـ ٤٣)

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/٥/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

ما هر یک از آنان را به گناهانشان گرفتیم، بر بعضی از آنها طوفانی از سنگریزه فرستادیم، و بعضی از آنان را صیحه آسمانی فرو گرفت، و بعضی دیگر را در زمین فرو بردیم، و بعضی را غرق کردیم؛ خداوند هرگز به آنها ستم نکرد، ولی آنها خودشان بر خود ستم می‌کردند! مثَل کسانی که غیر از خدا را اولیای خود برگزیدند، مثَل عنکبوت است که خانه‌ای برای خود انتخاب کرده؛ در حالی که سست‌ترین خانه‌ها، خانه عنکبوت است اگر می‌دانستند! خداوند آنچه را غیر از او می‌خوانند می‌داند، و او شکست‌ناپذیر و حکیم است. اینها مثال‌هایی است که ما برای مردم می‌زنیم، و جز دانایان آن را درک نمی‌کنند.

و دربارهٔ اینکه پیامبر اسلامﷺ تنها خدا را می‌خوانده می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ الله قُلْ لا أَتَّبِعُ أَهْواءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذاً وَ ما أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ * قُلْ إِنِّي عَلى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَ كَذَّبْتُمْ بِهِ ما عِنْدِي ما تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنِ الْحُكْمُ إِلاَّ لِلَّهِ يَقُصُّ الْحَقَّ وَ هُوَ خَيْرُ الْفاصِلِينَ﴾ (انعام: ٥٦ و ٥٧)

بگو: من از پرستش کسانی که غیر از خدا می‌خوانید، نهی شده‌ام! بگو: من از هوی و هوس‌های شما، پیروی نمی‌کنم؛ اگر چنین کنم، گمراه شده‌ام؛ و از هدایت‌یافتگان نخواهم بود! بگو: من دلیل روشنی از پروردگارم دارم؛ و شما آن را تکذیب کرده‌اید! آنچه شما درباره آن (از نزول عذاب الهی) عجله دارید، به دستِ من نیست! حکم و فرمان، تنها از آنِ خداست! حق را از باطل جدا می‌کند، و او بهترین جداکننده (حق از باطل) است.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ٩٠/٥/٣ ، قطع: رقعی، شاخه: ٨٩٠٦٧

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ وَلِيِّيَ اللهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ * وَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَ لا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ * وَ إِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدى لا يَسْمَعُوا وَ تَراهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَ هُمْ لا يُبْصِرُونَ * خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجاهِلِينَ﴾ (اعراف: ۱۹۶ ـ ۱۹۹)

ولی و سرپرست من، خدایی است که این کتاب را نازل کرده؛ و او همه صالحان را سرپرستی می‌کند. و آنهایی را که جز او می‌خوانید، نمی‌توانند یاریتان کنند، و نه (حتی) خودشان را یاری دهند؛ و اگر آنها را به هدایت فرا خوانید، سخنانتان را نمی‌شنوند! و آنها را می‌بینی (که با چشم‌های مصنوعیشان) به تو نگاه می‌کنند، اما در حقیقت نمی‌بینند! (به هر حال) با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر، و به نیکی‌ها دعوت نما، و از جاهلان روی بگردان (و با آنان ستیزه مکن)!

و درباره اینکه مؤمنین تنها خدا را می‌خوانده‌اند می‌فرماید:

﴿وَ أَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلى رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَ لا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ * وَ لا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَداةِ وَ الْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ ما عَلَيْكَ مِنْ حِسابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَ ما مِنْ حِسابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (انعام: ۵۱ و ۵۲)

و به وسیله آن (قرآن)، کسانی را که از روز حشر و رستاخیز می‌ترسند، بیم ده! (روزی که در آن،) یاور و سرپرست و شفاعت‌کننده‌ای جز او [خدا] ندارند؛ شاید پرهیزگاری پیشه کنند! و

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

کسانی را که صبح و شام خدا را می‌خوانند، و جز ذات پاک او نظری ندارند، از خود دور مکن! نه چیزی از حساب آنها بر توست، و نه چیزی از حساب تو بر آنها! اگر آنها را طرد کنی، از ستمگران خواهی بود!

نه ـ دیدگاه استقلالی مشرکان به شفیعان

خداوند متعال در قرآن کریم به شفیعانی که مشرکان از غیر خدا اتخاذ کرده و دیدگاه استقلالی درباره آنان داشته‌اند می‌فرماید:

﴿**قُلْ أَ نَدْعُوا مِنْ دُونِ اللهِ ما لا يَنْفَعُنا وَ لا يَضُرُّنا وَ نُرَدُّ عَلى أَعْقابِنا بَعْدَ إِذْ هَدانَا اللهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّياطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرانَ لَهُ أَصْحابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَى ائْتِنا قُلْ إِنَّ هُدَى اللهِ هُوَ الْهُدى وَ أُمِرْنا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعالَمِينَ**﴾ (انعام: ۷۱)

بگو: آیا غیر از خدا، چیزی را بخوانیم (و عبادت کنیم) که نه سودی به حال ما دارد، نه زیانی؛ و (به این ترتیب،) به عقب برگردیم بعد از آنکه خداوند ما را هدایت کرده است؟! همانند کسی که بر اثر وسوسه‌های شیطان، در روی زمین راه را گم کرده، و سرگردان مانده است؛ در حالی که یارانی هم دارد که او را به هدایت دعوت می‌کنند (و می‌گویند:) به سوی ما بیا! بگو: تنها هدایت خداوند، هدایت است؛ و ما دستور داریم که تسلیم پروردگار عالمیان باشیم.

و می‌فرماید:

﴿**وَ يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ ما لا يَضُرُّهُمْ وَ لا يَنْفَعُهُمْ وَ يَقُولُونَ هؤُلاءِ شُفَعاؤُنا عِنْدَ اللهِ قُلْ أَ تُنَبِّئُونَ اللهَ بِما لا يَعْلَمُ فِي السَّماواتِ**

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

وَ لا فِي الأَرْضِ سُبْحانَهُ وَ تَعالى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ (یونس: ۱۸)

آنها غیر از خدا، چیزهایی را می‌پرستند که نه به آنان زیان می‌رساند، و نه سودی می‌بخشد؛ و می‌گویند: اینها شفیعان ما نزد خدا هستند! بگو: آیا خدا را به چیزی خبر می‌دهید که در آسمان‌ها و زمین سراغ ندارد؟! منزه است او، و برتر است از آن همتایانی که قرار می‌دهند!

همچنین می‌فرماید:

﴿أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللهِ شُفَعاءَ قُلْ أَ وَ لَوْ كانُوا لا يَمْلِكُونَ شَيْئاً وَ لا يَعْقِلُونَ * قُلْ لِلَّهِ الشَّفاعَةُ جَمِيعاً لَهُ مُلْكُ السَّماواتِ وَ الأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ * وَ إِذا ذُكِرَ اللهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالآخِرَةِ وَ إِذا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ * قُلِ اللَّهُمَّ فاطِرَ السَّماواتِ وَ الأَرْضِ عالِمَ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبادِكَ فِي ما كانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾ (زمر: ۴۳ـ ۴۶)

آیا آنان غیر از خدا شفیعانی گرفته‌اند؟! به آنان بگو: آیا (از آنها شفاعت می‌طلبید) هر چند مالک چیزی نباشند و درک و شعوری برای آنها نباشد؟! بگو: تمام شفاعت از آن خداست، (زیرا) حاکمیّت آسمان‌ها و زمین از آن اوست و سپس همه شما را به سوی او بازمی‌گردانند! هنگامی که خداوند به یگانگی یاد می‌شود، دل‌های کسانی که به آخرت ایمان ندارند مشمئزّ (و متنفّر) می‌گردد؛ امّا هنگامی که از معبودهای دیگر یاد می‌شود، آنان خوشحال می‌شوند. بگو: خداوندا! ای آفریننده آسمان‌ها و زمین، و آگاه از اسرار نهان و آشکار، تو در میان بندگانت در آنچه اختلاف داشتند داوری خواهی کرد!

پرینت: ۶، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

در این سه دسته از آیات، از تعبیر ﴿**مِنْ دُونِ اللهِ**﴾ استفاده شده که دلالت بر استقلال و قطع ارتباط شفاعت شفیعان با خداوند متعال و اذن او دارد. لذا این اعتقاد مورد نکوهش قرار گرفته است و این درحالی است که موحدان در توجه به شفیعان و درخواست شفاعت از آنان نظر استقلالی نداشته و شفاعت آنان را به اذن خدا می‌دانند گرچه از آنان درخواست شفاعت کنند.

ده ـ اولیایی غیر از خدا

و نیز درباره اعتقاد مشرکان به اولیایی غیر از خدا می‌فرماید:

﴿**أَ لَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللهَ لَهُ مُلْكُ السَّماواتِ وَ الأَرْضِ وَ ما لَكُمْ مِنْ دُونِ اللهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لا نَصِيرٍ**﴾ (بقره: ۱۰۷)

آیا نمی‌دانستی که حکومت آسمان‌ها و زمین، از آن خداست؟! (و حق دارد هرگونه تغییر و تبدیلی در احکام خود طبق مصالح بدهد؟!) و جز خدا، ولی و یاوری برای شما نیست. (و اوست که مصلحت شما را می‌داند و تعیین می‌کند).

و این در حالی است که موحدان هرگز برای غیر خداوند متعال حتی پیامبرش ولایتی در عرض ولایت خدا قائل نیستند، بلکه ولایت او را در طول ولایت خدا و برگرفتهٔ از او می‌دانند.

و می‌فرماید:

﴿**فَاسْتَقِمْ كَما أُمِرْتَ وَ مَنْ تابَ مَعَكَ وَ لا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِما تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ * وَ لا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَ ما لَكُمْ مِنْ دُونِ اللهِ مِنْ أَوْلِياءَ ثُمَّ لا تُنْصَرُونَ**﴾ (هود: ۱۱۲)

پس همان‌گونه که فرمان یافته‌ای، استقامت کن؛ و همچنین کسانی

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

که با تو به‌سوی خدا آمده‌اند (باید استقامت کنند)! و طغیان نکنید، که خداوندآنچه را انجام می‌دهید می‌بیند! و بر ظالمان تکیه ننمایید، که موجب می‌شود آتش شما را فرا گیرد؛ و در آن حال، هیچ ولی و سرپرستی جز خدا نخواهید داشت؛ و یاری نمی‌شوید!

و می‌فرماید:

﴿اتَّبِعُوا ما أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَ لا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِياءَ قَلِيلاً ما تَذَكَّرُونَ﴾ (اعراف: ۳)

از چیزی که از طرف پروردگارتان بر شما نازل شده، پیروی کنید! و از اولیا و معبودهای دیگر جز او، پیروی نکنید! اما کمتر متذکّر می‌شوید!

همچنین می‌فرماید:

﴿لَهُ مُعَقِّباتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللهِ إِنَّ اللهَ لا يُغَيِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ وَ إِذا أَرادَ اللهُ بِقَوْمٍ سُوءاً فَلا مَرَدَّ لَهُ وَ ما لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ والٍ﴾ (رعد: ۱۱)

برای انسان، مأمورانی است که پی در پی، از پیش رو، و از پشت سرش او را از فرمان خدا [حوادث غیر حتمی] حفظ می‌کنند؛ (امّا) خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملّتی) را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند! و هنگامی که خدا اراده سوئی به قومی (به‌خاطر اعمالشان) کند، هیچ چیز مانع آن نخواهد شد؛ و جز خدا، سرپرستی نخواهند داشت!

و نیز می‌فرماید:

﴿قُلْ مَنْ رَبُّ السَّماواتِ وَ الأَرْضِ قُلِ اللهُ قُلْ أَ فَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

أَوْلِیاءَ لا یَمْلِکُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعاً وَ لا ضَرًّا قُلْ هَلْ یَسْتَوِي الْأَعْمی وَ الْبَصِیرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُماتُ وَ النُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَکاءَ خَلَقُوا کَخَلْقِهِ فَتَشابَهَ الْخَلْقُ عَلَیْهِمْ قُلِ اللهُ خالِقُ کُلِّ شَيْءٍ وَ هُوَ الْواحِدُ الْقَهَّارُ﴾ (رعد: ١٦)

بگو: چه کسی پروردگار آسمان‌ها و زمین است؟ بگو: الله! (سپس) بگو: آیا اولیا (و خدایانی) غیر از او برای خود برگزیده‌اید که (حتّی) مالک سود و زیان خود نیستند (تا چه رسد به شما؟!) بگو: آیا نابینا و بینا یکسانند؟! یا ظلمت‌ها و نور برابرند؟! آیا آنها همتایانی برای خدا قرار دادند به‌خاطر اینکه آنان همانند خدا آفرینشی داشتند، و این آفرینش‌ها بر آنها مشتبه شده است؟! بگو: خدا خالق همه چیز است؛ و اوست یکتا و پیروز!

و درباره اینکه اولیای غیر از خدا در آخرت فایده‌ای ندارند می‌فرماید:

﴿وَ تَراهُمْ یُعْرَضُونَ عَلَیْها خاشِعِینَ مِنَ الذُّلِّ یَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ وَ قالَ الَّذِینَ آمَنُوا إِنَّ الْخاسِرِینَ الَّذِینَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْلِیهِمْ یَوْمَ الْقِیامَةِ أَلا إِنَّ الظَّالِمِینَ فِي عَذابٍ مُقِیمٍ * وَ ما کانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِیاءَ یَنْصُرُونَهُمْ مِنْ دُونِ اللهِ وَ مَنْ یُضْلِلِ اللهُ فَما لَهُ مِنْ سَبِیلٍ * اسْتَجِیبُوا لِرَبِّکُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ یَأْتِيَ یَوْمٌ لا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللهِ ما لَکُمْ مِنْ مَلْجَإٍ یَوْمَئِذٍ وَ ما لَکُمْ مِنْ نَکِیرٍ﴾ (شوری: ٤٥ ـ ٤٧)

و آنها را می‌بینی که بر آتش عرضه می‌شوند در حالی که از شدّت مذلّت خاشعند و زیر چشمی (به آن) نگاه می‌کنند؛ و کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: زیانکاران واقعی آنانند که خود و خانواده

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک**، **در تاریخ: ٩٠/٥/٣** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **٨٩٠٦٧**

خویش را روز قیامت از دست داده‌اند؛ آگاه باشید که ظالمـان (آن روز) در عذاب دائمند! آنها جز خـدا اولیـا و یـاورانی ندارنـد کـه یاریشان کنند؛ و هر کس را خدا گمراه سازد، هیچ راه نجاتی بـرای او نیست! اجابت کنید دعوت پروردگـار خـود را پـیش از آنکـه روزی فرا رسد که بازگشتی برای آن در برابـر اراده خـدا نیسـت؛ و در آن روز، نه پناهگاهی دارید و نه مدافعی!

همچنین می‌فرماید:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنا إِلَيْكَ الْكِتابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللهَ مُخْلِصاً لَـهُ الـدِّينَ * أَلا لِلَّهِ الدِّينُ الْخالِصُ وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِياءَ ما نَعْبُـدُهُمْ إِلاَّ لِيُقَرِّبُونا إِلَى اللهِ زُلْفى إِنَّ اللهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي ما هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُـونَ إِنَّ اللهَ لا يَهْدِي مَنْ هُوَ كاذِبٌ كَفَّارٌ﴾ (زمر: ۲ و ۳)

ما این کتاب را به حقّ بر تو نازل کردیم؛ پس خدا را پرستش کـن و دین خود را برای او خالص گردان! آگاه باشید که دین خالص از آن خداست، و آنها که غیر خدا را اولیای خود قرار دادند و دلیلشان این بود که: اینها را نمی‌پرستیم، مگر به‌خاطر اینکه ما را به خداونـد نزدیک کنند، خداوند روز قیامت میان آنان در آنچه اختلاف داشتند داوری می‌کند؛ خداوند آن کس را که دروغگـو و کفـران‌کننـده است هرگز هدایت نمی‌کند!

و نیز درباره اینکه ولیی حقیقی غیر از خدا نیست، می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللهَ لَهُ مُلْكُ السَّماواتِ وَ الأَرْضِ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ ما لَكُمْ مِنْ دُونِ اللهِ مِـنْ وَلِـيٍّ وَ لا نَصِـيرٍ * لَقَـدْ تـابَ اللهُ عَلَـى النَّبِـيِّ وَ الْمُهاجِرِينَ وَ الأَنْصارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي ساعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْـدِ مـا

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

كادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَؤُفٌ رَحِيمٌ﴾ (توبه: ١١٦ و ١١٧)

حکومت آسمان‌ها و زمین تنها از آن خداست؛ زنده می‌کند و می‌میراند؛ و جز خدا، ولی و یاوری ندارید! مسلّماً خداوند رحمت خود را شامل حال پیامبر و مهاجران و انصار، که در زمان عسرت و شدّت (در جنگ تبوک) از او پیروی کردند، نمود؛ بعد از آنکه نزدیک بود دل‌های گروهی از آنها، از حقّ منحرف شود (و از میدان جنگ بازگردند)؛ سپس خدا توبه آنها را پذیرفت، که او نسبت به آنان مهربان و رحیم است!

و می‌فرماید:

﴿وَ مِنْ آياتِهِ خَلْقُ السَّماواتِ وَ الأَرْضِ وَ ما بَثَّ فِيهِما مِنْ دابَّةٍ وَ هُوَ عَلى جَمْعِهِمْ إِذا يَشاءُ قَدِيرٌ * وَ ما أَصابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِما كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ * وَ ما أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الأَرْضِ وَ ما لَكُمْ مِنْ دُونِ اللهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لا نَصِيرٍ﴾ (شوری: ۲۹ ـ ۳۱)

و از آیات اوست آفرینش آسمان‌ها و زمین و آنچه از جنبندگان در آنها منتشر نموده؛ و او هرگاه بخواهد بر جمع آنها تواناست! هر مصیبتی به شما رسد به‌خاطر اعمالی است که انجام داده‌اید، و بسیاری را نیز عفو می‌کند! و شما هرگز نمی‌توانید در زمین از قدرت خداوند فرار کنید؛ و غیر از خدا هیچ ولی و یاوری برای شما نیست.

جمع‌بندی آیات

از مجموع آیات ذکر شده استفاده می‌شود که مورد این آیات جایی است که مشرکان برخی موجودات را شریک خدا دانسته و اگر برخی از

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

آنان موجودی را به عنوان واسطه قرار می‌دادند بدون اذنی از جانب خـدا بوده و عقیده به استقلال وی در عمل با قطع ارتبـاط عمـل و تـأثیر او از خداوند متعال بوده است.

۳. نفی شرک، هدف بعثت انبیا و محور گفت‌وگوی ادیان

از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود که دعـوت بـه توحیـد و نهـی از شرک، هدف بعثت انبیا و محور گفت‌وگوی بـین ادیـان بـوده و از زمـان حضرت نوح علیه السلام مورد گفت‌وگو است.

خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا نُوحاً إِلى قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ * أَنْ لا تَعْبُدُوا إِلاَّ اللهَ إِنِّي أَخافُ عَلَيْكُمْ عَذابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ﴾ (هود: ۲۵ و ۲٦)

و هر آینه نوح را به سوی قومش فرستادیم. [او گفت:] به طور حتم من شما را ترساننده آشکارم به اینکه جز الله را نپرستید؛ زیرا بر شما از عذاب روزی دردناک می‌ترسم.

و نیز فرمود:

﴿قُلْ إِنَّما أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللهَ وَ لا أُشْـرِكَ بِـهِ إِلَيْـهِ أَدْعُـوا وَ إِلَيْـهِ مَآبِ﴾ (رعد: ۳٦)

بگو: من مأمورم که الله را بپرستم، و شریکی برای او قائل نشوم، بـه سوی او دعوت می‌کنم و بازگشت من به سوی اوست.

همچنین فرمود:

﴿قُلْ إِنَّما يُوحى إِلَيَّ أَنَّما إِلهُكُمْ إِلهٌ واحِدٌ فَهَـلْ أَنْـتُمْ مُسْـلِمُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۸)

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

بگو: تنها چیزی که به من وحی می‌شود این است کـه معبــود شــما خدای یگانه است. آیا [با این حال] تسلیم [حق] می‌شوید [و بت‌هـا را کنار می‌گذارید]؟

و فرمود:

﴿قَدْ كانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْـراهِيمَ وَ الَّـذِينَ مَعَـهُ إِذْ قـالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآؤُا مِنْكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ كَفَرْنا بِكُمْ وَ بَدا بَيْنَنا وَ بَيْنَكُمُ الْعَداوَةُ وَ الْبَغْضاءُ أَبَداً حَتَّى تُؤْمِنُوا بِـاللهِ وَحْـدَهُ...﴾

(ممتحنه: ٤)

برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت، در آن هنگام که به قوم [مشرک] خود گفتند: مـا از شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید بیزاریم. ما نسبت به شما کـافریم و میان ما و شما دشمنی و عداوت همیشگی آشکار شده اسـت، تـا آن زمان که به خدای یگانه ایمان بیاورید.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ تَعالَوْا أَتْلُ ما حَـرَّمَ رَبُّكُـمْ عَلَـيْكُمْ أَلاَّ تُشْـرِكُوا بِـهِ شَـيْئاً﴾

(انعام: ١٥١)

بگو بیایید آنچه را که پروردگارتان بر شما حرام کرده است برایتان بخوانم: اینکه چیزی را شریک خدا قرار ندهید.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

شرک و مشرکان صدر اسلام

انواع شرک در عصر جاهلیت

با مراجعه و تأمّل در آیات قرآن پی می‌بریم که در عصر جاهلیت انواعی از شرک حاکم بوده است.

۱. شرک در الوهیت

از برخی آیات استفاده می‌شود که برخی از مشرکان، شرک در الوهیت داشته و دو موجود جامع صفات کمال و جمال به نحو استقلال که مستحق عبادت است را معتقد بوده‌اند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿لا تَتَّخِذُوا إِلهَیْنِ اثْنَیْنِ إِنَّما هُوَ إِلهٌ واحِدٌ فَإِیَّایَ فَارْهَبُونِ﴾

(نحل: ۵۱)

خداوند فرمان داده: دو معبود (برای خود) انتخاب نکنید؛ معبود (شما) همان خدای یگانه است؛ تنها از (کیفر) من بترسید!

۲. شرک در عبودیت

از برخی آیات استفاده می‌شود که مشرکان، بت‌ها را نیز

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

می‌پرستیده‌اند. خداوند متعال از قول مشرکان و بت‌پرستان می‌فرماید: ﴿**ما نَعْبُدُهُمْ إِلاَّ لِيُقَرِّبُونا إِلَى اللهِ زُلْفى**﴾؛ «اینها را نمی‌پرستیم مگر به‌خاطر اینکه ما را به خداوند نزدیک کنند». (زمر: ۳)

۳. شرک در ربوبیّت

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿**قُلْ أَ غَيْرَ اللهِ أَبْغِي رَبًّا وَ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ**﴾ (انعام: ١٦٤)

بگو: آیا غیر خدا، پروردگاری را بطلبم، در حالی که او پروردگار همه چیز است؟!

این در حالی است که آنان با رجوع به فطرت و باطن خود به طور حتم به توحید در ربوبیت و تدبیر اعتراف می‌کنند.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿**قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّماءِ وَ الأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَ الأَبْصارَ وَ مَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ مَنْ يُدَبِّرُ الأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللهُ فَقُلْ أَ فَلا تَتَّقُونَ * فَذلِكُمُ اللهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَما ذا بَعْدَ الْحَقِّ إِلاَّ الضَّلالُ**﴾ (یونس: ۳۱ و ۳۲)

بگو: چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؟ یا چه کسی مالک (و خالق) گوش و چشم‌هاست؟ و چه کسی زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می‌آورد؟ و چه کسی امور (جهان) را تدبیر می‌کند؟ به‌زودی (در پاسخ) می‌گویند: خدا، بگو: پس چرا تقوا پیشه نمی‌کنید (و از خدا نمی‌ترسید)؟! آن است خداوند، پروردگار حقّ شما (دارای همه این صفات)! با این حال، بعد از حق، چه چیزی جز گمراهی وجود دارد؟!

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

حرف «سین» که بر ﴿فَسَيَقُولُونَ اللهُ﴾ داخل شده می‌تواند بـر ایـن نکتـه دلالت داشته باشد که آنـان بعـد از تـدبّر و تأمّـل انـدکی بـه توحیـد در ربوبیت اعتراف می‌کنند.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُوَ يُجِيرُ وَ لا يُجارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ * سَيَقُولُونَ لِلَّهِ...﴾ (مؤمنون: ۸۸ و ۸۹)

بگو: اگر می‌دانید، چه کسی حکومت همه موجـودات را در دسـت دارد، و به بی‌پناهان پناه می‌دهد، و نیاز به پناه دادن ندارد؟! خواهند گفت: (همه اینها) از آن خداست.

۴. شرک در خالقیت

از ظاهر برخی آیات قرآن استفاده می‌شود که مشرکان عصر جاهلیـت و هنگام ظهور اسلام شرک در خالقیت داشتند.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللهُ﴾ (لقمان: ۲۵)

و هرگاه از آنان سؤال کنی: چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریـده است؟ مسلّماً می‌گویند: الله.

ولی با جمع بین این آیه و آیات دیگر مانند:

﴿أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللهُ خالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُوَ الْواحِدُ الْقَهَّارُ﴾ (رعد: ۱۶)

آیا آنها همتایانی برای خدا قرار دادند به‌خاطر اینکـه آنـان هماننـد

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

خدا آفرینشی داشتند، و این آفرینش‌ها بر آنها مشتبه شده است؟!
بگو: خدا خالق همه چیز است؛ و اوست یکتا و پیروز!

و آیه دیگر می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِینَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللهِ لَن یَخْلُقُوا ذُباباً وَلَوِ اجْتَمَعُوا لَهُ﴾ (حج: ۷۳)

کسانی را که غیر از خدا می‌خوانید، هرگز نمی‌توانند مگسی بیافرینند، هر چند برای این کار دست به دست هم دهند!

و نیز می‌فرماید:

﴿أَمْ جَعَلُوا للهِ شُرَکَاءَ خَلَقُوا کَخَلْقِهِ﴾ (رعد: ١٦)

آیا آنها همتایانی برای خدا قرار دادند به‌خاطر اینکه آنان همانند خدا آفرینشی داشتند.

همچنین می‌فرماید:

﴿وَالَّذِینَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِ ما یَمْلِکُونَ مِن قِطْمِیر﴾ (فاطر: ۱۳)

و کسانی را که جز او می‌خوانید [و می‌پرستید] حتی به اندازه پوست نازک هسته خرما مالک نیستند.

به این نتیجه می‌رسیم که مشرکان گرچه شرک در خالقیت داشته‌اند ولی هنگامی که با فطرت آنها سخن گفته می‌شد به توحید در خالقیت اعتراف می‌کنند.

پاسخ به دو شبهه

شبهه اول: شرک مشرکان در الوهیت

وهابیان می‌گویند: مشرکان شرک در خالقیت نداشته‌اند و شرکشان

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

تنها در الوهیت و عبادت بوده، و به همین جهت است که آنان هنگام تلبیه چنین می‌گفتند:

لَبَّيْكَ اَللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لاَ شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ اِلاَّ شَرِيكاً هُوَ لَكَ تَمْلِكُهُ وَ مَا مَلَكَ.[۱]

لبیک، بارالها لبیک، شریکی برای تو نیست لبیک، جز شریکی که او برای توست و تو او و آنچه مالک است را مالک می‌باشی.

پاسخ

☑ اولاً: همان‌گونه که از آیات و روایات و تاریخ مشرکان صدر اسلام استفاده می‌شود، مشرکان معتقد به استقلال عمل بت‌ها در کارهای خارق العاده بوده و آنها را در عرض خدا می‌دانستند.

☑ ثانیاً: مفاد این تلبیه با آنچه که از آیات استفاده می‌شود آن است که مشرکان شریکانی را که برای خدا قائل بوده‌اند ملک خدا می‌دانستند و آنچه که از شریکان می‌خواستند را نیز ملک خدا می‌پنداشتند؛ اما معتقد بودند آنان در تصرفات غیبی خود مستقل عمل می‌کنند و همین مشکل اصلی آنها در شرک بود و این مطلبی است که از ده‌ها آیه و روایت استفاده می‌شود.

شبهه دوم: شرک مشرکان در عبودیت

برخی می‌گویند: مشرکان شرک در خالقیت نداشته‌اند بلکه تنها شرکشان در عبادت بوده است به دلیل قول خداوند متعال:

---

۱. صحیح مسلم، ج۲، ص ۸۴۳.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

﴿وَلَـئِن سَـأَلْتَهُم مَّـنْ خَلَـقَ السَّـماوَاتِ وَالأَرْضَ لَيَقُـولُنَّ اللهُ...﴾

(زمر: ۳۸)

و اگر از آنها بپرسی: چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده؟ حتماً می‌گویند: خدا!

پاسخ

از ادامه آیه استفاده می‌شود که آنان در مظاهر به چنین سخنی اعتقاد نداشته، بلکه در صورت رجوع به باطن و فطرت خود به این نتیجه می‌رسیده‌اند وگرنه ادامه آیه نسبت به آنان بی‌ربط می‌شود آنجا که می‌فرماید:

﴿قُلْ أَ فَرَأَيْتُمْ ما تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ إِنْ أَرادَنِيَ اللهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كاشِفاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ﴾ (زمر: ۳۸)

بگو: آیا هیچ درباره معبودانی که غیر از خدا می‌خوانید اندیشه می‌کنید که اگر خدا زیانی برای من بخواهد، آیا آنها می‌توانند گزند او را برطرف سازند؟! و یا اگر رحمتی برای من بخواهد، آیا آنها می‌توانند جلو رحمت او را بگیرند؟! بگو: خدا مرا کافی است؛ و همه متوکّلان تنها بر او توکّل می‌کنند!

شرک در ربوبیت نزد اهل کتاب

قرآن کریم اعتقاد و رفتار پیروان مسیح را چنین گزارش می‌کند:

﴿اتَّخَذُوا أَحْبارَهُمْ وَ رُهْبانَهُمْ أَرْباباً مِنْ دُونِ اللهِ وَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَ ما أُمِرُوا إِلاَّ لِيَعْبُدُوا إِلهاً واحِداً لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ سُبْحانَهُ

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ (توبه: ۳۱)

[آنها] دانشمندان و راهبان خویش را معبودهایی در برابر خدا قرار دادند، و [همچنین] مسیح فرزند مریم را؛ در حالی که دستور نداشتند جز خداوند یکتائی را که معبودی جز او نیست، بپرستند، او پاک و منزه است از آنچه همتایش قرار می‌دهند!

و نیز می‌فرماید:

﴿وَ لا يَتَّخِذَ بَعْضُنا بَعْضاً أَرْباباً مِنْ دُونِ اللهِ﴾ (آل‌عمران: ٦٤)

و بعضی از ما، بعضی دیگر را - غیر از خدای یگانه - به خدایی نپذیرد.

و می‌فرماید:

﴿وَ لا يَأْمُرَكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلائِكَةَ وَ النَّبِيِّينَ أَرْباباً﴾ (آل‌عمران: ۸۰)

و نه اینکه به شما دستور دهد که فرشتگان و پیامبران را، پروردگار خود انتخاب کنید.

مشرکان و اعتقاد به دعای عبادت

وهابیان می‌گویند: مطلق صدازدن و درخواست حاجت از غیر خدا عبادت غیر به حساب می‌آید، از این رو شرک است، ولی از آیات قرآن و روایات استفاده می‌شود که مشرکان اگر غیر خدا را صدا می‌زدند و از آنها چیزی می‌خواستند درخواستشان به شیوه دعای عبادت بوده است. لذا درخواست خود را همراه با نهایت تواضع و اعتقاد به الوهیت یا ربوبیت آنها انجام می‌دادند. اینک به برخی از آیات و روایات اشاره می‌کنیم:

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

۱. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَقالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرِينَ﴾ (غافر: ٦٠)

پروردگار شما گفته است: مرا بخوانید تا [دعای] شما را بپذیرم! کسانی که از عبادت من تکبّر می‌ورزند به زودی با ذلّت وارد دوزخ می‌شوند!

وهابیان ادعا می‌کنند که این آیه دلالت دارد بر اینکه دعای در آیه به معنای طلب و درخواست بوده و طلب از مصادیق عبادت است، همان‌گونه که در ذیل آیه از آن به عبادت تعبیر شده است.

ولی آنچه که از کلمات مفسران استفاده می‌شود اینکه کلمه «دعاء» در این آیه مرادف با عبادت است نه آنکه به معنای طلب استعمال شده و طلب از مصادیق عبادت باشد آن‌گونه که وهابیان گمان نموده‌اند.

به عبارت دیگر مقصود از کلمه «دعا» در صدر آیه عبادت است نه اینکه کلمه «عبادت» در آخر آیه به معنای دعا بوده و به عنوان مصداق عبادت باشد آن‌گونه که وهابیان می‌گویند.

لذا حاکم نیشابوری از جریر بن عبدالله بجلی نقل کرده که در تفسیر **﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾** گفته است: «**اُعْبُدُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ**»[1]؛ «مرا عبادت کنید تا اجابت کنم شما را».

و نیز قرطبی از نعمان بن بشیر نقل کرده که گفت:

سَمِعْتُ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله يَقُولُ: اَلدُّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ، ثُمَّ قَرَأَ ﴿وَقالَ رَبُّكُمُ

---

۱. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۳۰۱.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾. قَالَ أَبُوعُيسَى: هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.[1]

از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: دعا همان عبادت است، آن‌گاه این آیه را قرائت نمود ﴿**وَقالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ**﴾. ابوعیسی گفته: این حدیثی حسن و صحیح است.

۲. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿**وَأَنَّ الْمَساجِدَ للهِ فَلاَ تَدْعُوا مَعَ اللهِ أَحَداً * وَأَنَّهُ لَمّا قامَ عَبْدُ اللهِ يَدْعُوهُ كادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَداً * قُلْ إِنَّما أَدْعُوا رَبِّي وَلاَ أُشْرِكُ بِهِ أَحَداً**﴾ (جن: ۱۸ ـ ۲۰)

و اینکه مساجد از آن خداست، پس هیچ کس را با خدا نخوانید**!** و اینکه هنگامی که بنده خدا [محمّد صلی الله علیه و آله] به عبادت برمی‌خاست و او را می‌خواند، گروهی پیرامون او بشدّت ازدحام می‌کردند**!** بگو: من تنها پروردگارم را می‌خوانم و هیچ کس را شریک او قرار نمی‌دهم**!**

طبری در تفسیر این آیه می‌گوید:

يَقُولُ تَعَالى ذِكْرُهُ لِنَبِيِّهِ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله: ﴿وَأَنَّ الْمَساجِدَ للهِ فَلاَ تَدْعُوا﴾ أَيُّهَا النَّاسُ ﴿مَعَ اللهِ أَحَداً﴾ وَ لاَ تُشْرِكُوا بِهِ فِيهَا شَيْئاً، وَلكِنْ أَفْرِدُوا لَهُ التَّوحِيدَ وَ أَخْلَصُوا لَهُ الْعِبادَةَ...[2]

خداوند به پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله فرمود: (همانا مساجد برای خداست

---

۱. الجامع لأحکام القرآن، ج ۸، ص ۲۷۷.

۲. تفسیر طبری، ج ۲۹، صص ۱۴۴ـ۱۴۶.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

پس نخوانید) ای مردم (با خدا هیچ کس را) و در آنها هیچ چیـز را شریک او قرار ندهید، ولی تنها برای او توحید را در نظر گرفتـه و برای او اخلاص در عبادت داشته باشید...

بغوی می‌گوید:

(لَمّا قامَ عَبْدُ الله) يَعْنِي النَّبيَّ ﷺ (يَـدْعُوهُ) يَعْنِـي يَعْبـدُهُ وَ يَقْـرَأُ الْقُرْآنَ.[1]

(چون بنده خدا قیام کرد) یعنی پیامبر ﷺ (که می‌خواند او را) یعنی او را عبادت کرده و قرآن تلاوت می‌کند.

از ظاهر روایات استفاده می‌شود که مشرکان بت‌های سنگی و چـوبی را می‌پرستیدند.

بخاری به سندش از جبیر بن حیّه نقل می‌کند که «عامـل کسـری» بـه مسلمانان گفت: یکـی از شـما سـخن بگویـد. مغیـره گفـت: از هـر چـه می‌خواهی سؤال کن. او گفت: شما چه کسانی هستید؟ گفت:

نَحْنُ أُنَاسٍ مِنَ الْعَرَبِ كُنَّا فِي شَقَاءِ شَدِيدٍ وَ بَلاَءِ شَـدِيدٍ، نَمَـصُّ الجِلْدَ وَ النَّوَي مِنَ الْجُوعِ، وَ نَلْبَسُ الْوَبَرَ وَ الشَّعْرَ، وَ نَعْبُدُ الشَّـجَرَ وَ الْحَجَـرَ، فَبَيْنَـا نَحْـنُ كَـذلِكَ إِذْ بَعَـثَ رَبُّ السَّـماوَاتِ وَ رَبَّ الأَرَضِينَ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَ جَلَّتْ عَظَمَتُهُ إِلَيْنَا نَبِيّاً مِنْ أَنْفُسِـنَا، نَعْـرِفُ أَبَاهُ وَ أُمَّهُ، فَأَمَرْنَا نَبِيُّنَا رَسُولُ رَبِّنَا ﷺ أَنْ نُقَاتِلَكُمْ حَتَّى تَعْبُـدُوا اللهَ وَحْدَهُ أَوْ تَؤُدُّوا الْجِزْيَةَ...[2]

ما جماعتی از عرب هستیم که در شقاوت و بلای شدیدی بـودیم و از

---

۱. تفسیر بغوی، ج ۴، ص ۳۷۳.

۲. صحیح بخاری، ح۳۱۵۹.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

گرسنگی پوست و هسته را می‌مکیدیم و لباس پشمی و از جنس مو می‌پوشیدیم، و درخت و سنگ را می‌پرستیدیم، در این حال بود که پروردگار آسمان‌ها و زمین که ذکرش متعالی و عظمتش بزرگ است به سوی ما پیامبری از میان خودمان مبعوث نمود که پدر و مادرش را می‌شناختیم. پیامبر ما فرستاده پروردگارمان به ما دستور داد با شما قتال نماییم تا خدای یکتا را پرستیده یا جزیه دهید...

شرک مشرکان صدر اسلام از دیدگاه وهابیان

وهابیان تصریح می‌کنند که نوع شرک مشرکان صدر اسلام، شرک در الوهیت یعنی عبودیت بوده است ولی آنان به خالق واحد و ربّ واحد برای عالم و جهان ایمان داشته‌اند و از این جهت هیچ‌گونه شرکی نداشتند. آنان این نظریه را از این جهت پایه‌گذاری می‌کنند تا آیات مشرکان صدر اسلام را بر مؤمنان در این زمان که اولیای الهی را صدا زده و به آنان استغاثه می‌کنند تطبیق نمایند و آنها را متهم به شرک در الوهیت یعنی عبادت نمایند.

ابن تیمیه می‌گوید:

... و هو نوعان؛ شرك في الإلهية و شرك في الربوبية؛ امّا الشرك في الإلهية فهو ان يجعل لله نداً اي مثلا في عبادته أو محبّته أو خوفه أو رجائه أو انابته، فهذا هو الشرك الّذي لا يغفره الله إلاّ بالتوبة منه، قال تعالى: ﴿قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ ما قَدْ سَلَفَ﴾، و هذا هو الّذي قاتل عليه رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله مشركي العرب، لانّهم أشركوا في الإلهية، قال الله تعالى: ﴿وَ مِنَ النَّاسِ

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللهِ أَنْداداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللهِ وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾؛ و قالوا: ﴿ما نَعْبُدُهُمْ إلاَّ لِيُقَرِّبُونا إِلَى اللهِ زُلْفى﴾، و قالوا: ﴿أَ جَعَلَ الآلِهَةَ إِلهاً واحِداً إِنَّ هذا لَشَيْءٌ عُجابٌ﴾، و قال تعالى: ﴿أَلْقِيا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ﴾ إلى قوله: ﴿الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللهِ إِلهاً آخَرَ فَأَلْقِياهُ فِي الْعَذابِ الشَّدِيدِ﴾...

و امّا الربوبية، فكانوا مقرّين بها، قال الله تعالى: ﴿وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللهُ﴾، و قال: ﴿قُلْ لِمَنِ الأَرْضُ وَ مَنْ فِيها إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ * سَيَقُولُونَ لِلَّهِ﴾ إلى قوله ﴿فَأَنَّى تُسْحَرُونَ﴾، و ما اعتقد احد منهم قطّ انّ الأصنام هي الّتي تنزل الغيث و ترزق العالم و تدبّره، و انّما كان شركهم كما ذكرنا اتخذوا من دون الله انداداً يحبونهم كحبّ الله...[1]

... و آن بر دو نوع است؛ شرک در الوهیت و شرک در ربوبیت، امّا شرک در الوهیت به آن است که برای خداوند مثلی در عبادت یا محبت یا ترس یا امید یا بازگشت به او قرار داده شود، و این، همان شرکی است که خداوند تنها از راه توبه آن را می‌آمرزد. خداوند متعال می‌فرماید: (به کافران بگو: اگر دست بردارند گذشته‌های آنان آمرزیده می‌شود)، و این همان شرکی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر سر آن با مشرکان عرب جنگید؛ زیرا آنان شرک در الوهیت داشتند. خداوند متعال فرمود: (برخی از مردم غیر خدا را مثل او قرار داده و همانند خدا آنها را دوست دارند، ولی مؤمنان به خداوند محبت بیشتری دارند). آنان گفتند: (ما آنها را به جهت قرب به

---

۱. مجموعة الفتاوی، ج ۱، ص ۷۱.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

سوی خدا عبادت می‌کنیم). و گفتند: (آیا خدایان متعدد را یک خدا کرده این کار عجیبی است). و خداوند متعال فرمود: (هر کافر معاند را در جهنم بیندازید). تا اینکه فرمود: (آن کسی که با خدا، خدایان دیگری قرار داده، او را در عذاب شدید بیندازید...).

و امّا ربوبیت، آنان به این توحید اقرار داشتند، خداوند متعال می‌فرماید: (و اگر از آنها سؤال کنی چه کسی آسمان‌ها و زمین را خلق کرده به طور حتم می‌گویند: خدا)، و نیز فرمود: (بگو که زمین و کسانی که در آن است برای کیست اگر می‌دانید؟ زود است که بگویند: برای خداست...). تا قول خداوند: (پس چگونه سحر می‌شوید)، و هرگز احدی از آنها اعتقاد نداشتند که بت‌ها باران فرو می‌فرستند و عالم را روزی داده و تدبیر می‌کنند، و همان‌گونه که گفتیم شرک آنان این بود که غیر از خدا را مثل او قرار داده و همانند محبت به خدا آنها را دوست می‌داشتند...

محمّد بن عبدالوهاب می‌گوید:

... و امّا توحید الربوبیة فهو الّذي اقرّ به الکفار علی زمن الرسول‌ﷺ و لم یدخلهم في الإسلام و قاتلهم رسول الله‌ﷺ و استباح دماؤهم و اموالهم...[1]

... و امّا توحید ربوبیت، همان چیزی است که کفار عصر پیامبرﷺ بر آن اقرار داشتند، ولی این باعث نشد تا داخل در اسلام گردند، و لذا رسول خداﷺ با آنان جنگید و خون‌ها و اموالشان را مباح کرد...

۱. مجموعة التوحید، صص ۳ و ۴.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

وی همچنین می‌گوید:

انّ الکفار الذین قاتلهم رسول الله صلی الله علیه و آله کانوا مقرین لله بتوحید الربوبیة یشهدون انّ الله هو الخالق الرازق المحیي الممیت المدبر لجمیع الأمور، ولم یدخلهم ذلک فی الاسلام، و الدلیل قوله تعالی: ﴿قُلْ مَنْ یَرْزُقُکُمْ مِنَ السَّماءِ وَ الأَرْضِ أَمَّنْ یَمْلِکُ السَّمْعَ وَ الأَبْصارَ وَ مَنْ یُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَ یُخْرِجُ الْمَیِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ مَنْ یُدَبِّرُ الأَمْرَ فَسَیَقُولُونَ اللهُ فَقُلْ أَ فَلا تَتَّقُونَ﴾...[1]

همانا کافرانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله با آنان جنگید برای خدا به توحید ربوبیت اقرار داشته و گواهی می‌دادند که خداوند همان خالق، رازق، زنده کننده، میراننده، مدبر جمیع امور است، ولی این اقرار آنان را داخل اسلام نکرد به دلیل قول خدای متعال: بگو: چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؟ یا چه کسی مالک گوش و چشم‌هاست، و چه کسی زنده را از مرده بیرون کشیده و مرده را از زنده خارج می‌کند و چه کسی تدبیر امور می‌نماید؟ پس زود است که بگویند: خداوند، پس بگو: آیا تقوا پیشه نمی‌کنید!...

نقد دیدگاه وهابیان

☑ اوّلاً: از کلام ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب استفاده می‌شود شرک مشرکان صدر اسلام شرک در الوهیت و عبودیت بوده نه ربوبیت درحالی‌که مطابق آیات و روایات و تاریخ عرب قبل از اسلام مشرکان شرک ربوبی داشته‌اند. ابن حجر عسقلانی در «فتح الباری» از ابوهریره

---

۱. مجموعة التوحید، صص ۱۵ و ۱۶.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

نقل کرده که گفت: از رسول خدا ﷺ شنیدم که به «اکثم بن جون» فرمود:

رَأَيْتُ عَمْرَو بْنَ لُحَيٍّ يُجَرُّ قُصْبَهُ فِي النَّارِ؛ لأَنَّهُ أَوَّلُ مَنْ غَيَّرَ دِينَ اِسْمَاعِيلَ، فَنَصَبَ الأَوْثَانَ وَ سَيَّبَ السَّائِبَةَ وَ بَحَرَ الْبَحِيرَةَ وَ وَصَلَ الْوَصِيلَةَ وَ حَمَي الْحَامِيَ.[1]

عمرو بن لحی را دیدم که جایگاه او در آتش کشیده می‌شود؛ زیرا او اولین کسی بود که دین اسماعیل را تغییر داد و او بود که بت‌ها را آویزان کرده و در مورد شتر آزاد بارور و حیوان گوش شکافته بارور و گوسفند بارور و حیوان نرینه حمایت شده ممنوعیتی قرار داد.

ابن هشام می‌گوید:

حدثني بعض اهل العلم: انّ عمرو بن لحي خرج من مكّة إلى الشام في بعض أموره، فلمّا قدم مأب من أرض البلقاء و بها يومئذ العماليق... رآهم يعبدون الأصنام فقال لهم: ما هذه الأصنام الّتي أراكم تعبدون؟ قالوا له: هذه اصنام نعبدها فنستمطرها فتمطرنا ونستنصرها فتنصرنا. فقال لهم: أفلا تعطونني منها صنماً فأسير به إلى أرض العرب فيعبدوه؟ فأعطوه صنماً يقال له: هبل، فقدم به مكة فنصبه و أمر الناس بعبادته و تعظيمه.[2]

برخی از اهل علم، حدیث کرده‌اند که عمرو بن لحی به جهت بعضی کارهایش از مکّه به طرف شام حرکت کرد، و چون به مآب از سرزمین بلقاء رسید که عمالقه در آنجا زندگی می‌کردند... آنان را مشاهده کرد که بت می‌پرستیدند. گفت: این چه بت‌هایی است که

---

۱. فتح الباری، ج ۶، ص ۵۴۹.

۲. السیرة النبویة، ج ۱، ص ۱۰۱.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

شما آنها را می‌پرستید؟ گفتند: اینها بت‌هایی است که آنها را می‌پرستیم و از آنها باران می‌خواهیم و آنها برای ما باران می‌فرستند و یاری می‌طلبیم و آنها ما را یاری می‌کنند. عمرو به آنان گفت: آیا به من از میان آنها بتی نمی‌دهید تا به سرزمین عرب برده و آن را عبادت کنند؟ آنان به او بت هبل را دادند. او آن بت را به مکّه آورده و در آنجا نصب نمود و مردم را دستور داد تا آن را عبادت کرده و تعظیم نمایند.

سهیلی می‌گوید:

و امّا هبل فانّ عمرو بن لحي جاء به من هيث، و هي أرض الجزيرة حتّي وضعه في الكعبة.[1]

و امّا هبل را عمرو بن لحی از هیث به مکّه آورد و آن سرزمین جزیره بود، تا آن را در کعبه قرار دهد.

ازرقی روایتی از ابن اسحاق با سند حسن نقل کرده که در آن چنین آمده است:

إنَّ عَمْرَو بْنَ لُحَيٍّ اتَّخَذَ الْعُزَّى بِنَخْلَةٍ، فَكَانُوا إِذَا فَرَغُوا مِنْ حَجِّهِمْ وَ طَوافِهِمْ بِالْكَعْبَةِ لَمْ يُحِلُّوا حَتَّى يَأْتُوا الْعُزَّى، فَيَطُوفُونَ بِهَا وَ يُحِلُّونَ عَنْدَهَا وَ يَعْكُفُونَ عِنْدَهَا يَوْماً، وَ كَانَتْ لِخُزَاعَةَ. وَ كَانَتْ قُرَيْشٌ وَ بَنُوكَنَانَةَ كُلُّهَا يُعَظِّمُ الْعُزَّى مَعَ خُزَاعَةَ وَ جَمِيعِ مُضَرَ... .[2]

همانا عمرو بن لحی بت عزی را با تنه درخت خرما به مکّه آورد. آنان هنگامی که از حج و طوافشان به دور کعبه فارغ می‌شدند از

---

۱. الروض الأنف، ج ۱، ص ۱۰۵.

۲. اخبار مکّه، ازرقی، ج ۱، صص ۱۲۶ و ۱۲۷.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

احرام بیرون نمی‌آمدند تا به نزد عزی رفته و به دور او نیز طواف نموده و آنجا از احرام خارج شوند و یک روز در آنجا توقف می‌کردند، این بت برای قبیله خزاعه بود، و قریش و بنی کنانه همگی بت عزّی را همراه با قبیله خزاعه و تمام قبیله مضر تعظیم می‌نمودند...

ازرقی نیز نقل می‌کند:

انّ عمرو بن لحي هو الّذي نصب الخلصة باسفل مكة، فكانوا يلبسونها القلائد و يهدون اليها الشعير و الحنطة و يصبّون عليها اللبن و يذبحون لها و يعلقون عليها بيض النعام...[۱]

همانا عمرو بن لحی کسی بود که خلصه را در پایین مکّه نصب نمود. آنان بر او قلاده‌ها پوشانده و گندم و جو برایش هدیه می‌آوردند و شیر بر رویش می‌ریختند و برای او قربانی کرده و تخم شترمرغ بر او آویزان می‌نمودند...

ابن قیم جوزیه می‌گوید:

انّ عمرو بن لحي أتى شاطيء جدة و استتار منها عدّة أصنام ثمّ حملها حتّي ورد تهامة و حضر الحجّ، فدعا العرب إلى عبادتها قاطبة.[۲]

همانا عمرو بن لحی به شطّ جده وارد شد و از آنجا چند بت برداشته و به سوی تهامه آمد و در ایام حج حاضر شد و تمام عرب را به عبادت آن بت‌ها دعوت نمود.

---

۱. اخبار مکّه، ج ۱، ص ۱۲۴.

۲. اغاثة اللهفان، ج ۲، ص ۶۲۳.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

☑ ثانیاً: از آیات قرآن نیز استفاده می‌شود که مشرکان شبه جزیرة العرب شرک در ربوبیت و خالقیت داشته و معتقد بوده‌اند که اداره برخی از شؤون عالم به دست بت‌ها و وسائطی است که آنها را می‌پرستیدند، وسائطی که مالک قدرت ذاتی هستند. و آیاتی که تصریح دارد به اینکه همه امور به دست خداست و خدایان مشرکان، مالک قدرت ذاتی بر تدبیر و خالقیت نیستند به همین موضوع اشاره دارند.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿أَ يُشْرِكُونَ ما لا يَخْلُقُ شَيْئاً وَ هُمْ يُخْلَقُونَ * وَ لا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْراً وَ لا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ﴾ (اعراف: ۱۹۱ و ۱۹۲)

آیا موجوداتی را همتای او قرارمی‌دهند که چیزی را نمی‌آفرینند، و خودشان مخلوقند و نمی‌توانند آنان را یاری کنند، و نه خودشان را یاری می‌دهند.

بدرالدین حوثی می‌نویسد:

و امّا من اوهم انّ المشركين لم يكونوا يعتقدون في شركائهم انّهم ينفعون أو يضرون من دون الله و احتج لذالك باعترافهم المذكور في سورة المؤمنون في قوله تعالى: ﴿فَسَيَقُولُونَ اللهُ﴾ فالجواب انّهم معترفون بذلك ولكنّهم يعتقدون غيره كما ذكر الله تعالى عنهم في قوله: ﴿وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنْصَرُونَ﴾ و قوله تعالى: ﴿وَ يُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ﴾ و قوله عن بعضهم: ﴿إِنْ نَقُولُ إِلاَّ اعْتَراكَ بَعْضُ آلِهَتِنا بِسُوءٍ﴾. وقد اخرج الحاكم في المستدرك ج۳، ص ٥٤، و الطبراني في تاريخه ج۳، ص ١٥٥، عَنْ ضَمَامِ بْنِ ثَعْلَبَةَ أَنَّهُ لَمَّا رَجَعَ مِنْ عِنْدِ الرَّسُولِ ﷺ

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

فَقَدِمَ عَلى قَوْمِهِ، فَكَانَ أَوَّلُ مَا تَكَلَّمَ بِهِ وَ هُوَ يَسُبُّ اللاَّتَ وَ الْعُزَّى. فَقَالُوا لَهُ: مَهْ يَا ضَمَامُ، اِتَّقِ الْبَرَصَ وَ الْجُذَامَ وَ الْجُنُونَ. فَقَالَ: وَيْلَكُمْ أَنَّهُمَا وَاللهِ لاَيضُرّانِ وَ لاَ يَنْفَعَانِ.

و اما هرکس توهّم کرده که مشرکان درباره شریکان خود معتقد نبوده‌اند که بدون ارتباط و اذن از خدا نفع و ضرر می‌رسانند و بر مدعای خود احتجاج کرده به اعترافی که از آنان در سوره مؤمنون از قول خداوند متعال آمده که می‌فرماید: ﴿**فَسَيَقُولُونَ اللهُ**﴾، جواب آن است که آنان به این مطلب اعتراف می‌کردند ولی اعتقاد به غیر آن داشتند، همان‌گونه که خداوند متعال از قول آنان نقل کرده «آنان غیر از خدا معبودانی برای خویش برگزیدند به این امید که یاری شوند». و قول خداوند متعال: «و آنان تو را از غیر او می‌ترسانند». و قول خداوند از برخی از آنان: «ما (دربارهٔ تو) فقط می‌گوییم: بعضی از خدایان ما، به تو زیان رسانده (و عقلت را ربوده)اند». و حاکم در (مستدرک) جلد سوم صفحه ۵۴ و طبری در تاریخش جلد سوم، صفحه ۱۵۵ از ضمام بن ثعلبه نقل کرده که چون از نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بیرون آمد و بر قومش وارد شد، اولین اقدامی که انجام داد ناسزا گفتن به لات و عزی بود. قومش به او گفتند: دست بردار ای ضمام، از برص و جذام و جنون بترس. او گفت: وای بر شما به خدا سوگند! لات و عزی نه به شما نفع می‌رسانند و نه ضرر.

☑ ثالثاً: آیاتی که در آنها سؤال از مشرکان در امور خلق و تدبیر عالم است و اینکه در آخر آن آمده است که مشرکان پاسخ می‌دهند که این امور

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

به دست خداست، به معنای اقرار در باطن است؛ یعنی آنـان کـه شـرک در ربوبیت و خالقیت دارند اگر از جزئیات تدبیر و خلقت از آنها سؤال کنـی زود است که به سر عقل آمده و حرف دلشان را می‌زنند که همـه امـور بـه دست خداست، و این وسائط کاری را از روی استقلال انجـام نمـی‌دهنـد؛ و لذا در قرآن از تعبیر ﴿**سَيَقُولُونَ لله**﴾ استفاده کرده اسـت، یعنـی بـا حـرف «سین» که دلالت بر تأمّل و تفکّر و اقرار سریع بعد از آن دارد.

شـاهد دیگـر بـر ایـن معنـا، اینکـه خداونـد متعـال در آیـه‌ای دیگـر می‌فرماید:

﴿**وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الأَرْضَ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ**﴾ (عنکبوت: ٦١)

و هر گاه از آنان بپرسی: چه کسی آسمان‌هـا و زمـین را آفریـده، و خورشید و ماه را مسخّر کرده است؟ می‌گویند: الله! پس بـا ایـن حال چگونه آنان را (از عبادت خدا) منحرف می‌سازند؟!

یعنی اگر شما با قدری تدبر و تأمّل به این نتیجه می‌رسیدید پس چـرا این تهمت‌ها را به خدا زده و شرک در خالقیت دارید؟

قرطبی در تفسیر جمله ﴿**فَسَيَقُولُونَ اللهُ**﴾ می‌گوید: «... **أو فسيقولون هـو الله ان فكروا و انصفوا**»[1]؛ «... پس می‌گوینـد: او خداسـت، اگـر فکـر کـرده و انصاف به خرج دهند».

و در جایی دیگر که این جمله آمده در تفسیر آن مـی‌گویـد: «**و لابـدّ لهم من ذلك**»[2]؛ «و باید این‌چنین بگویند».

---

۱. الجامع لاحکام القرآن، مجلد ۴، ج ۸، ص ۲۴۷.
۲. همان، ج ۱۲، ص ۱۳۴.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

ابن جوزی در تفسیر این آیه می‌گوید:

... لكن مع ذلك ظاهر كلامه انّهم لا يوحدون أبداً في شيء.[۱]

... ولی در عین حال ظاهر کلام خداوند آن است که آنان در هیچ چیز اهل توحید نبوده‌اند.

ابن عطیه در تفسیر جمله ﴿**فَسَيَقُولُونَ اللهُ**﴾ می‌گوید:

لا مندوحة لهم عن ذلك و لا تمكنهم المباهتة بسواه.[۲]

چاره‌ای جز اعتراف به آن ندارند و نمی‌توانند غیر از این مطلب را به زبان جاری سازند.

بیضاوی در تفسیر این جمله می‌گوید:

لانّ العقل الصريح قد اضطرهم بأدنى نظر إلى الاقرار بانّه خالقها.[۳]

زیرا عقل صریح آنان را مجبور خواهد کرد که با کمترین تأمّل اقرار کنند که خداوند خالق آنهاست.

شوکانی نیز در تفسیر آن می‌گوید:

أي سيكون قولهم في جواب هذه الاستفهام انّ الفاعل لهذه الأمور هو الله سبحانه ان أنصفوا و عملوا ما يوجبه الفكر الصحيح والعقل السليم.[۴]

یعنی زود است که گفتار آنان در جواب این سؤال این باشد که فاعل این امور همان خداوند سبحان است، اگر انصاف داده و طبق حکم عقل سلیم و فکر صحیح عمل نمایند.

---

۱. زاد المسیر، ج ۴، ص ۲۲.

۲. المحرر الوجیز، ج ۹، ص ۳۸.

۳. انوار التنزیل، ج ۱، ص ۴۳۴.

۴. فتح القدیر، ج ۲، ص ۵۰۴.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦٧

شیخ طوسی در تفسیر جمله ﴿**وَمَن يُدَبِّرُ الأَمْرَ**﴾ می‌فرماید:

أي و من الّذي يدبّر جميع الأمور في السماء والأرض، و ليس جواب ذلك لمن انصف ولم يكابر إلاّ ان يقول: الله الفاعل لجميع ذلك.[1]

یعنی کسی که در تمام امور آسمان و زمین تدبر و اندیشه کند و منصف بوده و اهل جدل نباشد به طور حتم می‌گوید: فاعل و خالق تمام این امور خداوند است.

در روایات اهل بیت نیز به این معنا اشاره شده است.

از امام باقر به سند صحیح نقل شده که رسول خدا فرمود:

كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ يَعْنِي الْمَعْرِفَةَ بِأَنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ خَالِقُهُ، كَذلِكَ قَوْلُهُ تَعَالى: ﴿وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللهُ﴾.[2]

هر مولودی بر فطرت آفریده می‌شود؛ یعنی بر شناخت اینکه خدای عزّوجلّ خالق اوست، و آیه: ﴿**وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ...**﴾ به همین معنا اشاره دارد.

☑ رابعاً: توجیه دیگری که از این آیات شده این است که مشرکان اقرار و اعتراف حقیقی به خالقیت و ربوبیت خداوند دارند، ولی این اعتراف تنها در محدوده اصل آن دو می‌باشد نه توحید در آن، لذا گویا آیات مورد بحث به مشرکان می‌گوید: اگر شما اقرار به خالقیت کلّی خدا و مدبریّت کلّی او دارید، پس چرا معتقد به خدایان کوچکی هستید که

---

۱. التبیان، ج ۵، ص ۳۷۱.

۲. کافی، ج ۲، صص ۱۲ و ۱۳.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

آنان را شریک او در شؤون عالم می‌دانید؟

و این، معنایی است که علامه طباطبایی در تفسیر آیات ۳۱ تا ۳٦ از سوره یونس انتخاب کرده است؛ زیرا مشرکان معتقد بودند اعتقاد به خدایان کوچک که در برخی از شؤون عالم تصرف می‌کنند با اعتقاد به مدبر و خالق حقیقی که تمام عالم به دست اوست منافاتی ندارد.[۱]

این معنا و تفسیر با تفسیر قبل تعارض و منافاتی ندارد و قابل جمع است.

مشکل اساسی مشرکان

از مجموعه آیاتی که در آنها به عقیده مشرکان اشاره شده، استفاده می‌شود که آنها سه مشکل اساسی داشته‌اند:

۱. توجّه به وسائط بی‌قابلیت

آنان موجوداتی را صدا می‌زده و از آنها حاجت می‌خواستند که هرگز قابلیت این کارها را نداشته و دارای فضیلت و کمال نبوده‌اند، همچون بت‌ها، ولی ما کسانی را صدا می‌زنیم که از کمالات عالی برخوردارند که به جهت آن کمالات مظهر صفات جمال و کمال الهی شده‌اند.

و لذا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿**وَ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ**﴾ (رعد: ١٤)

و کسانی را که (مشرکان) غیر از خدا می‌خوانند، (هرگز) به دعوت آنها پاسخ نمی‌گویند.

---

۱. ر.ک: المیزان، ج ۱۰، صص ۵۱ ـ ۵۳.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

و می‌فرماید:

﴿**وَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَ لا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ**﴾ (اعراف: ۱۹۷)

و آنهایی را که جز او می‌خوانید، نمی‌توانند یاریتان کنند، و نه (حتی) خودشان را یاری دهند.

و نیز می‌فرماید:

﴿**وَ لا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللهِ ما لا يَنْفَعُكَ وَ لا يَضُرُّكَ**﴾ (یونس: ١٠٦)

و جز خدا، چیزی را که نه سودی به تو می‌رساند و نه زیانی، مخوان.

همچنین می‌فرماید: ﴿**إِنْ تَدْعُوهُمْ لا يَسْمَعُوا دُعاءَكُمْ**﴾؛ «اگر آنها را بخوانید صدای شما را نمی‌شنوند». (فاطر: ١٤)

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿**وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللهِ مَنْ لا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلى يَوْمِ الْقِيامَةِ**﴾ (احقاف: ۵)

چه کسی گمراه‌تر است از آن کس که معبودی غیر خدا را می‌خواند که تا قیامت هم به او پاسخ نمی‌گوید.

۲. اعتقاد به استقلال در توجّه به واسطه

مشرکان بدون در نظر گرفتن خداوند و اینکه تمام این افعال و امور به خدا باز می‌گردد درصدد صدا زدن و درخواست از وسائط بوده‌اند که این مستلزم شرک است، ولی اگر کسی از ولی خدا چیزی بخواهد و در عین حال معتقد باشد که طولاً همه امور به خداوند باز می‌گردد، نه تنها

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

شبهه شرک در آن نیست بلکه در طول توحید می‌باشد.

لذا در بسیاری از آیات آمده است: ﴿**إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ...**﴾؛ «آنهایی را که غیر از خدا می‌خوانید...». (اعراف: ۱۹٤)

و نیز می‌فرماید: ﴿**وَلاَ تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللهِ...**﴾؛ «(به معبود) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید...». (انعام: ۱۰۸)

ما اگر از اولیای الهی حاجت می‌خواهیم (من دون الله) نیست، بلکه همراه با این اعتقاد است که هر چه دارند از جانب خداست.

از آیات دیگر نیز استفاده می‌شود که خداوند، مشرکان را به جهت اعتقاد به استقلال معبودان خود مذمت کرده است:

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿**اتَّخَذُوا أَحْبارَهُمْ وَ رُهْبانَهُمْ أَرْباباً مِنْ دُونِ اللهِ وَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَ ما أُمِرُوا إِلاَّ لِيَعْبُدُوا إِلهاً واحِداً لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ سُبْحانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ**﴾ (توبه: ۳۱)

(آنها) دانشمندان و راهبان خویش را معبودهایی در برابر خدا قرار دادند، و (همچنین) مسیح فرزند مریم را؛ در حالی که دستور نداشتند جز خداوند یکتایی را که معبودی جز او نیست، بپرستند، او پاک و منزه است از آنچه همتایش قرار می‌دهند.

و نیز فرمود:

﴿**إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ عِبادٌ أَمْثالُكُمْ**﴾ (اعراف: ۱۹٤)

آنهایی را که غیر از خدا می‌خوانید (و پرستش می‌کنید)، بندگانی همچون خود شما هستند.

همچنین فرمود:

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

﴿قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللهِ لا يَمْلِكُونَ مِثْقالَ ذَرَّةٍ فِي السَّماواتِ وَ لا فِي الأَرْضِ﴾ (سبأ: ۲۲)

بگو: کسانی را که غیر از خدا (معبود خود) می‌پندارید بخوانید**!** (آنها هرگز گرهی از کار شما نمی‌گشایند، چرا که) آنها به اندازه ذرّه‌ای در آسمان‌ها و زمین مالک نیستند.

این نکته قابل توجّه است که مخاطب در این آیات مشرکانی هستند که دارای این‌گونه عقاید بوده‌اند و دیدگاه استقلالی نسبت به وسائط داشته و آنها را با این دیدگاه عبادت می‌کردند. و یا اینکه می‌گوییم: چون این دیدگاه استقلالی را نسبت به وسائط داشته‌اند لذا قرآن از دعا و خواستن از وسائط تعبیر به عبادت کرده و آنان را بدین جهت مذمت نموده است.

نفی ولایت استقلالی برای اولیا در قرآن

خداوند متعال مشرکان را به جهت پذیرش ولایت غیر خدا مورد مذمت قرار داده و می‌فرماید:

﴿مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللهِ أَوْلِياءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتاً﴾ (عنکبوت: ٤١)

مثَل کسانی که غیر از خدا را اولیای خود برگزیدند، مثَل عنکبوت است که خانه‌ای برای خود انتخاب کرده است.

این نوع ولایت از آن جهت مورد نکوهش قرار گرفته که ارتباطش را با خداوند سبحان قطع نموده و نظر استقلالی به آن شده است. و این مطلب از کلمه **﴿مِنْ دُونِ اللهِ﴾** استفاده می‌شود، و نیز می‌توان آن را از آیات دیگر استفاده نمود.

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

خداوند متعال می‌فرمایـد: ﴿**وَ ما كانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِياءَ يَنْصُرُونَهُمْ مِنْ دُونِ اللهِ**﴾؛ «آنها جز خدا اولیا و یاورانی ندارند که یاریشان کنند». (شوری: ٤٦)

و نیز می‌فرماید:

﴿**إِنَّ وَلِيِّيَ اللهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ * وَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَ لا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ**﴾ (اعراف: ١٩٦ و ١٩٧)

ولی و سرپرست من، خدایی است که این کتاب را نازل کرده؛ و او همه صالحان را سرپرستی می‌کند. و آنهایی را که جز او می‌خوانید، نمی‌توانند یاریتان کنند، و نه (حتی) خودشان را یاری دهند.

از تعبیر ﴿**يَنْصُرُونَهُمْ مِنْ دُونِ اللهِ**﴾ و نیز ﴿**لا يَسْتَطِيعُونَ**﴾ استفاده می‌شود که مشرکان نظر استقلالی درباره اولیا یا بتان یا ملائکه یا جن داشته و برای آنها استطاعت مستقله قائل بوده‌اند.

رد ادعای دروغین مشرکان در تقرب به خدا

یکی از آیاتی که وهابیان بر ضد رفتار مسلمانان از توسل و استغاثه و شفاعت تمسک می‌کنند این آیه است که مشرکان می‌گفتند:

﴿**ما نَعْبُدُهُمْ إِلاَّ لِيُقَرِّبُونا إِلَى اللهِ زُلْفى**﴾ (زمر: ٣)

و دلیلشان این بود که: اینها را نمی‌پرستیم، مگر به‌خاطر اینکه ما را به خداوند نزدیک کنند.

در حالی که اگر به آخر آیه مراجعه کنیم پی می‌بریم که مشرکان در این ادعا دروغ می‌گفتند، بلکه با اعتقاد به ربوبیت و خالقیت استقلالی که نسبت به غیر خدا از خدایان خود داشتند آنان را عبادت می‌کردند و هرگز عبادت و توجه آنان به جهت تقرب به سوی خدا نبوده است.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ٩٠/٥/٣، قطع: رقعی، شاخه: ٨٩٠٦٧

خداوند در آخر آن آیه می‌فرماید:

﴿**إِنَّ اللهَ لا يَهْدِي مَنْ هُوَ كاذِبٌ كَفَّارٌ**﴾ (زمر: ۳)

خداوند آن کس را که دروغگو و کفران‌کننده است هرگز هدایت نمی‌کند.

وانگهی خداوند متعال مسلمانان را از سب کردن خدایان مشرکان از بت‌ها نهی کرده، آنجا که می‌فرماید:

﴿**وَ لا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ فَيَسُبُّوا اللهَ عَدْواً بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلى رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِما كانُوا يَعْمَلُونَ**﴾ (انعام: ۱۰۸)

(به معبود) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبادا آنها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند! اینچنین برای هر امّتی عملشان را زینت دادیم سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارشان است؛ و آنها را از آنچه عمل می‌کردند، آگاه می‌سازد (و پاداش و کیفر می‌دهد).

سبب نزول آیه این بوده که مسلمانان بت‌های کفار را دشنام می‌دادند و در مقابل، کفار نیز خداوند عزّوجلّ را ناسزا می‌گفتند، که این آیه نازل شد. و اگر آنان در گفتارشان که عبادت بت‌ها به جهت تقرب به خداست صادق بودند چگونه جرأت می‌کردند در برابر سبّ مؤمنان نسبت به بت‌ها، خداوند عزّوجلّ را ناسزا بگویند؟! و این خود دلیل بر کذب ادعای آنان است همان‌گونه که خداوند متعال به آن در آخر آیه قبل تصریح کرده است. این دلیل بر آن است که خداوند نزد مشرکان از منزلت کمتری برخوردار بوده است.

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک**، در **تاریخ**: ۹۰/۵/۳، قطع: **رقعی**، شاخه: ۸۹۰۶۷

بنابراین نمی‌توان این آیه را بر ضد درخواست کنندگان شفاعت و کمک از ارواح اولیا منطبق کرد؛ زیرا آنان هرگز چنین نظری راجع به اولیای الهی ندارند.

و نیز خداوند متعال درباره حکم ناشایست آنان درباره خداوند و بت‌ها می‌فرماید:

﴿وَ جَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَ الْأَنْعامِ نَصِيباً فَقالُوا هذا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَ هذا لِشُرَكائِنا فَما كانَ لِشُرَكائِهِمْ فَلا يَصِلُ إِلَى اللهِ وَ ما كانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلى شُرَكائِهِمْ ساءَ ما يَحْكُمُونَ﴾ (انعام: ۱۳۶)

آنها [مشرکان] سهمی از آنچه خداوند از زراعت و چهارپایان آفریده، برای او قرار دادند؛ (و سهمی برای بت‌ها**!**) و به‌گمان خود گفتند: این مال خداست**!** و این هم مال شرکای ما [یعنی بت‌ها] است**!** آنچه مال شرکای آنها بود، به خدا نمی‌رسید؛ ولی آنچه مال خدا بود، به شرکایشان می‌رسید**!** (آری، اگر سهم بت‌ها با کمبودی مواجه می‌شد، مال خدا را به بت‌ها می‌دادند؛ امّا عکس آن را مجاز نمی‌دانستند**!**) چه بد حکم می‌کنند (که علاوه بر شرک، حتّی خدا را کمتر از بت‌ها می‌دانند)**!**

و لذاست که ابوسفیان در جنگ با مسلمانان دستور می‌دهد تا شعار «اعل هبل» داده شود؛ یعنی زنده باد هبل، و این دلیل بر اهتمام ویژه آنان به بت‌ها دارد.

حسن بن علی سقاف شافعی در این باره می‌گوید:

و امّا قولهم: ﴿ما نَعْبُدُهُمْ إِلاَّ لِيُقَرِّبُونا إِلَى اللهِ زُلْفى﴾ فهو كذب منهم بنص القرآن؛ لانّهم لايقولون ذلك الاّ عند محاججة النبي

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

لهم و افحامه اياهم فيضطرون لقول مثل هـذا. و لـذلك قـال الله عقب هذه الآية: ﴿إِنَّ اللهَ لا يَهْدِي مَنْ هُوَ كاذِبٌ كَفَّـارٌ﴾. و الـذي يؤكّد ذلك انّهم يأبون ان يسـجدوا لله تعـالى: ﴿وَ إِذا قِيـلَ لَهُـمُ اسْجُدُوا لِلرَّحْمنِ قالُوا وَ مَا الرَّحْمنُ أَ نَسْجُدُ لِما تَأْمُرُنا وَ زادَهُـمْ نُفُوراً﴾ و كذلك لايقرون بالبعث ﴿وَ ضَرَبَ لَنا مَثَلاً وَ نَسِيَ خَلْقَـهُ قالَ مَنْ يُحْيِ الْعِظامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ * قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَـأَها أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ﴾ والمستغيث بالنبيﷺ ليس كذلك من جميع الوجوه، فهو يسجد للرحمن و يدعوه و لا ينكـر البعـث و لم يعبد غيرالله تعالى. و حصر الدعاء بالعبادة غلط ثم غلـط ثـم جهل مركب؛ لانّ واحداً من معانيه العبـادة و لـه معـان اخـري. فتعميم حديث: «اَلدُّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ» على كل دعـاء مـن الجهـل البالغ إلى الذرورة و هو ينبيء انّ القائل بذلك ليس له دراسة في علوم اللغة و التفسير و فهم كـلام الله تعـالى و رسـولهﷺ حـق الفهم. و الرسولﷺ دعا اشخاص احياء و كذلك دعـا الأمـوات فقال لهم: السلام عليكم أهل الديار مـن المـؤمنين و المسـلمين ـ للأموات من اهل القبور ـ، و المسـتغيث لـم يـأب السـجود للرحمن...[1]

امّا گفتار مشرکان که می‌گفتند: «ما به جهت تقرب به خدا بت‌ها را عبادت می‌کنیم». این ادعا به نص قرآن دروغی است کـه از آنهـا صادر شده است؛ زیرا این حرف را هنگامی گفتند که پیامبرﷺ بـا آنها احتجاج کرده و محکومشان نمود و لذا مضطر به مثل این گفتار

۱. الاغاثة بادلة الاستغاثة، ص ۳۲.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

شدند. و بدین جهت خداوند بعد از این آیه فرمود: «همانا خداوند هدایت نمی‌کند هرکسی را که دروغگو و کُفران‌کننده است». و چیزی که این مطلب را تأیید می‌کند اینکه آنان از سجده برای خدای متعال ابا داشتند، آنجا که می‌فرماید: «و هنگامی که به آنها گفته شود برای خداوند رحمان سجده کنید می‌گویند: رحمان چیست؟ (ما اصلاً رحمان را نمی‌شناسیم) آیا برای چیزی سجده کنیم که تو به ما دستور می‌دهی؟ این سخن را می‌گویند و بر نفرتشان افزوده می‌شود» و نیز آنان اقرار به معاد نداشتند. خداوند متعال درباره آنان می‌فرماید: «و برای ما مثال زد و آفرینش خود را فراموش کرد و گفت چه کسی این استخوان‌ها را زنده می‌کند در حالی که پوسیده است. بگو: همان کسی آن را زنده می‌کند که نخستین بار آن را آفرید و او به هر مخلوقی داناست». و کسی که به پیامبرﷺ استغاثه می‌کند به هیچ وجهی این‌گونه نیست؛ زیرا او تنها برای خدای رحمان سجده می‌کند و او را می‌خواند و منکر معاد نیست و غیر از خدای متعال را عبادت نمی‌کند. و منحصر کردن دعا به عبادت غلط اندر غلط و جهل مرکب است؛ زیرا یکی از معانی دعا عبادت است و برای آن، معانی دیگری نیز وجود دارد. لذا تعمیم دادن حدیث «دعا همان عبادت است» بر هر دعایی از نهایت جهل است، و این دلالت دارد بر اینکه گوینده آن در علوم لغت و تفسیر و فهم کلام خدای متعال و رسولشﷺ درست درس نخوانده و آن را به طور صحیح نفهمیده است. و پیامبرﷺ اشخاصی را در زمان حیات صدا زده و نیز افرادی را که مرده بودند خوانده

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

است و به آنها چنین سلام داده است: «سلام بر شما ای اهل دیـار از مؤمنان و مسلمانان» و این را به مرده‌هایی از اهل قبور خطاب کرده است. در حالی که شخص استغاثه‌کننده هرگز از سجده بـر خـدای رحمان امتناعی ندارد...

۳. عدم اذن الهی

مشـرکان کـه بـه وسـائط توجّـه داشـتند از آن جهـت مـورد مـذمت واقع شده‌اند که این کارشان مـورد اذن الهـی نبـوده و بـا نظـر اسـتقلالی به وسائط می‌نگریستند، و لذا اگر در موردی، توجّه بـه واسـطه، مشـمول اذن الهی بوده و نظـر اسـتقلالی بـه آن نشـده آیـات مشـرکان شـامل آن نمی‌باشد.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُـمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللهَ تَوَّاباً رَحِيماً﴾ (نساء: ٦٤)

و اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم می‌کردند (و فرمان‌های خدا را زیر پا می‌گذاردند)، به نزد تو مـی‌آمدنـد؛ و از خـدا طلـب آمرزش می‌کردند؛ و پیامبر هم برای آنها استغفار می‌کـرد؛ خـدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.

در این آیه دستور داده برای طلب بخشش، نزد رسول خدا ﷺ روند و از او بطلبند و مسلمانان از آیـه عمـوم رجـوع بـه رسـول خـدا ﷺ را در حیات و پس از رحلت فهمیده‌اند. ولی خداوند دربـاره مشـرکان کـه اذن خدا و حکم عقل را در توجّـه بـه واسـطه‌ای نداشـته‌انـد مـورد عقوبـت

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ٩٠/٥/٣، قطع: رقعی، شاخه: ٨٩٠٦٧

و سرزنش قرار داده و می‌فرماید:

﴿ما تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلاَّ أَسْماءً سَمَّيْتُمُوها أَنْتُمْ وَ آباؤُكُمْ ما أَنْزَلَ اللهُ بِها مِنْ سُلْطانٍ...﴾ (یوسف: ٤٠)

این معبودهایی که غیر از خدا می‌پرستید، چیزی جز اسم‌هایی (بی‌مسمّا) که شما و پدرانتان آنها را خدا نامیده اید، نیست؛ خداوند هیچ دلیلی بر آن نازل نکرده...

و نیز می‌فرماید:

﴿قالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَ غَضَبٌ أَ تُجادِلُونَنِي فِي أَسْماءٍ سَمَّيْتُمُوها أَنْتُمْ وَ آباؤُكُمْ ما نَزَّلَ اللهُ بِها مِنْ سُلْطانٍ...﴾ (اعراف: ۷۱)

گفت: پلیدی و غضب پروردگارتان، شما را فرا گرفته است! آیا با من در مورد نام‌هایی مجادله می‌کنید که شما و پدرانتان به عنوان معبود و خدا، بر بت‌ها) گذارده‌اید، در حالی که خداوند هیچ دلیلی درباره آن نازل نکرده است؟...

و می‌فرماید:

﴿وَ كَيْفَ أَخافُ ما أَشْرَكْتُمْ وَ لا تَخافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللهِ ما لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطاناً...﴾ (انعام: ۸۱)

چگونه من از بت‌های شما بترسم؟! در حالی که شما از این نمی‌ترسید که برای خدا، همتایی قرار داده‌اید که هیچ‌گونه دلیلی درباره آن، بر شما نازل نکرده است...

همچنین می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنَّما حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ وَ الإِثْمَ وَ

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

الْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ أَنْ تُشْرِكُوا بِاللهِ ما لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطاناً...﴾ (اعراف: ۳۳)

بگو: خداوند، تنها اعمال زشت را، چه آشکار باشد چه پنهان، حرام کرده است؛ و (همچنین) گناه و ستم به‌ناحق را؛ و اینکه چیزی را که خداوند دلیلی برای آن نازل نکرده، شریک او قرار دهید...

و می‌فرماید:

﴿وَ يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ ما لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطاناً وَ ما لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ وَ ما لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ﴾ (حج: ۷۱)

آنها غیر از خداوند، چیزهایی را می‌پرستند که او هیچ‌گونه دلیلی بر آن نازل نکرده است، و چیزهایی را که علم و آگاهی به آن ندارند**!** و برای ستمگران، یاور و راهنمایی نیست.

در این آیات سخن از نبود دلیل و اذن الهی بر اخذ واسطه شرک‌آلود و رجوع به آن است. لذا در این موارد مشرکان شدیداً مورد سرزنش قرار گرفته‌اند.

مشرکان و وسایل اختراعی

خداوند متعال در برخی آیات قرآن مشرکان را به جهت روی‌آوردن به وسائط اختراعی و داشتن اعتقاد استقلالی نسبت به تصرف آنها مذمت می‌کند. این آیات بر چند دسته است:

دسته اول

آیاتی که دلالت بر انکار اسم‌های اختراعی از جانب بندگان از روی هوای نفس دارد.

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک**، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: **رقعی**، شاخه: ۸۹۰٦۷

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿أَ تُجادِلُونَنِي فِي أَسْماءٍ سَمَّيْتُمُوها أَنْتُمْ وَ آباؤُكُمْ ما نَزَّلَ اللهُ بِها مِنْ سُلْطانٍ﴾ (اعراف: ۷۱)

آیا با من در مورد نام‌هایی مجادله می‌کنید که شما و پدرانتان (به‌عنوان معبود و خدا، بر بت‌ها) گذارده‌اید.

خداوند متعال در این آیه درباره قول حضرت هود علیه السلام نقل می‌کند که چگونه او با قوم عاد محاجّه کرده و بر آنان که وسائط و وسائلی را از جانب خود اختراع کرده و از جانب خداوند عزّوجلّ بر آن سلطان و دلیل نبوده رد کرده است.

در علم اصول فقه به اثبات رسیده که نهی یا نفی هرگاه بر طبیعت مقید به قید وارد شود،آن نفی یا نهی به قید می‌خورد نه به اصل مقید، مثل اینکه گفته شود: (مرد بلند قد در خانه نیست) که نفی در این مثال به قید متوجه است یعنی وجود مرد بلند قد را نفی می‌کند و اصل بودن مرد در خانه را نفی نمی‌کند.

مورد آیه نیز از این نوع است؛ زیرا جمله ﴿ما نَزَّلَ اللهُ بِها مِنْ سُلْطانٍ﴾ صنف خاصی از واسطه و وسیله را نفی می‌کند و آن وسائطی است که از جانب خداوند بر آن دلیلی نباشد، و آن وسائطی است که از جانب خودشان جعل شده و برای آن اسم‌گذاری کرده‌اند، و آیه در صدد نفی اصل وجود واسطه و وسیله نیست وگرنه ذکر قید بی‌معنا است.

شبیه این آیه قول خداوند متعال است:

﴿إِنْ هِيَ إِلاَّ أَسْماءٌ سَمَّيْتُمُوها أَنْتُمْ وَ آباؤُكُمْ ما أَنْزَلَ اللهُ بِها مِنْ

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

سُلْطانٍ إِنْ یَتَّبِعُونَ إِلاَّ الظَّنَّ وَ ما تَهْوَی الأَنْفُسُ﴾ (نجم: ۲۳)

اینها فقط نام‌هایی است که شما و پدرانتان بر آنها گذاشته‌اید (نام‌هایی بی‌محتوا و اسم‌هایی بی‌مسمّا)، و هرگز خداوند دلیل و حجتی بر آن نازل نکرده؛ آنان فقط از گمان‌های بی‌اساس و هوای نفس پیروی می‌کنند.

در این آیه نیز نهی و نفی به اصل واسطه قرار دادن نخورده بلکه به وسائطی خورده که مشرکان از خود اختراع کرده بودند.

دسته دوم

دسته‌ای دیگر از آیات است که در آن سخن از حصول شرک به خداست به جهت وسائطی که آنان اختراع کرده و به حکم و اراده خدا نبوده است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِما أَشْرَكُوا بِاللهِ ما لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطاناً وَ مَأْواهُمُ النّارُ وَ بِئْسَ مَثْوَى الظّالِمِينَ﴾ (آل‌عمران: ۱۵۱)

به‌زودی در دل‌های کافران، به‌خاطر اینکه بدون دلیل، چیزهایی را برای خدا همتا قرار دادند، رعب و ترس می‌افکنیم؛ و جایگاه آنها، آتش است؛ و چه بد جایگاهی است جایگاه ستمکاران.

و نیز می‌فرماید:

﴿وَ كَيْفَ أَخافُ ما أَشْرَكْتُمْ وَ لا تَخافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللهِ ما لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطاناً﴾ (انعام: ۸۱)

چگونه من از بت‌های شما بترسم؟! در حالی که شما از این نمی‌ترسید که برای خدا، همتایی قرار داده‌اید.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

و می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنَّما حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ وَ الإِثْمَ وَ الْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ أَنْ تُشْرِكُوا بِاللهِ ما لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطاناً وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللهِ ما لا تَعْلَمُونَ﴾ (اعراف: ۳۳)

بگو: خداوند، تنها اعمال زشت را، چه آشکارا باشد چه پنهان، حرام کرده است و (همچنین) گناه و ستم به‌ناحق را، و اینکه چیزی را که خداوند دلیلی بر آن نازل نکرده، شریک او قرار دهید، و به خدا مطلبی نسبت دهید که نمی‌دانید.

مطابق این آیات شرکی که مشرکان در آن قرار گرفته بودند حاکمیت پیدا کردن سلطه و رغبت و هوا و اراده آنان بر اراده خداوند متعال و سلطه او بوده نه اینکه اصل واسطه نفی شده و مورد نکوهش قرار گرفته باشد.

دسته سوم

دسته دیگری از آیات است که با تعبیر عبادت از غیر خداوند متعال آمده و دلالت دارد بر اینکه توسل به وسائط و شفیعان بدون سلطه و اذن از جانب خداوند عزوجل موجب عبادت وسائط اختراعی می‌شود.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَ يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ ما لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطاناً وَ ما لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ﴾ (حج: ۷۱)

آنها غیر از خداوند، چیزهایی را می‌پرستند که او هیچ‌گونه دلیلی بر آن نازل نکرده است، و چیزهایی را که علم و آگاهی به آن ندارند.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

و نیز می‌فرماید:

﴿ما تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلاَّ أَسْماءً سَمَّیْتُمُوها أَنْتُمْ وَ آباؤُکُمْ ما أَنْزَلَ اللّهُ بِها مِنْ سُلْطانٍ إِنِ الْحُکْمُ إِلاَّ لِلَّهِ﴾ (یوسف: ٤٠)

این معبودهایی که غیر از خدا می‌پرستید، چیزی جز اسم‌هایی (بی‌مسمّا) که شما و پدرانتان آنها را خدا نامیده‌اید، نیست. خداوند هیچ دلیلی بر آن نازل نکرده، حکم تنها از آنِ خداست.

مضمون این آیات عین دسته قبل است، و آن اینکه عبادت غیر خدا، در صورتی تحقق می‌یابد که وسیله با اراده بنده و اختراع او باشد.

دسته چهارم

دسته‌ای دیگر از آیات دلالت دارند بر اینکه تشریع از جانب غیر خدا هنگامی شرک محسوب می‌شود که بدون اذن او باشد.

خداوند متعال می‌فرماید: **﴿أَمْ لَهُمْ شُرَکاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّینِ ما لَمْ یَأْذَنْ بِهِ اللّهُ﴾**؛ «آیا معبودانی دارند که بی‌اذن خداوند آیینی برای آنها ساخته‌اند؟!» (شوری: ٢١)

و نیز می‌فرماید:

﴿قُلْ أَ رَأَیْتُمْ ما أَنْزَلَ اللّهُ لَکُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَراماً وَ حَلالاً قُلْ آللّهُ أَذِنَ لَکُمْ أَمْ عَلَی اللّهِ تَفْتَرُونَ﴾ (یونس: ٥٩)

بگو: آیا روزی‌هایی را که خداوند بر شما نازل کرده دیده‌اید، که بعضی از آن را حلال، و بعضی را حرام نموده‌اید؟! بگو: آیا خداوند به شما اجازه داده، یا بر خدا افترا می‌بندید (و از پیش خود، حلال و حرام می‌کنید؟!)

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ٩٠/٥/٣، قطع: رقعی، شاخه: ٨٩٠٦٧

نتیجه اینکه این دسته از آیات مفسر آیاتی است که مذمت مشرکان و بت‌پرستان و دیگران را کرده و لذا ربطی به عمل موحدان ندارد؛ زیرا آنان توجه به وسائطی نموده‌اند که از سوی خداوند متعال معین شده است.

عدم خوف پیامبر صلی الله علیه و آله از وقوع امّت در شرک

از برخی نصوص استفاده می‌شود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توانست بت‌پرستی و شرک را در این امّت ریشه‌کن کند. لذا از این جهت ترسی نداشته است. بدین جهت سخن وهابیان درباره وجود شرک در بین امت اسلامی بی‌مورد است. اینک به نمونه‌هایی در این زمینه اشاره می‌کنیم:

۱. بخاری به سند خود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود:

وَاللهِ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ أَنْ تُشْرِكُوا بَعْدِي، وَلَكِنْ أَخَافُ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنَافَسُوا فِيهَا...[1]

به خدا سوگند! من از اینکه بعد از من مشرک شوید نمی‌هراسم بلکه از آن بیم دارم که در امر خلافت با هم نزاع کنید...

۲. از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «**لاَيُجْتَمَعُ دِينَانِ فِي جَزِيرَةِ الْعَرَبِ**»[2]؛ «دو دین در جزیرة العرب جمع نمی‌شود».

محمّد بن علوی مالکی در توضیح این حدیث می‌گوید:

انّ هذه البلاد بفضل الله طاهرة من کل رجس، سالمة من کل

---

۱. صحیح بخاری، ح ۱۳۴۴.

۲. موطأ مالک، رقم ۱۳۸۸.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

شرك باخبار الرسولﷺ.[۱]

این بلاد به فضل خداوند از پلیدی و از هر شرکی پاک خواهد بود آن‌گونه که در اخبار رسول آمده است.

۳. مسلم به سند خود از پیامبرﷺ نقل کرده که فرمود:

إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ أَيِسَ أَنْ يُعْبَدَهُ الْمُصَلُّونَ فِي جَزِيرَةِ الْعَرَبِ وَلَكِنْ فِي التَّحرِيشِ بَيْنَهُمْ.[۲]

همانا شیطان مأیوس شد از اینکه نمازگزاران در جزیرة العرب او را عبادت کنند ولی از نزاع بین آنان مأیوس نشده است.

٤. و نیز از پیامبرﷺ نقل شده که فرمود:

إِنَّ إِبْلِيسَ يَئِسَ أَنْ تُعْبَدَ الأَصْنَامُ بِأَرْضِ الْعَرَبِ وَلَكِنْ سَيَرْضى بِدُونِ ذَلِكَ مِنْكُمْ بِالْمُحَقَراتِ مِنْ أَعْمالِكُمْ وَ هَى الْمُوبِقاتُ.[۳]

همانا شیطان از اینکه بت‌ها در سرزمین عرب عبادت شوند مأیوس شد، ولی به کمتر از آنکه همان گناهان کوچک بود راضی گشت.

۵. بخاری به سند خود از پیامبر اکرمﷺ نقل کرده که فرمود:

مَنْ يُرِدِ اللهُ بِهِ خَيْراً يُفَقِّهْهُ فِي الدِّينِ وَ إِنَّمَا أَنَا قَاسِمٌ وَ اللهُ يُعْطِي، وَ لاَ يَزَالُ أَمْرُ هَذِهِ الأُمَّةِ مُسْتَقِيماً حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ أَوْ يَأْتِي أَمْرُ اللهِ تَعَالَى...[۴]

به هر کسی که خداوند اراده خیر داشته باشد او را فقیه در دین

---

۱. مفاهیم یجب ان تصحّح، مقدمه.

۲. صحیح مسلم، ح ۲۸۱۲.

۳. مستدرک حاکم، ج۶، ص۲۲۵.

۴. صحیح بخاری، ج ۱۳، ص ۴۴۲.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

می‌کند، و همانا من تقسیم‌کننده و خداوند عطاکننده است، و همیشه امر این امّت مستقیم است، تا قیامت برپا شده یا امـر خـدای متعـال برسد...

٦. عایشه از پیامبرﷺ نقل کرده که فرمود:

لاَيَذْهَبُ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ حَتَّى تُعْبَدُ اللاَّتُ وَ الْعُزَّى. فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ الله! إِنْ كُنْتُ لأَظُنُّ حِينَ أَنْزَلَ اللهُ تَعَالَى: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ إِنَّ ذَلِكَ تَامٌّ. قَالَ: إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ ذَلِكَ مَا شَاءَ اللهُ، ثُمَّ يَبْعَثُ اللهُ رِيحاً طَيِّبَةً فَتُوُفِيَ كُلُّ مَنْ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ إِيمَانٍ، فَيَبْقَى مَنْ لاَ خُيْرِ فِيهِ فَيُرْجَعُونَ إِلى دِينِ آبَائِهِمْ.[1]

شب و روز نمی‌گذرد تا اینکه لات و عزی عبادت گـردد. عـرض کردم ای رسول خدا! من گمان می‌کردم هنگامی که این آیه نـازل شد: «او کسی است که رسولش را به هدایت و دین حقّ فرستاد تـا دین اسلام را بر تمام ادیان غلبـه دهـد گرچـه مشـرکان کراهـت دارند». این مطلب تمام شده است. حضرت فرمـود: ایـن مطلـب در آینده‌ای نه چندان دور آن‌گونه که خداوند بخواهـد اتفـاق خواهـد افتاد، آن‌گاه خداوند باد خوشی برمی‌انگیزد و هر کسی که به مقدار دانهٔ ارزنی از ایمان در قلبش باشد می‌میرد و در آن وقت تنها کسی می‌ماند که در او خیری نیست، و در آن هنگام به دین پدرانشان باز می‌گردند.

---

۱. صحیح مسلم، ح ۲۹۰۷.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

سلیمان بن عبدالوهاب در ردّ نظر برادرش محمد بن عبدالوهاب می‌گوید:

في هذه الأحاديث أبين دلالة علی بطلان مذهبكم، و هي انّ جميع هذه الأحاديث مصرّحة بانّ الأصنام لاتعبد في هذه الأمة إلاّ بعد انخرام انفس جميع المؤمنين آخر الدهر.[1]

در این احادیث بهترین دلالت است بر بطلان مذهب شما، و آن اینکه در تمام این احادیث تصریح شده به اینکه بت‌ها در این امّت عبادت نمی‌شود مگر بعد از خراب‌شدن نفوس تمام مؤمنان در آخر الزمان.

۷. از پیامبرﷺ نقل شده که فرمود: «**أَللَّهُمَّ لاتَجْعَلْ قَبْرِي وَثَناً يُعْبَدُ**»[2]؛ «بارخدایا! قبر مرا بتی که پرستیده شود قرار مده».

می‌دانیم که دعای پیامبرﷺ مستجاب است و در نتیجه هرگز در میان این امّت کسی پیدا نمی‌شود که کاری کند که موجب شرک نسبت به قبر پیامبرﷺ گردد.

۸. ابن ماجه به سند خود از پیامبرﷺ نقل کرده که فرمود:

إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَتَخَوَّفُ عَلى أُمَّتِي، الإِشْرَاكُ بِالله، أَمَّا إِنِّي لَسْتُ أَقُولُ: يَعْبُدوُنَ شَمساً وَ لاَ قَمَراً وَ لاَ وَثَناً، وَلكِنَّ أَعْمَالاً لِغَيْرِالله وَ شَهْوَةً خَفِيفَةً.[3]

همانا من از همه بیشتر از شرک به خدا بر امتم می‌ترسم، ولی

---

۱. الصواعق الالهیة، ص ۵۰.

۲. الموطأ، مالک، ج ۱، ص ۱۷۲.

۳. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۰۶.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

من نمی‌گویم که آنان خورشید و ماه و بت می‌پرستند، ولی از کارهایی که برای غیر خدا کرده و از شهوت خفیف بر آنان بیمناکم.

اعتقاد به اینکه بعد از پیامبرﷺ شرک باقی مانده و از بین مسلمانان ریشه‌کن نشده نقطه ضعف پیامبرﷺ است؛ چگونه پیامبرﷺ با آن زحمات فراوان نتوانست شرک و بت‌پرستی و مظاهر آن را برچیند. چطور وقتی سخن از عدم عدالت کل صحابه از ناحیه شیعه مطرح می‌شود وهابیان اشکال می‌کنند و می‌گویند این نظریه موجب تنقیص پیامبرﷺ است و می‌رساند که پیامبرﷺ کوتاهی کرده و نتوانسته اصحاب خود را تربیت کند، ولی وقتی سخن از شرک به میان می‌آید، برای اثبات مشرک‌بودن دیگران درصدد تنقیص پیامبرﷺ برآمده و ادّعا می‌کنند که پیامبرﷺ نتوانست شرک را از شبه جزیرة العرب برچیند.

نتیجه اینکه: وهابیان نباید از وقوع شرک در این امّت خوف به خود راه دهند؛ زیرا پیامبرﷺ از این جهت خوف نداشته است.

عدم جواز تطبیق آیات مشرکان بر مسلمانان

وهابیان آیات مشرکان را بر موحدان در این زمان تطبیق می‌دهند در حالی‌که مطابق برخی روایات چنین کاری بی‌مورد است. زیرا پیامبرﷺ از این امر ترس نداشت و مطمئن بود که امت مشرک نمی‌شود.

بخاری به سندش از عقبة بن عامر نقل کرده که گفت:

إنَّ النَّبيَّﷺ خَرَجَ يَوْماً فَصلّي عَلى أَهْلِ أُحُدٍ صَلاَتَهُ عَلَى الْمَيِّتِ، ثُمَّ انْصَرَفَ إِلَى الْمِنْبَرِ فَقَالَ: إِنِّي فَرْطٌ لَكُمْ وَ أَنَا شَهِيدٌ عَلَيْكُمْ، وَ

پرینت: ۶، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

إِنِّي وَاللهِ لأَنْظُرُ إِلى حَوْضِي الآنَ، وَ إِنِّي أُعْطِيتُ مَفَاتِيحَ خَزَائِنِ الأَرْضِ أَوْ مَفَاتِيحَ الأَرْضِ، وَ إِنّي وَاللهِ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ أَنْ تُشْرِكُوا بَعْدِي وَ لكِنْ أَخَافُ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنَافَسُوا فِيهَا.[1]

پیامبرﷺ روزی خارج شد و بر اهل احد نمازش را خواند که بر میت خوانده می‌شود، آن‌گاه به سوی منبر رفت و فرمود: من به انتظار شما می‌مانم و بر شما گواهم، و به خدا سوگند که الآن به حوضم نظر می‌کنم، و به من کلیدهای خزینه‌های زمین یا کلیدهای زمین داده شده، و من به خدا سوگند بر شما نمی‌ترسم از اینکه بعد از من مشرک شوید ولی بر شما می‌ترسم که در روی زمین نزاع کنید.

حسن بن علی سقّاف شافعی می‌گوید:

لایجب أبداً تطبیق أي من الآیات الصادرة حول المشرکین علی الموحدین و عقائدهم؛ لانّه لایمکن أبداً مقارنة مایتوهّمه المشرکون مع عقائد المؤمنین الحقه، و من جملتها: انّ الإله الذي کان یعبده المشرکون أو الذي یتقرّبون إلیه بعبادة الأصنام لاوجود حقیقي أو خارجي له؛ لانّه لایتّصف بصفات الإله الواحد، فلا معاد له، ولا یرسل للناس انبیاء و رسلا من انفسهم، ولا یکلّفهم بالواجبات، ولا یهدیهم إلی الصراط المستقیم. لهذا لم یکن المشرکون معتقدین بالمعاد، وکانوا یکذّبون الأنبیاء وینکرون انزال الکتب السماویة، ولا یلتزمون بای واجب من ربّهم و... و قد کشف الله عن مزاعمهم في آیات کثیرة منها قوله

۱. صحیح البخاری، کتاب الجنائز.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

عز اسمه: ﴿فَقالُوا أَ بَشَرٌ يَهْدُونَنا فَكَفَرُوا وَ تَوَلَّوْا وَ اسْتَغْنَى اللهُ...﴾[۱]، و أيضاً قوله تعالى: ﴿وَ قالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلى رَجُلٍ يُنَبِّئُكُمْ إِذا مُزِّقْتُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ﴾[۲] و قوله تعالى: ﴿وَ لَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَراً مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذاً لَخاسِرُونَ﴾[۳]، قوله تعالى: ﴿وَ عَجِبُوا أَنْ جاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَ قالَ الْكافِرُونَ هذا ساحِرٌ كَذَّابٌ * أَ جَعَلَ الآلِهَةَ إِلهاً واحِداً إِنَّ هذا لَشَيْءٌ عُجابٌ﴾[۴] فما كان يعبده المشركون لم يكن سوى إله وهمي لا وجود خارجي له و صنيعة ما توهمته وتصورته اذهانهم...

اذن عمل الإنسان الموحد في تبركه و توسّله و زيارته و... و يكون تقرباً للاله الحق و باذنه، الاله الذي بيّنه الأنبياء لهم، اما عمل المشرك فهو تقرب للإله الذي تصوّره في ذهنه...[۵]

هرگز واجب نیست که هر آیه‌ای از آیات صادر شده درباره مشرکان را بر موحدان و عقاید آنها تطبیق کنیم؛ زیرا هرگز ممکن نیست که اوهام مشرکان را با عقاید مؤمنان به حق مقایسه نمود. از آن جمله اینکه خدایی را که مشرکان می‌پرستیده یا آن بت‌هایی که با عبادتشان به او تقرب می‌جستند هرگز وجود حقیقی یا خارجی برای آنها نبوده است؛ زیرا آن، متّصف به صفات خدای واحد نمی‌گردد، پس بازگشتی به سوی او نیست و برای مردم انبیا و پیامبرانی از

---

۱. تغابن: ۶.
۲. سبأ: ۷.
۳. مؤمنون: ۳۴
۴. ص: ۴و۵.
۵. التبرک و التوسل و الصلح مع العدو الصهیونی، صص ۸۵ و۸۶.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

جانب خود نمی‌فرستد، و آنان را به واجبات تکلیف نمی کند و بـه راه راست هدایت نمی‌نماید. لذا مشرکان معتقد به معاد نبودند، بلکه انبیا را تکذیب می کـرده و فـرو فرسـتادن کتـاب‌هـای آسـمانی را انکـار می کردند و به هیچ واجبی از جانب پروردگارشان ملتزم نبودنـد و... و خداوند در بسیاری از آیات از گمان‌های آنان پـرده بـرداری نمـوده است از آن جمله گفتار او «ولی آنها (از روی کبر و غرور) گفتنـد: آیا بشرهایی (مثل ما) می‌خواهند ما را هدایت کنند؟! از این رو کافر شدند و روی برگرداندند؛ و خداوند (از ایمان و طاعتشان) بی‌نیاز بود» و نیز گفتار او «و کافران گفتند: آیا مردی را به شما نشان دهیم کـه به شما خبر می‌دهد هنگامی که (مُردیـد و) سـخت از هـم متلاشـی شدید، (بار دیگر) آفرینش تازه‌ای خواهید یافت؟!» و گفتـار خـدای متعـال «و اگـر از بشـری هماننـد خودتـان اطاعـت کنیـد، مسلّماً زیانکارید». و گفتار او «آنها تعجّب کردند که پیامبر بیم‌دهنـده‌ای از میان آنان به سویشان آمـده؛ و کـافران گفتنـد: ایـن سـاحر بسـیار دروغگویی است! آیا او به‌جای این‌همه خدایان، خدای واحـدی قـرار داده؟! این به‌راستی چیز عجیبی است!» پس آنچـه را کـه مشـرکان می‌پرستیدند تنها خدای وهمی بود که وجود خارجی بـرای آن نبـوده است، و ساخته اوهام و تصورات ذهنی آنها به حساب مـی‌آمـد... در این هنگام رفتار انسان موحد در تبرک و توسل و زیارتش... به جهت تقرب به پروردگار حق و به اذن اوست، خدایی که انبیا بـرای مـردم تبیین کرده‌اند. و اما عمل مشرک به جهت تقرب به خدایی است کـه در ذهن تصور نموده است...

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

محمّد بن علوی مالکی در مورد آیات مذمت مشرکان می‌گوید:

...فانّ المؤمنين ما اتخذوا الأنبياء عليهم الصلاة و السلام ولا الأولياء آلهة ولا جعلوهم شركاء، بل هم يعتقدون انّهم عبيدالله مخلوقون له، ولا يعتقدون استحقاقهم العبادة ولا انّهم يخلقون شيئاً ولا انّهم يملكون نفعاً ولا ضرّاً، و انّما قصدوا التبرك بهم لكونهم احباء الله المقربين الذين اصطفاهم و اجتباهم، و ببركتهم يرحم الله عباده. و لذلك شواهد كثيرة من الكتاب و السنة سنذكر لك كثيراً منها.

فاعتقاد المسلمين انّ الخالق النافع الضار هو الله وحده، و لايعتقدون استحقاق العبادة إلاّ لله وحده، ولا يعتقدون التأثير لأحد سواه. و اما المشركون الذين نزلت فيهم الآيات السابق ذكرها، فكانوا يتخذون الأصنام آلهة، و الإله معناه المستحق للعبادة، فهم يعتقدون استحقاق الأصنام للعبادة، فاعتقادهم استحقاقها العبادة هو الذي اوقعهم في الشرك، فلمّا اقيمت عليهم الحجة بانّها لاتملك نفعاً ولا ضرّاً قالوا: ﴿ما نَعْبُدُهُمْ إِلاَّ لِيُقَرِّبُونا إِلَى اللهِ زُلْفَى﴾ فكيف يجوز لهؤلاء و اتباعهم ان يجعلوا المؤمنين الموحدين مثل اولئك المشركين الذين يعتقدون الوهية الأصنام.

إذا علمت هذا تعلم انّ جميع الآيات المتقدم ذكرها و ما ماثلها من الآيات خاص بالكفار المشركين ولايدخل فيها احد من المؤمنين؛ لانّهم لايعتقدون الوهية غيرالله تعالى، ولا يعتقدون استحقاق العبادة لغيره.

وقد جاء في حديث البخاري عن ابن عمر في وصف الخوارج:

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

انّهم انطلقوا إلى آيات نزلت في الكفار فحملوها على المـؤمنين. فهذا الوصف صادق على هؤلاء الغلاة المتعنتين الـذين ينسـبون انفسهم إلى السلف، و السلف منهم براء.[۱]

...به طور حتم مؤمنان انبیا علیهم الصلاة و السلام و اولیا را خدا قـرار نداده و آنان را شریک او نیز نکرده‌انـد، بلکـه معتقدنـد کـه آنـان بندگان خدا و مخلوق اویند، و معتقد نیستند که آنان مستحق عبادت بوده یا اینکه چیزی را خلق می‌کنند، یا مالک نفع و ضرر می‌باشند، بلکه قصد مؤمنان تبرک به آنهاست به جهت آنکه دوستان خـدا و مقربان درگاه اویند، که خداوند آنان را برگزیده و انتخـاب کـرده است و به برکتشان به بندگانش رحم می‌کنـد. و بـرای آن شـواهد بسیاری از قرآن و سنت است که به زودی بسیاری از آنها را بـرای شما ذکر می‌کنیم.

پس اعتقاد مسلمانان این است که خالق نفع‌دهنده و ضـرر رسـانده تنها خداست، و هرگز کسی جز خداوند را مستحق عبادت نمی‌داند. و معتقد به تأثیر برای کسی جز خدا نیسـتند. و امـا مشـرکان کـه آیات پیشینِ ذکر شده در شأنشان نازل شد، بت‌هـا را خـدای خـود می‌دانستند، و اله معنایش مستحق عبادت است، پس آنها معتقد بودند که بت‌ها مستحق عبادتند، و اعتقاد به استحقاق عبادت برای بت‌هـا موجب می‌شد که آنان در شرک بیفتند. و چون حجت بـرای آنـان اقامه شد به اینکه بت‌ها مالک نفع و ضرر نیستند، گفتند: (ما عبادت

---

۱. هوالله، محمد بن علوی مالکی، صص۷۳ و ۷۴، به نقل از شـواهد الحـق، نبهـانی، ص ۱۵۲ بـا تصرف.

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک**، **در تاریخ**: ۹۰/۵/۳، قطع: **رقعی**، شاخه: ۸۹۰٦۷

نمی‌کنیم بت‌ها را مگر به جهت آنکه ما را به خدا نزدیک سازند)، پس چگونه جایز است برای آنان و پیروانشان اینکه مؤمنان موحد را مثل آن مشرکانی قرار دهند که اعتقاد به الوهیت بت‌ها داشتند.

چون این مطلب را دانستی می‌فهمی که تمام آیات پیشین که ذکر شد و امثال آنها از آیات دیگر، مخصوص به کفار مشرکین است و در هیچ یک از آنها احدی از مومنان داخل نمی‌باشد؛ زیرا مؤمنان اعتقاد به الوهیت غیر خداوند متعال ندارند و معتقد به استحقاق عبادت بر غیر خدا نیستند.

و در حدیث بخاری از ابن عمر در وصف خوارج آمده که آنان متعرض آیاتی شده‌اند که در حق کفار نازل شده و آنها را حمل بر مؤمنان نموده‌اند. و این وصف صادق است بر آن غالیان تندروی که خود را به سلف نسبت می‌دهند در حالی که سلف از آنان بیزارند.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

اعتقادات مشرکان از منظر قرآن، روایات و تاریخ

با مراجعه به قـرآن، روایـات و تـاریخ بـه اعتقـاداتی از مشـرکان پـی می‌بریم که هرگز درباره موحدان و کسانی که اولیای الهی را صـدا زده و از آنان درخواست حاجت به اذن خدا دارند، صدق نمی‌کنـد. اینـک ایـن موضوع را تحت عناوینی توضیح خواهیم داد:

۱. از منظر قرآن کریم

الف) اعتقاد مشرکان به حیات بت‌ها

علـی الـدین محیـی الـدین در مقالـه خـود بـه نـام «عبـادة الارواح (القوی الخفیة) فی المجتمع العربی الجاهلی» می‌گوید:

و عبادة الاصنام نفسـها ذات صـلة بعبـادة الأرواح، حیـث کـان الوثنیّون یخاطبون اصنامهم و یتوسلون الیها و یستشیرونها فیالافراح و في الأتراح؛ لتصورهم انّ لها روحاً و انّها تسمع وتری.[۱]

پرستش بت‌ها به خودی خود دارای ارتباطی با پرستش ارواح بـود؛

---

۱. الجزیرة العربیة قبل الاسلام، علی الدین محیی الدین، ص ۱۵۶.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

زیرا بت‌پرستان بت‌های خود را صدا می‌زدند و به آنها توسل می‌جستند و هنگام خوشی‌ها و ناراحتی‌ها با آنها مشورت می‌کردند؛ زیرا تصور می‌کردند که آنها روح دارند، می‌شنوند و می‌بینند.

او همچنین درباره حیوانات و درختانی که مشرکان آنها را می‌پرستیدند، می‌گوید:

وقد تخيل الأقدمون الأرواح في اشكال مختلفة، و انّها قد تحلّ في بعض الحيوانات كما في الأشجار. و لذا نظر إلى تلك الأشياء نظرة تقديس مخلوطة بالخوف، فلقد كانوا يجتنبون قطع تلك الأشجار أو الحاق الضرر بها، كما كانوا يتصورون ذلك بالنسبة لبعض الأماكن التي يعتقدون انّها مسكونة بارواح خبيثة شريرة في الأغلب. وقد بقيت هذه المعتقدات في كثير من المجتمعات حتّى الآن. و نحن في اندونيسيا نجد ذلك أيضاً فنرى الناس يقولون عن بعض الأشجار التمر الهندي أو اشجار الساغو انّ بها روحاً و انّ لها حارساً خفياً من الأرواح و كذلك الامر بالنسبة لبعض الاماكن المهجورة أو بعض الآبار...[1]

قدیمی‌ها گمان می‌کردند که ارواح اشکال مختلف دارند و آنها در برخی حیوانات حلول می‌نمایند، همان‌گونه که در درخت‌ها حلول می‌کنند، و لذا به آن چیزها به دیده تقدیس همراه با ترس می‌نگریستند. آنان از قطع آن درختان یا ضرر رساندن به آنها اجتناب می‌کردند، همان‌گونه که نسبت به برخی از مکان‌ها که معتقد بودند در آن مکان‌ها غالباً ارواح خبیث و شرور

۱. الجزيرة العربية قبل الاسلام، ص ۱۵۶.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

ساکن است چنین تصوری داشتند. این اعتقادات در بسیاری از مجتمعات تاکنون باقی مانده است، و ما در اندونزی این عقیده را هم‌اکنون می‌یابیم. مشاهده می‌کنیم که مردم درباره برخی از درختان همچون درخت تمر هندی یا درختان ساغو می‌گویند که در آنها روح وجود دارد و نگهبانی مخفی از ارواح دارند؛ و همچنین است امر نسبت به برخی اماکن دور افتاده یا برخی چاه‌ها...

ب) اعتقاد به تصرفات بت‌ها

از آیات و روایات استفاده می‌شود که مشرکان اعتقاد به تأثیر به نفع و ضرر نسبت به اولیا یا اجنه یا ملائکه یا بت‌ها داشتند. لذا مورد مذمت قرار گرفتند.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا﴾ (مریم: ۸۱)

و آنان غیر از خدا، معبودانی را برای خود برگزیدند تا مایه عزّتشان باشد!

و نیز می‌فرماید:

﴿إِنَّما تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ أَوْثاناً وَ تَخْلُقُونَ إِفْكاً إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ لا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقاً فَابْتَغُوا عِنْدَ اللهِ الرِّزْقَ وَ اعْبُدُوهُ وَ اشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ (عنکبوت: ۱۷)

شما غیر از خدا فقط بت‌هایی [از سنگ وچوب] را می‌پرستید و دروغی به هم می‌بافید؛ آنهایی را که غیر از خدا پرستش می‌کنید،

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

مالک هیچ رزقی برای شما نیستند؛ روزی را تنها نزد خدا بطلبید و او را پرستش کنید و شکر او را به‌جا آورید که به‌سوی او بازگشت داده می‌شوید.

و نیز می‌فرماید:

﴿أَ لَيْسَ اللهُ بِكافٍ عَبْدَهُ وَ يُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ وَ مَنْ يُضْلِلِ اللهُ فَما لَهُ مِنْ هادٍ﴾ (زمر: ٣٦)

آیا خداوند برای [نجات و دفاع از] بنده‌اش کافی نیست؟! امّا آنها تو را از غیر او می‌ترسانند و هرکس را خداوند گمراه کند، هیچ هدایت‌کننده‌ای ندارد.

بغوی در تفسیر جمله **﴿وَ يُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ﴾** می‌گوید:

و ذلك انّهم خوفوا النبي صلى الله عليه وآله معرة معاداة الأوثان و قالوا: لتكفنّ عن شتم آلهتنا او ليصيبنّك منهم خبل او جنون.[1]

آنان پیامبر صلى الله عليه وآله را به جهت دشمنی او با بت‌ها از مفسده‌ای ترساندند و گفتند: یا دست از دشنام دادن خدایان ما برمی‌داری یا اینکه از ناحیه آنها به تو گرفتاری یا جنونی خواهد رسید.

طبری نیز در تفسیر این جمله از قتاده نقل کرده که گفت:

بعث رسول الله صلى الله عليه وآله خالد بن الوليد إلى شعب بسقام ليكسر العزى، فقال سادنها و هو قيّمها: يا خالد! انا أحذركها انّ لها شدة لا يقوم اليها بشيء، فمشي اليها خالد بالفأس فهشم أنفها.[2]

رسول خدا صلى الله عليه وآله خالد بن ولید را به دره‌ای در سقام فرستاد تا بت عزی

---

۱. تفسیر بغوی، ج ۴، ص ۶۹.

۲. تفسیر طبری، ج ۲۴، ص ۹.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

را بشکنند. سرپرست آن گفت: ای خالد! من تو را از او برحذر می‌دارم؛ چرا که او دارای قوتی است که هیچ کس قدرت مقابله با آن را ندارد. خالد با تبر به طرف آن رفت و بینی آن را خُرد کرد.

ج) اعتقاد به فرزند داشتن خداوند سبحان

در آیات بسیاری سخن از این به میان آمده که خداوند سبحان فرزند ندارد، از این آیات استفاده می‌شود که مشرکان معتقد به فرزنددار بودن خداوند بوده‌اند. وانگهی در برخی از آیات نیز تصریح به این عقیده از مشرکان شده است.

خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ * اللهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ﴾ (اخلاص: ١ـ ٤)

بگو: خداوند، یکتا و یگانه است؛ خداوندی است که همه نیازمندان قصد او می‌کنند. [هرگز] نزاد، و زاده نشد، و برای او هیچگاه شبیه و مانندی نبوده است!

و نیز می‌فرماید:

﴿وَ قالُوا اتَّخَذَ اللهُ وَلَداً سُبْحانَهُ بَلْ لَهُ ما فِي السَّماواتِ وَ الأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قانِتُونَ﴾ (بقره: ١١٦)

و [یهود و نصاری و مشرکان] گفتند: خداوند، فرزندی برای خود انتخاب کرده است! ــ منزه است او ــ بلکه آنچه در آسمان‌ها وزمین است، از آن اوست؛ و همه در برابر او خاضعند!

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ٩٠/٥/٣ ، قطع: رقعی، شاخه: ٨٩٠٦٧

همچنین می‌فرماید:

﴿وَ یُنْذِرَ الَّذِینَ قالُوا اتَّخَذَ اللهُ وَلَداً﴾ (کهف: ٤)

و [نیز] آنها را که گفتند: خداوند، فرزندی [برای خود] انتخاب کرده است، انذار کند.

و نیز می‌فرماید:

﴿وَ قالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمنُ وَلَداً * لَقَدْ جِئْتُمْ شَیْئاً إِدًّا * تَکادُ السَّماواتُ یَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَ تَنْشَقُّ الأَرْضُ وَ تَخِرُّ الْجِبالُ هَدًّا * أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمنِ وَلَداً * وَ ما یَنْبَغِي لِلرَّحْمنِ أَنْ یَتَّخِذَ وَلَداً * إِنْ کُلُّ مَنْ فِي السَّماواتِ وَ الأَرْضِ إِلاَّ آتِي الرَّحْمنِ عَبْداً﴾ (مریم: ۸۸ ـ ۹۳)

و گفتند: خداوند رحمان فرزندی برای خود برگزیده است. راستی مطلب زشت و زننده‌ای گفتید! نزدیک است به خاطر این سخن آسمان‌ها از هم متلاشی گردد، و زمین شکافته شود، و کوه‌ها به‌شدّت فرو ریزد... از این رو که برای خداوند رحمان فرزندی قائل شدند! در حالی که هرگز برای خداوند رحمان سزاوار نیست که فرزندی برگزینند! تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، بنده اویند.

و نیز در جای دیگر تصریح می‌کند که برخی از مشرکان معتقد بودند که خداوند دخترانی دارد آنجا که می‌فرماید:

﴿أَ فَرَأَیْتُمُ اللاَّتَ وَ الْعُزَّی * وَ مَناةَ الثَّالِثَةَ الأُخْری * أَ لَکُمُ الذَّکَرُ وَ لَهُ الأُنْثی * تِلْكَ إِذاً قِسْمَةٌ ضِیزی﴾ (نجم: ۱۹ـ ۲۲)

به من خبر دهید آیا بت‌های "لات" و "عزّی" و "منات" که

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

سوّمین آنهاست [دختران خدا هستند]؟! آیا سهم شما پسر است و سهم او دختر؟! [در حالی که بزعم شما دختران کم‌ارزش‌ترند!] در این صورت این تقسیمی ناعادلانه است!

آیا این اولادی را که آنان برای خدا معتقد بودند تنها شفیع به حساب می‌آمدند و هیچ‌گونه تأثیری در نظام تکوین نداشتند؟! اگر چنین بود چرا از آنان به فرزند تعبیر شده است؟! آیا این تعبیر و عنوان دلالت نمی‌کند بر وجود نوع اتحاد و تجانسی بین پدر و پسر به اعتقاد آنان؟ به این معنا که پسر به نوعی قدرت پدر را داراست که نتیجه آن شرک در ربوبیت باشد؟!

این موضوعی است که قرطبی به آن تصریح کرده آنجا که می‌گوید:

و من اجاز ان تکون الملائکة بنات الله فقد جعل الملائکة شبهاً لله؛ لانّ الولد من جنس الوالد و شبهه.[1]

و هر کس اجازه دهد که ملائکه دختران خدا باشد به طور حتم ملائکه را شبیه خدا دانسته است؛ زیرا فرزند از جنس پدر و شبیه اوست.

د) اعتقاد به استقلال بت‌ها

از آیات قرآن کریم و ادله دیگر استفاده می‌شود که مشرکان به استقلال بت‌ها در تأثیر اعتقاد داشته‌اند و بدین‌جهت آنها را عبادت می‌کردند، و لذا نمی‌توان این آیات را بر مؤمنانی که دیدگاه استقلالی به اولیا ندارند و آنان را واسطه قرار می‌دهند و صدا می‌زنند و

---

۱. تفسیر قرطبی، ج ۱۶، ص ۶۶.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

می‌خواهند که از خداوند متعال حاجاتشـان را بخواهنـد و برایشـان دعـا کنند، و به اذن خدا کاری برایشان انجام دهند، حمل نمود. اینک به برخی از این آیاتی که دلالت بر عقیده مشرکان به استقلال بـت‌هـا دارد، اشـاره می‌کنیم:

یک ـ عدم تأثیر در برابر اراده خداوند متعال

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ أَ فَرَأَيْتُمْ ما تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ إِنْ أَرادَنِيَ اللهُ بِضُرٍّ هَـلْ هُـنَّ كاشِفاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرادَنِي بِرَحْمَـةٍ هَـلْ هُـنَّ مُمْسِـكاتُ رَحْمَتِـهِ﴾

(زمر: ۳۸)

بگو: آیا هیچ درباره معبودانی که غیر از خـدا مـی‌خوانیـد اندیشـه می‌کنید که اگر خدا زیانی برای من بخواهد، آیا آنها می‌توانند گزند او را برطرف سازند؟! و یا اگر رحمتی برای من بخواهد، آیـا آنهـا می‌توانند جلو رحمت او را بگیرند؟!

دو ـ ترساندن از خدایان خود

مشرکان از آن جهت که بتان خود را صاحب اثر دانسته و مسـتقل در تأثیر می‌دانستند، پیامبران را از مبارزه با بت‌ها می‌ترساندند و آنان را بدین جهت به جنون متهم می‌کردند.

قرآن کریم از قول قوم هود نقل می‌کند:

﴿إِنْ نَقُولُ إِلاَّ اعْتَراكَ بَعْضُ آلِهَتِنا بِسُوءٍ...﴾ (هود: ٥٤)

ما (درباره تو) فقط می‌گوییم: بعضی از خـدایان مـا، بـه تـو زیـان رسانده (و عقلت را ربوده)اند!...

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

و خداوند متعال برای ردّ این خرافات است که می‌فرماید:

﴿أَ لَيْسَ اللهُ بِكافٍ عَبْدَهُ وَ يُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ﴾ (زمر: ٣٦)

آیا خداوند برای (نجات و دفاع از) بنده‌اش کافی نیست؟! امّا آنها تو را از غیر او می‌ترسانند.

سه ـ تصریح به مساوات

معبودان مشرکان و کفار و عبادت‌کنندگان آنها هنگامی که در دوزخ اجتماع پیدا می‌کنند می‌گویند:

﴿قالُوا وَ هُمْ فِيها يَخْتَصِمُونَ * تَاللهِ إِنْ كُنَّا لَفِي ضَلالٍ مُبِينٍ * إِذْ نُسَوِّيكُمْ بِرَبِّ الْعالَمِينَ﴾ (شعراء: ٩٦ ـ ٩٨)

آنها در آنجا در حالی که به مخاصمه برخاسته‌اند می‌گویند: به خدا سوگند که ما در گمراهی آشکاری بودیم چون شما را با پروردگار عالمیان برابر می‌شمردیم.

آنان به خدا قسم یاد می‌کنند که در گمراهی آشکاری بوده‌اند؛ چرا که خدایان خود را عِدل خدا قرار داده و مساوی با او می‌دانستند، و بدین جهت آنها را می‌پرستیدند.

و نیز خداوند متعال درباره عقیده کفار می‌گوید:

﴿...ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ﴾ (انعام: ١)

اما کافران برای پروردگار خود، شریک و شبیه قرار می‌دهند (با اینکه دلایل توحید و یگانگی او، در آفرینش جهان آشکار است).

یعنی کفار بت‌ها را مثل خدا و مساوی او می‌دانستند. لذا از امام علی علیه‌السلام نقل شده که فرمود:

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ٩٠/٥/٣، قطع: رقعی، شاخه: ٨٩٠٦٧

كَذَبَ الْعَادِلُونَ بِكَ إِذْ شَبَّهُوكَ بِأَصْنَامِهِمْ، وَ أَشْهَدُ اَنَّ مَنْ سَاوَاكَ بِشَيْءٍ مِنْ خَلْقِكَ فَقَدْ عَدَلَ بِكَ.[۱]

دروغ گفتند: مشرکان که تو را با بت‌های خود همانند پنداشتند و خدایا گواهی می‌دهم آنان که تو را با چیزی از آفریده‌های تو مساوی شمارند از تو روی برتافته‌اند.

چهار ـ نهی از قرار دادن «ندّ» برای خدا

در برخی از آیات قرآن از قرار دادن «ندّ» برای خداوند متعال نهی شده است از آن جمله می‌فرماید:

﴿**فَلا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْداداً وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ**﴾ (بقره: ۲۲)

بنابراین، برای خدا همتایانی قرار ندهید، در حالی که می‌دانید (هیچ یک از آنها، نه شما را آفریده‌اند، و نه شما را روزی می‌دهند).

فراهیدی در کتاب «العین» می‌نویسد:

الندّ ما کان مثل الشيء يضاده في اموره.[۲]

ندّ آن چیزی است که مثل چیز دیگری است و در کارهایش با او ضدّیت دارد.

در کتاب «تاج العروس»آمده است: «**الند بالکسر: المثل و النظير، جمع انداد**»[۳]؛ «ندّ به کسر مثل و نظیر است و جمع آن انداد می‌باشد».

از آیه فوق استفاده می‌شود که مشرکان بت‌های خود را در عرض

---

۱. نهج البلاغه، خطبه ۹۱، با ترجمه فیض الاسلام، ص ۲۳۵.
۲. کتاب العین، ماده (ندّ).
۳. تاج العروس، ماده (ندّ).

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

خدا و مثل او مستقل در تدبیر و قدرت می‌دانستند؛ و لذا قرآن کریم آنان را مذمت کرده و از کردارشان نهی نموده است.

پنج ـ اطلاق الهه بر غیر خدا

از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود که مشرکان نسبت به افرادی غیر از خدا اعتقاد الوهیت داشته‌اند؛

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَ إِلهُكُمْ إِلهٌ واحِدٌ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحِيمُ﴾ (بقره: ۱۶۳)

و خدای شما، خداوند یگانه‌ای است، که غیر از او معبودی نیست! اوست بخشنده و مهربان (و دارای رحمت عام و خاصّ)!

و نیز می‌فرماید:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنا نُوحاً إِلى قَوْمِهِ فَقالَ يا قَوْمِ اعْبُدُوا اللهَ ما لَكُمْ مِنْ إِلهٍ غَيْرُهُ﴾ (اعراف: ۵۹)

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم؛ او به آنان گفت: ای قوم من! (تنها) خداوند یگانه را پرستش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست!

از این آیات استفاده می‌شود که مشرکان در عرض خداوند متعال اعتقاد به الوهیت خدایان خود داشته‌اند، و لذا قرآن کریم آنان را مذمت کرده و الوهیت را مختص به خداوند متعال می‌داند.

شش ـ اطلاق کلمه «مع»

از جمله ادله قرآنی بر اینکه بت‌پرستان اعتقاد به استقلالیت معبودان خود در تأثیر و قدرت داشتند آیاتی است که در آنها کلمه «مع» درباره

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

عقیده مشرکان به کار رفته و در دوازده مورد از قـرآن آمـده اسـت؛ از آن جمله:

می‌فرماید: ﴿**الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللهِ إِلهاً آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ**﴾؛ «همان‌ها که معبود دیگری با خدا قرار دادند؛ امّا به زودی می‌فهمند». (حجر: ۹۶)

همچنین می‌فرماید:

﴿**لا تَجْعَلْ مَعَ اللهِ إِلهاً آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُوماً مَخْـذُولاً * ذلِـكَ مِمَّـا أَوْحى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَ لا تَجْعَلْ مَعَ اللهِ إِلهاً آخَرَ فَتُلْقـى فِي جَهَنَّمَ مَلُوماً مَدْحُوراً**﴾ (اسراء: ۲۲ و ۳۹)

هرگز معبود دیگری را با خدا قرار مده، که نکوهیده و بـی‌یـار و یـاور خواهی نشست! این (احکام)، از حکمت‌هایی است که پروردگارت بـه تو وحی فرستاده؛ و هرگز معبودی با خدا قرار مده، که در جهنم افکنده می‌شوی، در حالی که سرزنش شده، و رانده (درگاه خدا) خواهی بود!

و می‌فرماید:

﴿**وَ مَنْ يَدْعُ مَعَ اللهِ إِلهاً آخَرَ لا بُرْهانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّما حِسابُهُ عِنْدَ رَبِّـهِ إِنَّهُ لا يُفْلِحُ الْكافِرُونَ**﴾ (مؤمنون: ۱۱۷)

و هر کس معبود دیگری را با خدا بخواند ـ و مسلّماً هیچ دلیلی بـر آن نخواهد داشت ـ حساب او نزد پروردگارش خواهد بـود؛ یقینـاً کافران رستگار نخواهند شد!

و نیز می‌فرماید:

﴿**وَ الَّذِينَ لا يَدْعُونَ مَعَ اللهِ إِلهاً آخَرَ وَ لا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللهُ إِلاَّ بِالْحَقِّ وَ لا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذلِكَ يَلْقَ أَثاماً**﴾ (فرقان: ۶۸)

و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی‌خوانند؛ و انسانی را که

پرینت: ۶، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

خداوند خونش را حرام شمرده، جز به‌حق نمی‌کشند؛ و زنا نمی‌کنند؛ و هر کس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید.

خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿**وَ لا تَدْعُ مَعَ اللهِ إِلهاً آخَرَ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هالِكٌ إِلاَّ وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ**﴾ (قصص: ۸۸)

معبود دیگری را با خدا مخوان، که هیچ معبودی جز او نیست؛ همه چیز جز ذات (پاک) او فانی می‌شود؛ حاکمیت تنها از آن اوست؛ و همه به‌سوی او بازگردانده می‌شوید!

و می‌فرماید:

﴿**الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللهِ إِلهاً آخَرَ فَأَلْقِياهُ فِي الْعَذابِ الشَّدِيدِ**﴾ (ق: ۲۶)

همان کسی که معبود دیگری با خدا قرار داده، (آری) او را در عذاب شدید بیفکنید!

و نیز می‌فرماید:

﴿**وَ لا تَجْعَلُوا مَعَ اللهِ إِلهاً آخَرَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ**﴾ (ذاریات: ۵۱)

و با خدا معبود دیگری قرار ندهید، که من برای شما از سوی او بیم‌دهنده‌ای آشکارم!

همچنین می‌فرماید: ﴿**وَ أَنَّ الْمَساجِدَ لِلَّهِ فَلا تَدْعُوا مَعَ اللهِ أَحَداً**﴾؛ «و اینکه مساجد از آن خداست، پس هیچ کس را با خدا نخوانید»! (جن: ۱۸)

و می‌فرماید: ﴿**فَلا تَدْعُ مَعَ اللهِ إِلهاً آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ**﴾؛ «(ای پیامبر!) هیچ معبودی را با خداوند مخوان، که از معذّبین خواهی بود!» (شعراء: ۲۱۳)

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

هفت ـ رد اعتقاد به استقلال با برهان تمانع

خداوند متعال اعتقاد مشرکان به استقلال در تدبیر و تأثیر غیر خدا را با برهان «تمانع و فساد» ردّ می‌کند و برهان تمانع با اعتقاد به استقلال تناسب دارد. آنجا که می‌فرماید:

﴿**لَوْ كانَ فِيهِما آلِهَةٌ إِلاَّ اللهُ لَفَسَدَتا**﴾ (انبیاء: ۲۲)

اگر در آسمان و زمین، جز «الله» خدایان دیگری بود، فاسد می‌شدند (و نظام جهان به هم می‌خورد).

و نیز می‌فرماید:

﴿**مَا اتَّخَذَ اللهُ مِنْ وَلَدٍ وَ ما كانَ مَعَهُ مِنْ إِلهٍ إِذاً لَذَهَبَ كُلُّ إِلهٍ بِما خَلَقَ وَ لَعَلا بَعْضُهُمْ عَلى بَعْضٍ سُبْحانَ اللهِ عَمَّا يَصِفُونَ**﴾ (مؤمنون: ۹۱)

خدا هرگز فرزندی برای خود انتخاب نکرده؛ و معبود دیگری با او نیست؛ که اگر چنین می‌شد، هر یک از خدایان مخلوقات خود را تدبیر و اداره می‌کردند و بعضی بر بعضی دیگر برتری می‌جستند (و جهان هستی به تباهی کشیده می‌شد)؛ منزّه است خدا از آنچه آنان توصیف می‌کنند!

اگر مراد و مقصود مشرکان این بود که تدبیر و تأثیر معبودانی غیر از خداوند سبحان در طول اراده و مشیت خدا می‌باشد هرگز موجب اختلاف و فساد در عالم نمی‌شد.

هشت ـ استفاده از کلمه «من دون الله»

در برخی از آیات قرآن کریم که در صدد بیان عقیده مشرکان است از کلمه ﴿**مِنْ دُونِ اللهِ**﴾ استفاده کرده که دلالت بر قطع ارتباط تأثیر و

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

افعال معبودان مشرکان از خداوند متعال و استقلال در تدبیر و خالقیت و تأثیر دارد.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللهِ أَنْداداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللهِ﴾ (بقره: ۱٦۵)

بعضی از مردم، معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب می‌کنند؛ و آنها را همچون خدا دوست می‌دارند.

می‌دانیم که اگر عقیده مشرکان درباره خدایانشان به نحو تبعیت و طولیت بوده نه استقلال هرگز عبارت **﴿مِنْ دُونِ اللهِ﴾** صادق نبوده است.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿أَ لَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللهَ لَهُ مُلْكُ السَّماواتِ وَ الأَرْضِ وَ ما لَكُمْ مِنْ دُونِ اللهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لا نَصِيرٍ﴾ (بقره: ۱۰۷)

آیا نمی‌دانستی که حکومت آسمان‌ها و زمین، از آن خداست؟! (و حق دارد هرگونه تغییر و تبدیلی در احکام خود طبق مصالح بدهد؟!) و جز خدا، ولی و یاوری برای شما نیست. (و اوست که مصلحت شما را می‌داند و تعیین می‌کند).

و می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ قُلْ لا أَتَّبِعُ أَهْواءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذاً وَ ما أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ﴾ (انعام: ۵٦)

بگو: من از پرستش کسانی که غیر از خدا می‌خوانید، نهی شده‌ام! بگو: من از هوی و هوس‌های شما، پیروی نمی‌کنم؛ اگر چنین کنم، گمراه شده‌ام؛ و از هدایت‌یافتگان نخواهم بود!

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

و نیز می‌فرماید:

﴿قُلْ أَ نَدْعُوا مِنْ دُونِ اللهِ ما لا يَنْفَعُنا وَ لا يَضُرُّنا وَ نُرَدُّ عَلى أَعْقابِنا بَعْدَ إِذْ هَدانَا اللهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّياطِينُ فِي الأَرْضِ حَيْرانَ لَهُ أَصْحابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَى ائْتِنا قُلْ إِنَّ هُدَى اللهِ هُوَ الْهُدى وَ أُمِرْنا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعالَمِينَ﴾ (انعام: ۷۱)

بگو: آیا غیر از خدا، چیزی را بخوانیم (و عبادت کنیم) که نه سودی به حال مال دارد، نه زیانی؛ و (به این ترتیب،) به عقب برگردیم بعد از آنکه خداوند ما را هدایت کرده است؟! همانند کسی که بر اثر وسوسه‌های شیطان، در روی زمین راه را گم کرده، و سرگردان مانده است؛ در حالی که یارانی هم دارد که او را به هدایت دعوت می‌کنند (و می‌گویند:) به سوی ما بیا! بگو: تنها هدایت خداوند، هدایت است؛ و ما دستور داریم که تسلیم پروردگار عالمیان باشیم.

همچنین می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ عِبادٌ أَمْثالُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ﴾ (اعراف: ۱۹٤)

آنهایی را که غیر از خدا می‌خوانید (و پرستش می‌کنید)، بندگانی همچون خود شما هستند؛ آنها را بخوانید، و اگر راست می‌گویید باید به شما پاسخ دهند (و تقاضایتان را برآورند)!

و می‌فرماید:

﴿وَ يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ ما لا يَضُرُّهُمْ وَ لا يَنْفَعُهُمْ وَ يَقُولُونَ هؤُلاءِ شُفَعاؤُنا عِنْدَ اللهِ قُلْ أَ تُنَبِّئُونَ اللهَ بِما لا يَعْلَمُ فِي السَّماواتِ

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

وَ لا فِي الأَرْضِ سُبْحانَهُ وَ تَعالی عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ (یونس: ۱۸)

آنها غیر از خدا، چیزهایی را می‌پرستند که نه به آنان زیان می‌رساند، و نه سودی می‌بخشد؛ و می‌گویند: اینها شفیعان ما نزد خدا هستند**!** بگو: آیا خدا را به چیزی خبر می‌دهید که در آسمان‌ها و زمین سراغ ندارد؟**!** منزه است او، و برتر است از آن همتایانی که قرار می‌دهند**!**

و نیز می‌فرماید:

﴿وَ لا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللهِ ما لا يَنْفَعُكَ وَ لا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذاً مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (یونس: ۱۰۶)

و جز خدا، چیزی را که نه سودی به تو می‌رساند و نه زیانی، مخوان**!** که اگر چنین کنی، از ستمکاران خواهی بود**!**

خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿وَ ما ظَلَمْناهُمْ وَ لكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَما أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَ ما زادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ﴾ (هود: ۱۰۱)

ما به آنها ستم نکردیم؛ بلکه آنها خودشان بر خویشتن ستم روا داشتند**!** و هنگامی که فرمان مجازات الهی فرا رسید، معبودانی را که غیر از خدا می‌خواندند، آنها را یاری نکردند؛ و جز بر هلاکت آنان نیفزودند**!**

نه ـ استفاده از لفظ (شرک و شریک)

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد در مفهوم «شرک و شریک» عرضیت نهفته است نه طولیت و لذا آیاتی که در آن اشاره و تصریح به شرک شده

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک**، **در تاریخ**: ۹۰/۵/۳، قطع: **رقعی**، شاخه: ۸۹۰٦۷

را نمی‌توان بر موحدانی اطلاق کرد که نظر طولی به اولیای الهی داشــته و از این جهت آنان را صدا زده‌اند.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَ اعْبُدُوا اللهَ وَ لا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَ بِالْوالِـدَيْنِ إِحْسـاناً وَ بِـذِي الْقُرْبى وَ الْيَتامى وَ الْمَساكِينِ وَ الْجارِ ذِي الْقُرْبى وَ الْجارِ الْجُنُـبِ وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مـا مَلَكَـتْ أَيْمـانُكُمْ إِنَّ اللهَ لا يُحِبُّ مَنْ كانَ مُخْتالاً فَخُوراً﴾ (نساء: ٣٦)

و خدا را بپرستید! و هیچ چیز را همتای او قرار ندهیــد! و بــه پــدر و مادر، نیکی کنید؛ همچنین به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان، و همسایه نزدیک، و همسایه دور، و دوست و همنشین، و وامانــدگان در سفر، و بردگانی که مالک آنها هستید؛ زیرا خداوند، کسی را که متکبر و فخرفروش است، (و از ادای حقوق دیگران سرباز می‌زند،) دوست نمی‌دارد.

و می‌فرماید:

﴿قُلْ تَعالَوْا أَتْلُ ما حَـرَّمَ رَبُّكُـمْ عَلَـيْكُمْ أَلاَّ تُشْـرِكُوا بِـهِ شَـيْئاً وَ بِالْوالِدَيْنِ إِحْساناً وَ لا تَقْتُلُوا أَوْلادَكُمْ مِنْ إِمْلاقٍ نَحْنُ نَـرْزُقُكُمْ وَ إِيَّاهُمْ وَ لا تَقْرَبُوا الْفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَ مـا بَطَـنَ وَ لا تَقْتُلُـوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللهُ إِلاَّ بِالْحَقِّ ذلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُـمْ تَعْقِلُـونَ﴾ (انعام: ١٥١)

بگو: بیایید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده اســت برایتــان بخوانم: اینکه چیزی را شریک خدا قرار ندهید! و بــه پــدر و مــادر نیکی کنید! و فرزندانتان را از (ترس) فقر، نکشید! ما شما و آنها را

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ٩٠/٥/٣** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **٨٩٠٦٧**

روزی می‌دهیم؛ و نزدیک کارهای زشت نروید، چه آشکار باشد چه پنهان**!** و انسانی را که خداوند محترم شمرده، به قتل نرسانید**!** مگر به‌حق (و از روی استحقاق)؛ این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده، شاید درک کنید**!**

همچنین می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنَّما حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ وَ الإِثْمَ وَ الْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ أَنْ تُشْرِكُوا بِاللهِ ما لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطاناً وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللهِ ما لا تَعْلَمُونَ﴾ (اعراف: ۳۳)

بگو: خداوند، تنها اعمال زشت را، چه آشکار باشد چه پنهان، حرام کرده است؛ و (همچنین) گناه و ستم بناحق را؛ و اینکه چیزی را که خداوند دلیلی برای آن نازل نکرده، شریک او قرار دهید؛ و به خدا مطلبی نسبت دهید که نمی‌دانید.

خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهادَةً قُلِ اللهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ أُوحِيَ إِلَيَّ هذَا الْقُرْآنُ لأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ أَ إِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللهِ آلِهَةً أُخْرى قُلْ لا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّما هُوَ إِلهٌ واحِدٌ وَ إِنَّنِي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ﴾ (انعام: ۱۹)

بگو: بالاترین گواهی، گواهی کیست؟ (و خودت پاسخ بده و) بگو: خداوند، گواه میان من و شماست؛ و (بهترین دلیل آن این است که) این قرآن بر من وحی شده، تا شما و تمام کسانی را که این قرآن به آنها می‌رسد، بیم دهم (و از مخالفت فرمان خدا بترسانم). آیا به‌راستی شما گواهی می‌دهید که معبودان دیگری با خداست؟**!**

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

بگو: من هرگز چنین گواهی نمی‌دهم. بگو: اوست تنها معبود یگانه؛ و من از آنچه برای او شریک قرار می‌دهید، بیزارم!

و نیز می‌فرماید:

﴿قُلْ يا أَهْلَ الْكِتابِ تَعالَوْا إِلى كَلِمَةٍ سَواءٍ بَيْنَنا وَ بَيْنَكُمْ أَلاَّ نَعْبُدَ إِلاَّ اللهَ وَ لا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَ لا يَتَّخِذَ بَعْضُنا بَعْضاً أَرْباباً مِنْ دُونِ اللهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ (آل عمران: ٦٤)

بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را ـ غیر از خدای یگانه ـ به خدایی نپذیرد. هرگاه (از این دعوت،) سرباز زنند، بگویید: گواه باشید که ما مسلمانیم!

و می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللهَ لا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ ما دُونَ ذلِكَ لِمَنْ يَشاءُ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللهِ فَقَدِ افْتَرى إِثْماً عَظِيماً﴾ (نساء: ٤٨)

خداوند (هرگز) شرک را نمی‌بخشد! و پایین‌تر از آن را برای هر کس (بخواهد و شایسته بداند) می‌بخشد. و آن کسی که برای خدا، شریکی قرار دهد، گناه بزرگی مرتکب شده است.

همچنین می‌فرماید:

﴿وَ يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ ما لا يَضُرُّهُمْ وَ لا يَنْفَعُهُمْ وَ يَقُولُونَ هؤُلاءِ شُفَعاؤُنا عِنْدَ اللهِ قُلْ أَ تُنَبِّئُونَ اللهَ بِما لا يَعْلَمُ فِي السَّماواتِ وَ لا فِي الْأَرْضِ سُبْحانَهُ وَ تَعالى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ (یونس: ۱۸)

آنها غیر از خدا، چیزهایی را می‌پرستند که نه به آنان زیان

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

می‌رساند، و نه سودی می‌بخشد؛ و می گویند: اینها شفیعان ما نزد خدا هستند! بگو: آیا خدا را به چیزی خبر می‌دهید که در آسمان‌ها و زمین سراغ ندارد؟! منزه است او، و برتر است از آن همتایانی که قرار می‌دهند.

ده ـ اعتقاد به ملکیت در مورد معبودان

از ظاهر آیات قرآن کریم استفاده می‌شود که مشرکان در مورد بت‌ها و معبودان خود اعتقاد به ملکیت تدبیر و استقلال در تأثیر داشته‌اند. لذا قرآن از آنها نفی ملکیت می‌نماید.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿**قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللهِ لا يَمْلِكُونَ مِثْقالَ ذَرَّةٍ فِي السَّماواتِ وَ لا فِي الأَرْضِ وَ ما لَهُمْ فِيهِما مِنْ شِرْكٍ وَ ما لَهُ مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ**﴾ (سبأ: ۲۲)

بگو: کسانی را که غیر از خدا (معبود خود) می‌پندارید بخوانید! (آنها هرگز گرهی از کار شما نمی‌گشایند، چرا که) آنها به اندازه ذرّه‌ای در آسمان‌ها و زمین مالک نیستند، و نه در (خلقت و مالکیّت) آنها شریکند، و نه یاور او (در آفرینش) بودند.

از آنجا که «شرک» به معنای اعتقاد به ملکیت و استقلال در تأثیر و تدبیر است لذا در صدر آیه تعبیر به ﴿**لا يَمْلِكُونَ**﴾ آورده و در بخش دیگر از کلمه (شرک) استفاده کرده و می‌فرماید: ﴿**وَ ما لَهُ مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ**﴾ یعنی آن معبودها کمک کار و معین و یار و یاور خدا در نظام خلقت نیستند که ظهور در عرضیت دارد.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

یازده ـ استکبار در پذیرش توحید

مطابق آیات قرآن کریم هنگامی که خداوند متعال مشرکان را دعـوت به توحید می‌کرد آنان اسـتکبار ورزیـده و اسـتبعاد مـی‌نمودنـد و هرگـز راضی به دست برداشتن از شرک و اعتقاد به وحدت الوهیت، گرچـه بـه نحو طولیت نبودند.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّهُمْ كانُوا إِذا قِيلَ لَهُمْ لا إِلهَ إِلاَّ اللهُ يَسْتَكْبِرُونَ * وَ يَقُولُونَ أَ إِنَّا لَتارِكُوا آلِهَتِنا لِشاعِرٍ مَجْنُونٍ﴾ (صافات: ۳۵ و ۳٦)

چرا که وقتی به آنها گفته می‌شد: معبودی جز خـدا وجـود نـدارد، تکبّر و سرکشی می‌کردند... و پیوسته می‌گفتند: آیا ما معبودان خود را به‌خاطر شاعری دیوانه رها کنیم؟!

دوازده ـ تعجب مشرکان از دعوت به توحید

مشـرکان از دعـوت بـه توحیـد و نفـی شـرک و تعـدد آلهـه در عرض خداوند متعال تعجب می‌کردنـد و لـذا قـرآن کـریم دربـاره آنـان می‌فرماید:

﴿وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِينَ * وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هامانَ وَ جُنُودَهُما مِنْهُمْ ما كانُوا يَحْذَرُونَ﴾ (قصص: ۵ و ٦)

ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منّـت نهـیم و آنـان را پیشـوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم! و حکومتشـان را در زمـین پابرجـا سازیم؛ و بـه فرعـون و هامـان و لشکریانشـان، آنچـه را از آنهـا [بنی‌اسرائیل] بیم داشتند نشان دهیم!

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک**، **در تاریخ**: **۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

سیزده ـ اعتقاد به استقلال در ولایت و سلطه

مشرکان معتقد به ولایت و سلطه معبودان خود داشته و آنان را در این امر شریک خدا می‌دانستند و معتقد به تدبیر و اطعام به نحو استقلال بودند.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿**قُلْ أَ غَيْرَ اللهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فاطِرِ السَّماواتِ وَ الأَرْضِ وَ هُوَ يُطْعِمُ وَ لا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَ لا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ**﴾ (انعام: ١٤)

بگو: آیا غیر خدا را ولی خود انتخاب کنم؟! (خدایی) که آفریننده آسمان‌ها و زمین است؛ اوست که روزی می‌دهد، و از کسی روزی نمی‌گیرد. بگو: من مأمورم که نخستین مسلمان باشم؛ و (خداوند به من دستور داده که) از مشرکان نباش!

چهارده ـ اشمئزار مشرکان از دعوت به وحدانیت

دلیل دیگر بر اینکه مشرکان معتقد بودند که بت‌ها و معبودانشان عِدل خدا بوده و مستقل در تدبیر هستند اینکه هرگاه آنان به وحدانیت خدا دعوت می‌شدند، مشمئز شده و حالت انزجار به خود می‌گرفتند.

خداوند متعال درباره مشرکان می‌فرماید:

﴿**وَ إِذا ذُكِرَ اللهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالآخِرَةِ وَ إِذا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ**﴾ (زمر: ٤٥)

هنگامی که خداوند به یگانگی یاد می‌شود، دل‌های کسانی که به آخرت ایمان ندارند، مشمئزّ (و متنفّر) می‌گردد؛ امّا هنگامی که از معبودهای دیگر یاد می‌شود، آنان خوشحال می‌شوند.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ٩٠/٥/٣، قطع: رقعی، شاخه: ٨٩٠٦٧

و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

﴿...أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللهُ خالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُوَ الْواحِدُ الْقَهَّارُ﴾ (رعد: ١٦)

آیا آنها همتایانی برای خدا قرار دادند به‌خاطر اینکه آنان همانند خدا آفرینشی داشتند، و این آفرینش‌ها بر آنها مشتبه شده است؟! بگو: خدا خالق همه چیز است؛ و اوست یکتا و پیروز!

خداوند متعال در ردّ اعتقاد مشرکان می‌فرماید:

﴿ما كانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللهُ الْكِتابَ وَ الْحُكْمَ وَ النُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِباداً لِي مِنْ دُونِ اللهِ﴾ (آل‌عمران: ٧٩)

برای هیچ بشری سزاوار نیست که خداوند، کتاب آسمانی و حکم و نبوّت به او دهد سپس او به مردم بگوید: غیر از خدا، مرا پرستش کنید!

و نیز می‌فرماید:

﴿وَ لا يَأْمُرَكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلائِكَةَ وَ النَّبِيِّينَ أَرْباباً أَ يَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ (آل‌عمران: ٨٠)

و نه اینکه به شما دستور دهد که فرشتگان و پیامبران را، پروردگار خود انتخاب کنید. آیا شما را، پس از آنکه مسلمان شدید، به کفر دعوت می‌کند؟

از این آیات استفاده می‌شود که مشرکان غیر خدا را عبادت می‌کردند که مورد مذمت واقع شده‌اند و یا آنکه فرشتگان و یا پیامبران را ربّ مستقل می‌دانستند.

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦٧**

شبهه: عقیده مشرکان به تأثیر طولی بت‌ها

وهابیان معتقدند مشرکان اعتقاد به طولیت در تأثیر بت‌ها دارند. آنان به این آیه تمسک کرده‌اند که خداوند می‌فرماید:

﴿وَ یَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ ما لا یَضُرُّهُمْ وَ لا یَنْفَعُهُمْ وَ یَقُولُونَ هؤُلاءِ شُفَعاؤُنا عِنْدَ اللهِ قُلْ أَ تُنَبِّئُونَ اللهَ بِما لا یَعْلَمُ فِي السَّماواتِ وَ لا فِي الأَرْضِ سُبْحانَهُ وَ تَعالی عَمَّا یُشْرِکُونَ﴾ (یونس: ۱۸)

آنها غیر از خدا، چیزهایی را می‌پرستند که نه به آنان زیان می‌رساند، و نه سودی می‌بخشد؛ و می‌گویند: اینها شفیعان ما نزد خدا هستند! بگو: آیا خدا را به چیزی خبر می‌دهید که در آسمان‌ها و زمین سراغ ندارد؟! منزه است او، و برتر است از آن همتایانی که قرار می‌دهند!

آنان می‌گویند: شرک بر دو قسم است: استقلالی و طولی و عقیده مشرکین از قسم دوم است؛ اعتقاد به طولیت نیز بر دو قسم است: یا دلیل بر آن وجود دارد یا ندارد. و به عبارت دیگر یا شفیع از جانب خداوند در شفاعت مأذون است یا نیست، در حالی که مأذون باشد مردم می‌توانند نزد آن وسائط رفته و حاجات خود را از آنان بخواهند، بر خلاف حالت دوم، و اشکالی که متوجه مشرکان است آن است که از قسم غیر مأذون می‌باشد؛ زیرا اگرچه آنان معتقدند که قدرت بت‌ها بر شفاعت در طول قدرت خداوند متعال است و آنان واسطه بین مخلوق و خالقند، ولی این اعتقاد دلیلی ندارد و لذا قرآن کریم آن را مورد مذمت قرار داده و می‌فرماید: **﴿قُلْ هَلْ عِنْدَکُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنا﴾**؛ «بگو: آیا دلیل روشنی (بر این موضوع) دارید؟ پس آن را به ما نشان دهید». (انعام: ۴۸)

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

و نیز می‌فرماید:

﴿أَلا لِلَّهِ الدِّينُ الْخالِصُ وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِياءَ ما نَعْبُدُهُمْ إِلاَّ لِيُقَرِّبُونا إِلَى اللهِ زُلْفى﴾ (زمر: ۳)

آگاه باشید که دین خالص از آن خداست، و آنها که غیر خدا را اولیای خود قرار دادند و دلیلشان این بود که: اینها را نمی‌پرستیم مگر به‌خاطر اینکه ما را به خداوند نزدیک کنند.

آنان می‌گویند که از این آیه نیز استفاده می‌شود، مشرکان اعتقاد به واسطه بودن بت‌ها داشته‌اند نه آنکه آنها را خدا و نظیر خداوند متعال بدانند.

پاسخ

☑ اولاً: همان‌گونه که قبلاً اشاره کردیم، ادلّه بسیاری وجود دارد که مشرکان دیدگاه استقلالی در مورد تأثیر و افعال و قدرت بت‌ها داشته و آنان را شریک در خلقت و تدبیر می‌دانستند.

☑ ثانیاً: آیاتی که شفاعت را مورد تأیید قرار داده در صورتی که به اذن خدا باشد این مطلب را تأیید می‌کند که مشرکان معتقد به شفاعت استقلالی و مستقل از خداوند سبحان بوده‌اند.

☑ ثالثاً: اعتقاد مشرکان به استقلال در شفاعت برای بت‌ها از ظاهر برخی آیات نیز استفاده می‌شود.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللهِ شُفَعاءَ قُلْ أَ وَ لَوْ كانُوا لا يَمْلِكُونَ شَيْئاً وَ لا يَعْقِلُونَ * قُلْ لِلَّهِ الشَّفاعَةُ جَمِيعاً لَهُ مُلْكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦٧

﴿ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ (زمر: ۴۳ و ۴۴)

آیا آنان غیر از خدا شفیعانی گرفته‌اند؟! به آنان بگو: آیا (از آنها شفاعت می‌طلبید) هر چند مالک چیزی نباشند و درک و شعوری برای آنها نباشد؟! بگو: تمام شفاعت از آن خداست، (زیرا) حاکمیّت آسمان‌ها و زمین از آن اوست و سپس همه شما به سوی او بازمی‌گردید!

در این دو آیه قرائنی وجود دارد که دلالت بر اعتقاد استقلالی مشرکان به شفاعت بت‌ها دارد از آن جمله:

۱. در آیه اول کلمه «شفعاء» بر بت‌ها اطلاق شده آن گاه در آیه دوم می‌فرماید: **﴿لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ﴾**، و می‌دانیم که شفاعت در آیه دوم به معنای واسطه‌گری نیست؛ زیرا معنا ندارد که بگوییم: واسطه‌گری مخصوص خداست، بلکه به این معناست که قدرت بر مساعدت و یاری، به خداوند متعال باز می‌گردد، و این معنا دلالت می‌کند بر اینکه مشرکان اعتقاد به استقلال بت‌ها در شفاعت داشته‌اند و اینکه بت‌ها در مساعدت و یاری مستقل و در عرض خدا عمل می‌کنند.

۲. جمله **﴿لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ﴾** دلالت بر حصرِ ملکیت شفاعت دارد و نیز جمله **﴿لَهُ مُلْكُ السَّماواتِ وَ الأَرْضِ﴾** دلالت بر ملکیت دارد، و در حقیقت با مفهوم آن، نفی ملکیت شفاعت و یاری و کمک به نحو ملکیت و استقلال از دیگران می‌کند. و این به نوبه خود دلالت دارد بر اینکه مشرکان دیدگاه استقلالی و به نحو ملکیت درباره بت‌های خود داشته‌اند.

۳. کلمه **﴿مِنْ دُونِ اللهِ﴾** که به معنای بریدن و قطع ارتباط تأثیر و اعمال قدرت از خداوند متعال است نیز شاهد و مؤیّد این مطلب است که

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

مشرکان اعتقاد استقلالی درباره بت‌ها در مورد شفاعت و یاری آنها داشته‌اند.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَ لَقَدْ جِئْتُمُونا فُرادی کَما خَلَقْناکُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ تَرَکْتُمْ ما خَوَّلْناکُمْ وَراءَ ظُهُورِکُمْ وَ ما نَری مَعَکُمْ شُفَعاءَکُمُ الَّذِینَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِیکُمْ شُرَکاءُ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَیْنَکُمْ وَ ضَلَّ عَنْکُمْ ما کُنْتُمْ تَزْعُمُونَ﴾ (انعام: ۹٤)

و (روز قیامت به آنها گفته می‌شود:) همه شما تنها به سوی ما بازگشت نمودید، همان‌گونه که روز اوّل شما را آفریدیم! و آنچه را به شما بخشیده بودیم، پشت سر گذاردید! و شفیعانی را که شریک در شفاعت خود می‌پنداشتید، با شما نمی‌بینیم! پیوندهای شما بریده شده است؛ و تمام آنچه را تکیه‌گاه خود تصوّر می‌کردید، از شما دور و گم شده‌اند.

از اینکه خداوند سبحان می‌فرماید: **﴿زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِیکُمْ شُرَکاءُ﴾** یعنی شما گمان می‌کردید که بت‌ها در میان شرکا نقش شریک خدا را ایفا می‌کنند استفاده می‌شود که مشرکان دیدگاه استقلالی درباره بت‌ها داشته‌اند؛ زیرا این معنا مفاد از کلمه «شریک» است.

علامه طباطبایی رحمه‌الله درباره اعتقاد مشرکان به استقلال در تأثیر بت‌ها می‌نویسد:

و انّما ذم تعالی المشرکین لقولهم ﴿ما نَعْبُدُهُمْ إِلاَّ لِیُقَرِّبُونا إِلَی اللهِ زُلْفی﴾، فاعطوهم الاستقلال و قصدوهم بالعبادة دون الله تعالی، و لو قالوا: انّما نعبد الله وحده و نرجو ان یشفع لنا اولیاؤه لما

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

کفروا بذلك و لعاد شرکاؤهم مثل الکعبة، فهي وجهة و لیست بمعبودة، و انّما یعبدالله بالتوجه الیها.[1]

خداوند متعال که مشرکان را مذمت کرده، به جهت گفته آنان است که (عبادت نمی‌کنیم آنها را مگر به جهت آنکه ما را به سوی خدا نزدیک گردانند)، آنان به معبودان خود صفت استقلال عطا کرده و آنها مقصود به عبادت بوده‌اند نه خداوند متعال، و اگر گفته بودند: ما تنها خداوند واحد را عبادت می‌کنیم و امیدواریم که اولیای او برای ما شفاعت کند، هرگز با این عمل کافر نمی‌شدند و شریکانشان همانند کعبه به حساب می‌آمدند که در حکم جهت می‌باشد نه آنکه معبود گردد، همانا خداوند با توجه به سوی کعبه عبادت می‌شود.

او نیز می‌فرماید:

انّ الوثنیة المبنیة علی الشرك اذا أمعنّا في حقیقة معناها وجدناها مبنیة علی اساس توحید الصانع و اثبات شفعاء عنده ﴿ما نَعْبُدُهُمْ إِلاَّ لِيُقَرِّبُونا إِلَى اللهِ زُلْفى﴾ و ان انحرفت فیما بعد عن مجراها و آل امرها إلی اعطاء الاستقلال و الاصالة للآلهة دون الله.[2]

اگر در حقیقت معنای بت‌پرستی که مبتنی بر شرک است خوب فکر کنیم درمی‌یابیم که آن مبتنی بر اساس توحید صانع و اثبات شفیعانی نزد خداوند است (ما عبادت نمی‌کنیم آنها را جز آنکه ما را به سوی خدا نزدیک سازند)گرچه بعدها از مجرای آن منحرف شده و امرش به اعطای استقلال و اصالت به خدایانی غیر از خداوند ختم گشت.

---

۱. المیزان، ذیل آیات ۳۶ ـ ۴۹.

۲. همان، ج۶، ص ۱۰۹.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

۲. از منظر روایات

در روایات نیز همانند آیات قرآن کریم به عقیدۀ مشرکان به طور تفصیل اشاراتی شده است، اینک برخی از آنها را ذکر می‌نماییم:

زید بن خالد جهنی می‌گوید:

صَلّی بِنَا رَسولُ اللهِ صلی الله علیه و آله صَلاَةَ الصُّبْحِ بِالْحُدَيْبِيَةِ فِي أَثَرِ سَمَاءٍ كَانَتْ مِنَ اللَّيْلَةِ، فَلَمَّا انْصَرَفَ أَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ فَقَالَ: هَلْ تَدْرُونَ مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ؟ قَالُوا: اَللهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ. قَالَ: قَالَ: أَصْبَحَ مِنْ عِبَادِي مُؤْمِنٌ بِي وَ كَافِرٌ؛ فَأَمَّا مَنْ قَالَ. مُطِرنَا بِفَضْلِ اللهِ وَ رَحْمَتِهِ فَذلِكَ مُؤْمِنٌ بِي وَ كَافِرٌ بِالْكَوْكَبِ وَ أَمَّا مَنْ قَالَ: مُطِرنَا بِنَوْءِ كَذَا وَ كَذَا، فَذلِكَ كَافِرٌ بِي وَ مُؤْمِنٌ بِالْكَوْكَبِ.[1]

رسول خدا صلی الله علیه و آله با ما در حدیبیه نماز صبح را زیر آسمانی که بسیار تاریک بود به جای آورد و چون از نماز فارغ شد فرمود: آیا می‌دانید که پروردگار شما چه فرموده است؟ عرض کردند: خدا و رسولش بهتر می‌دانند. فرمود: صبح کرد از بندگانم مؤمن به من و کافر به من؛ اما کسی که گفت: ما به فضل و رحمت خدا به باران رسیدیم، او مؤمن به من و کافر به ستارگان است و اما کسی که بگوید: ما به واسطه فلان و فلان ستاره، باران داده شدیم او به من کافر شده و به ستاره ایمان آورده است.

ابوهریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود:

أَلَمْ تَرَوْا إِلى مَا قَالَ رَبُّكُمْ؟ قَالَ: مَا أَنْعَمْتُ عَلى عِبَادِي مِنْ نِعْمَةٍ إِلاَّ أَصْبَحَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِهَا كَافِرِينَ، يَقُولُونَ: الْكَوَاكِبَ، وَ

---

۱. صحیح مسلم، ح۷۱؛ صحیح بخاری، ح۸۴۶ و ۱۰۳۸ و ۷۵۰۳.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

بِالْكَوَاكِبِ.[1]

آیا نظر نکردید به آنچه که پروردگارتان فرمود؟ فرمود: نعمتی بر بندگانم ارزانی نکردم جز آنکه دسته‌ای از آنها به آن کافر شدند و می‌گویند: ستارگان، و به ستارگان.

ابوسعید خدری از رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله نقل کرده که فرمود:

لَوْ أَمْسَكَ اللهُ الْقَطْرَ عَنِ النَّاسِ سَبْعَ سِنِينَ ثُمَّ أَرْسَلَهُ، لأَصْبَحَتْ طَائِفَةٌ بِهِ كَافِرِينَ، يَقُولُونَ: مُطِرْنَا بِنَوْءِ الْمَجْدَحِ.[2]

اگر خداوند باران را از مردم هفت سال بگیرد و سپس بر آنان نازل گرداند، طائفه‌ای به او کافر می‌شوند و می‌گویند: ما به واسطه ستاره مجدح باران داده شدیم.

ابن عباس می‌گوید:

مُطِرَ النَّاسُ عَلى عَهْدِ النَّبِيِّ‌صلی‌الله‌علیه‌وآله فَقَالَ النَّبِيُّ‌صلی‌الله‌علیه‌وآله: أَصْبَحَ مِنَ النَّاسِ شَاكِرٌ وَ مِنْهُمْ كَافِرٌ. قَالُوا: هذِهِ رَحْمَةُ اللهِ. وَ قَالَ بَعْضُهُمْ: لَقَدْ صَدَقَ نَوْءُ كَذَا وَ كَذَا. قَالَ: فَنُزِلَتْ هذِهِ الآيَةُ: ﴿فَلا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ﴾[3] حتّى بلغ ﴿وَ تَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ﴾[4].[5]

بر مردم در عصر پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله باران فرستاده شد، حضرت فرمود: امروز عده‌ای شکرگزار و برخی نیز کافر شدند. عرض کردند: این رحمت خداست. و برخی گفتند: ستاره فلانی و فلانی صادق آمد. ابن عباس

---

۱. صحیح مسلم، ح۷۲.

۲. مسند احمد، ح۱۱۰۴۲؛ صحیح ابن حبان، ح۶۱۳۰.

۳. واقعه: ۷۵.

۴. واقعه: ۸۲.

۵. صحیح مسلم، ح۷۳.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

گفت: این آیه نازل شد: (سوگند به جایگاه ستارگان و محل طلوع و غروب آنها) تا اینکه رسید به اینجا (و به جای شکر روزی‌هایی که به شما داده شده آن را تکذیب می‌کنید؟)

معاویه لیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود:

یَکُونُ النَّاسُ مُجْدِبِینَ، فَیُنْزِلُ اللهُ تَبَارَكَ وَ تَعالی عَلَیْهِمْ رِزْقاً مِنْ رِزْقِهِ، فَیُصْبِحُونَ مُشْرِکِینَ. فَقِیلَ لَهُ: وَ کَیْفَ ذَاكَ یَا رَسُولَ اللهِ! قَالَ یَقُولُونَ: مُطِرْنَا بِنَوْءِ کَذَا وَ کَذَا.[1]

مردم در قحطی به سر می‌برند، و خداوند تبارک و تعالی بر آنان از روزی خود نازل می‌کند ولی آنان مشرک می‌شوند. به او عرضه شد: چگونه این چنین می‌شود ای رسول خدا! فرمود: می‌گویند با فلان و فلان ستاره، باران داده شدیم.

ترمذی به سندش از عدی بن حاتم نقل کرده که گفت:

أَتَیْتُ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله وَ فِي عُنُقِي صَلِیبٌ مِنْ ذَهَبٍ فَقَالَ: یَا عَدِيُّ! اطْرَحْ عَنْكَ هَذَا الْوَثَنَ مِنْ عُنُقِكَ. فَطَرَحْتُهُ فَانْتَهَیْتُ إِلَیْهِ وَ هُوَ یَقْرَأُ سُورَةَ بَرَائَةٍ. فَقَرَأَ هذِهِ الآیَةَ: ﴿اتَّخَذُوا أَحْبارَهُمْ وَ رُهْبانَهُمْ أَرْباباً مِنْ دُونِ اللهِ﴾ حَتّی فَرَغَ مِنْهَا. فَقُلْتُ: إِنَّا لَسْنَا نَعْبُدُهُمْ. فَقَالَ: أَلَیْسَ یُحَرِّمُونَ مَا أَحَلَّ اللهُ فَتُحَرِّمُونَهُ وَ یُحِلُّونَ مَا حَرَّمَ اللهُ فَتَسْتَحِلُّونَهُ؟ قُلْتُ: بَلی. قَالَ: فَتِلْكَ عِبَادَتُهُمْ.[2]

خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمدم در حالی که در گردنم صلیبی از طلا بود. حضرت فرمود: ای عدی! این بت را از گردنت دور انداز. من آن را

---

۱. مسند احمد، ح۱۵۵۳۷؛ مسند طیالسی، ح۱۲۶۲.

۲. سنن ترمذی، ح۳۰۹۵؛ المعجم الکبیر، طبرانی، ج۷، ص ۲۱۸.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

دور انداخته و خدمت حضرت رسیدم در حالی که سوره برائت را قرائت می‌کرد. این آیه را تلاوت نمود: (دانشمندان و راهبان خود را اربابی غیر از خدا گرفته‌اند) تا آنکه از آن فارغ شد. عرض کردم: ما آنها را عبادت نمی‌کنیم. حضرت فرمود: آیا این‌گونه نیست که آنان، حلال خدا را حرام می‌کنند و شما نیز حرام می‌دانید، و حرام خدا را حلال می‌کنند و شما نیز حلال می‌شمارید؟ گفت: آری، حضرت فرمود: این همان عبادت آنان است.

از این حدیث استفاده می‌شود که مشرکان معتقد بودند که بزرگانشان ربّ و پروردگار و قانون‌گذار مستقل در برابر خداوند متعال می‌باشند.

۳. از منظر تاریخ

با رجوع به کتب و نقل‌های تاریخ، می‌توان به نحوهٔ عقیدهٔ مشرکان صدر اسلام پی‌برد.

ابن عاشور می‌گوید:

... فالعرب كان أصل دينهم في الجاهلية عبادة الأصنام، و سرت إليهم معها عقائد من اعتقاد سلطة الجن و الشياطين و نحو ذلك. فكان العرب يثبتون الجن و ينسبون إليهم التصرفات، فلأجل ذلك كانوا يتقون الجن و ينتسبون إليها و يتخذون له المعاذات و الرقي و يستجلبون رضاها بالقرابين و ترك تسمية الله على بعض الذبائح...[1]

... عرب اصل دینش در جاهلیت پرستش بت‌ها بود و همراه آن عقایدی از اعتقادات از قبیل سلطه جن و شیاطین و امثال آنها در بین

---

۱. التحریر و التنویر، ج ۶، صص ۲۴۳ و ۲۴۴.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

آنان سرایت یافت. لذا عرب‌ها جن را اثبات کرده و به آنها تصرفاتی را نسبت می‌دادند، و بدین جهت مشرکان از جن ترس داشته و خود را به آنها نسبت می‌دادند و برای آن دعاها و دستورها می‌گرفتند و رضایت آنها را با اعمال تقربی و ترک نام خدا بر بعضی از حیوانات ذبح شده جلب می‌نمودند.

ابن عبدالبر در شرح حال «ضمام بن ثعلبه» از «ابن عباس» نقل کرده که گفت:

بعث بنو سعد بن بکر ضمام بن ثعلبة وافداً إلی رسول الله صلی الله علیه وآله فقدم علیه... قال: یابن عبدالمطلب! انّي سائلك و مغلظ علیك في المسألة فلا تجدن في نفسك. قال: لا اجد في نفسي، سل عمّا بدالك. قال: أنشدك بالله! الهك و اله من كان قبلك و اله من هو كائن بعدك، الله امرك ان نعبده وحده لا نشرك به شیئاً و ان نخلع هذه الأوثان التي كان آباؤنا یعبدون معه؟! قال: اللّهم نعم...

قال: فأتی بعیره فاطلق عقاله، ثم خرج حتّی قدم علی قومه فاجتمعوا الیه، فكان اول ما تكلم به ان قال: بئست اللات و العزی! قالوا: مه یا ضمام، اتق البرص، اتق الجذام، اتق الجنون. قال: و یلكم، انهما و الله ما تضران و ما تنفعان.[1]

«بنی‌سعد بن بکر ضمام بن ثعلبه» را به سوی رسول خدا صلی الله علیه وآله فرستادند، و او بر آن حضرت وارد شد... گفت: ای پسر عبدالمطلب! از تو سؤالی دارم و در این مسأله بر تو سخت می‌گیرم و چیزی را بر من فروگذار مکن. حضرت فرمود: هر چه بپرسی به تو می‌گویم

۱. الاستیعاب، ج ۲، صص ۳۰۴ و ۳۰۵.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

و چیزی را فروگذار نمی‌کنم. او گفت: تو را به خدا سوگند! خدای تو و خدای کسانی که قبل تو بودند و خدای کسانی که بعد از تو خواهند آمد، آیا خداوند تو را دستور داده تا او را به تنهایی بپرستیم و به او هیچ شرکی نورزیم، و اینکه این بت‌هایی را که پدرانمان با خدا می‌پرستیدند رها کنیم؟! حضرت فرمود: آری...

او به سراغ شتر خود آمد و پابند را از او برداشت و از آنجا بیرون آمد تا بر قومش وارد شد، همگی نزد او اجتماع کردند، و او اولین سخنی که گفت این بود که: لات و عزا بد هستند! آنان گفتند: دست از این حرف بردار ای ضمام! و از برص بپرهیز، از جذام بپرهیز، از جنون بپرهیز. او گفت: وای بر شما! به خدا سوگند! به طور حتم آن دو نه ضرر به کسی می‌رسانند و نه نفع.

ابن حجر در ترجمه و شرح حال «زنیره» از سعد بن ابراهیم نقل کرده که گفت:

كانت زنيرة رومية فاسلمت، فذهب بصرها، فقال المشركون: اعمتها اللات و العزى. فقالت: اني كفرت باللات و العزى. فردّ الله بصرها.[1]

زنیره رومیه اسلام آورد و چشمش کور شد، مشرکان گفتند: لات و عزی او را کور کردند. زنیره گفت: من به لات و عزی کافر شده‌ام، در این هنگام خداوند چشمان او را بازگرداند.

بدرالدین حوثی می‌نویسد:

... دلّت هذه الآيات الكريمة و امثالها من القرآن على انّ دعاء

---

۱. الاصابة، ج ۸، ص ۹۱.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

المشركين و عبادتهم و اتخاذهم من دون الله آلهة كان على وجه الاعتقاد فيهم انّهم ينفعون و يضرون بما ليس إلاّ لله ربّ العالمين، فكان الردّ عليهم بابطال هذا الإعتقاد و بيان انّ الملك لله وحده، كما انّ له الربوبية وحده. ولم نعرف حقيقة اسم الشرك و اسم عبادتهم لغيرالله إلاّ بهذا المعني الذي كثر استعماله عندهم و صار هو المتبادر، فهو الأصل في تفسير الشرك و العبادة؛ لأنّه هو الثابت بالدليل القرآني الثابت في كثير من سور القرآن. و من ادعي غيره فعليه البيان.[1]

... این آیات کریمه و امثال آنها از قرآن دلالت دارد بر اینکه صدا زدن مشرکان و عبادت آنان و از غیر خدا خدایانی را برای خود انتخاب کردن همراه با این اعتقاد بوده که آنان نفع می‌رسانند و ضرر می‌زنند؛امری که تنها در حیطه کار پروردگار عالمیان است، و ردّ بر آنان به ابطال این اعتقاد است و بیان اینکه سلطنت و سلطه و ملکیت تنها برای او می‌باشد، همان‌گونه که ربوبیت تنها برای اوست. و ما حقیقت اسم شرک و اسم عبادت آنان غیر خدا را نمی‌شناسیم جز به این معنا که استعمال آن نزد آنان زیاد بوده و متبادر به ذهن همین است، و آن اصل در تفسیر شرک و عبادت می‌باشد؛ زیرا این معنا به دلیل قرآنی ثابت است که در بسیاری از سوره‌های قرآن وجود دارد، و هرکس غیر آن را ادعا کند باید به بیان آن بپردازد.

در کلام بدرالدین حوثی به اعتقاد مشرکان به عرضیت تصرف اولیا

۱. الایجاز فی الردّ علی فتاوی الحجاز، حوثی، ص ۴۷.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

اشاره شده؛ امری که هرگز در اعتقاد موحدان نسبت به اولیا وجود ندارد.

علی الدین محیی الدین در مقاله خود به نام «عبادة الارواح (القوی الخفیة) فی المجتمع العربی الجاهلی» می‌گوید:

و اتخذت عبادة الارواح اشکالا اخری کعبادة الجن أو تعدد الجنّ؛ و ذلك تودداً لتلك القوة الخفية الرهيبة التي يتوهم الانسان أنّها تستطيع ان تلحق به الأذی اوانه يستطيع استخدامها إذا فهم اسرارها و استطاع استئناسها لأغراض هي في الغالب شريرة.

و كذلك عبادة الملائكة كأرواح سماوية، و عبادة النجوم و الكواكب و غير ذلك. و السبب الرئيسي لهذا الاعتقاد هو ارتباط معيشتهم بالطبيعة حيث تتوقف حياتهم على المطر كما يتوقف سير قوافلهم على النجوم و الكواكب السيارة مثل الكلدانيين و كهنة بابل الذين عبدوا الكواكب و اتقنوا فن الاسترشاد بالنجوم.[1]

پرستش ارواح شکل‌های دیگری به خود گرفت؛ همچون پرستش جن یا تعدد جن؛ و این به جهت دوست داشتن با آن قوه مخفی است که در او وجود دارد و انسان خیال می‌کند که آن قوه می‌تواند به او آزار رسانده یا اینکه می‌تواند آن را استخدام کند در صورتی که اسرار آنها را بفهمد یا بتواند با آنها به جهت اغراضی که غالباً شرّ است، انس پیدا کند.

و همچنین است پرستش فرشتگان همچون ارواح آسمانی و پرستش ستارگان و سیارات و غیر آنها. و جهت اصلی این اعتقاد همان ارتباط زندگی و معیشت آنها با طبیعت است؛ زیرا زندگی آنها به

---

۱. الجزیرة العرب قبل الاسلام، ص ۱۵۷.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

باران وابسته می‌باشد؛ همان‌گونه که سیر قافله‌های آنان بر ستاره‌ها و سیارات متوقف بوده است؛ مثل کلدانی‌ها و کاهنان بابل که ستاره‌پرست بوده و فن راهنمایی از ستاره‌ها را خوب می‌دانستند.

فیروزآبادی نقل می‌کند:

كان غاوي بن عبدالعزى سادناً لصنم لبني‌سليم، فبينا هو عنده اذ أقبل ثعلبان يشتدان حتّى تسنماه فبا لا عليه. فقال البيت، ثمّ قال: يا معشر سليم! لا و الله لا يضر ولا ينفع ولا يعطي ولا يمنع، فكسره و لحق بالنبيﷺ، فقال: ما اسمك؟ فقال: غاوي بن عبدالعزى. فقال: بل أنت راشد بن عبد ربّه.[1]

غاوی بن عبدالعزی سرپرست بت «بنی‌سلیم» بود، یک وقت که او نزد آن بت بود ناگهان دو روباه آمدند که در شدت به سر می‌بردند تا اینکه بر آن بت تکیه داده و بر آن بول کردند. غاوی آن شعر معروف را سرود؛ و سپس گفت: ای جماعت سلیم! نه به خدا سوگند! هرگز این بت به شما ضرر یا نفع نمی‌رساند و عطا نکرده و نفع نمی‌دهد. او آن بت را شکست و به پیامبرﷺ ملحق شد. حضرت به او فرمود: اسمت چیست؟ او گفت: غاوی بن عبد العزی. حضرت فرمود: بلکه تو «راشد بن عبد ربّه» هستی.

---

۱. القاموس المحیط، ج ۱، ص ۸۰.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

پاسخ به شبهات وهابیت پیرامون شرک

بعد از بحثِ حقیقت شرک و شرک مشرکان صدر اسلام، اینک به بررسی شبهات و دیدگاه وهابیان در این زمینه می‌پردازیم:

شبهه اوّل: قتال رسول خداﷺ به جهت اخلاص در دعا

محمّد بن عبدالوهاب در وصف قریش می‌گوید:

كانوا يدعون الله سبحانه ليلا و نهاراً، ثمّ منهم من يدعو الملائكة لأجل صلاحهم و قربهم إلى الله ليستغفروا له أو يدعو رجلا صالحاً مثل اللات أو نبياً مثل عيسي، و عرفت انّ رسول اللهﷺ قاتلهم على هذا الشرك و دعاهم إلى اخلاص العبادة... فقاتلهم رسول اللهﷺ ليكون الدعاء كلّه لله و النذر كلّه و الذبح كلّه لله و الاستغاثة كلّها بالله، و جميع العبادات لله...[1]

مشرکان قریش، خداوند سبحان را شبانه روز می‌خواندند، ولی برخی از آنها ملائکه را به جهت صلاح و قربشان به خدا صدا می‌زدند تا برایشان استغفار کنند یا مرد صالحی را همانند بت لات می‌خواندند،

---

۱. کشف الشبهات، ص ۹.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

یا پیامبری همانند عیسی را صدا می‌زدند. و تو دانستی که رسول خداﷺ با آنان به جهت این شرک جنگید و آنان را به اخلاص در عبادت دعوت نمود... رسول خدا با آنان جنگید تا تمام دعا مخصوص خدا باشد و تمام نذر و ذبح و استغاثه و تمام عبادات مخصوص خدا گردد...

گفته شده که مشرکان صدر اسلام از آن جهت که فرشتگان را به جهت قربشان به خدا صدا زده و از آنان درخواست حاجت می‌کردند مورد نکوهش قرار گرفته‌اند، همان کاری که الآن نسبت به اولیا انجام می‌گیرد.

پاسخ

☑ اوّلاً: کفار، خدا را شبانه‌روز نمی‌خواندند بلکه بت‌ها را می‌خواندند و آنها را عبادت می‌نمودند. خداوند متعال از قول آنها می‌فرماید: ﴿**ما نَعْبُدُهُمْ إِلاَّ لِيُقَرِّبُونا إِلَى اللهِ زُلْفى**﴾؛ «اینها را نمی‌پرستیم مگر به‌خاطر اینکه ما را به خداوند نزدیک کنند». (زمر: ۳)

و نیز می‌فرماید: ﴿**قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ**﴾؛ «بگو: من از پرستش کسانی که غیر از خدا می‌خوانید، نهی شده‌ام». (انعام: ٥٦)

و نیز می‌فرماید:

﴿**حَتَّى إِذا جاءَتْهُمْ رُسُلُنا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قالُوا أَيْنَ ما كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ**﴾ (اعراف: ۳۷)

تا زمانی که فرستادگان ما [فرشتگان قبض ارواح] به سراغشان روند و جانشان را بگیرند؛ از آنها می‌پرسند: کجایند معبودهایی که غیر از خدا می‌خواندید؟

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

و می‌فرماید:

﴿**إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ عِبادٌ أَمْثالُكُمْ**﴾ (اعراف: ۱۹٤)

آنهایی را که غیر از خدا می‌خوانید (و پرستش می‌کنید)، بندگانی همچون خود شما هستند.

و از زبان کفار می‌فرماید:

﴿**قالُوا رَبَّنا هؤُلاءِ شُرَكاؤُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُوا مِنْ دُونِكَ**﴾ (نحل:۸٦)

می گویند: پروردگارا! اینها همتایانی هستند که ما به جای تو، آنها را می‌خواندیم.

و نیز می‌فرماید:

﴿**إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ لا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقاً**﴾ (عنکبوت: ۱۷)

آنهایی را که غیر از خدا پرستش می‌کنید، مالک هیچ رزقی برای شما نیستند.

☑ ثانیاً: خداوند متعال مشرکان را به این جهت مذمت کرده که بت‌ها یا ملائکه یا جن را می‌خواندند و از آنها حاجت می‌طلبیدند همراه با اعتقاد به رازقیت و ربوبیت مستقله.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿**اتَّخَذُوا أَحْبارَهُمْ وَ رُهْبانَهُمْ أَرْباباً مِنْ دُونِ اللهِ وَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَ ما أُمِرُوا إِلاَّ لِيَعْبُدُوا إِلهاً واحِداً لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ سُبْحانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ**﴾ (توبه: ۳۱)

(آنها) دانشمندان و راهبان خویش را معبودهایی در برابر خدا قرار

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

دادند، و (همچنین) مسیح فرزند مریم را؛ در حالی که دستور نداشتند جز خداوند یکتایی را که معبودی جز او نیست، بپرستند، او پاک و منزه است از آنچه همتایش قرار می‌دهند.

و نیز می‌فرماید:

﴿قُلِ ادْعُوا الَّذِینَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللهِ لا یَمْلِکُونَ مِثْقالَ ذَرَّةٍ فِي السَّماواتِ وَ لا فِي الأَرْضِ﴾ (سبأ: ۲۲)

بگو: کسانی را که غیر از خدا (معبود خود) می‌پندارید بخوانید! (آنها هرگز گرهی از کار شما نمی‌گشایند، چرا که) آنها به اندازه ذرّه‌ای در آسمان‌ها و زمین مالک نیستند.

و نیز می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِینَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ لا یَمْلِکُونَ لَکُمْ رِزْقاً﴾ (عنکبوت: ۱۷)

آنهایی را که غیر از خدا پرستش می‌کنید، مالک هیچ رزقی برای شما نیستند.

☑ ثالثاً: همان‌گونه که قبلاً ذکر نمودیم، مطلق صدا زدن و استغاثه، مخصوص خدا نیست، بلکه صدا زدنی مخصوص به خداست که با اعتقاد به استقلال باشد و استغاثه‌ای مخصوص به خداست که با نظر استقلال باشد، ولی اگر انسان در امور غیبی و غیر طبیعی، غیر خداوند را صدا زند و از او چیزی بخواهد، با این اعتقاد که او واسطه فیض خداست و خداوند به او برکت داده و حیات برزخی نیز در جای خود ثابت است، با این اعتقاد صدا زدن و چیزی را از غیر خدا خواستن اشکالی ندارد.

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳**، قطع: **رقعی**، شاخه: ۸۹۰٦۷

شبهه دوم: شرک اکبر بودن استغاثه به غیر خدا

شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز می‌گوید:

اگر کسی به پیامبر یا غیر از او از اولیا استغاثه کند به اعتقاد اینکه او دعایش را می‌شنود و از احوالش باخبر است و حاجتش را برآورده می‌کند اینها انواعی از شرک اکبر است.[۱]

پاسخ

☑ اوّلاً: اصل اعتقاد به سلطه غیبی برای غیر خداوند، ولی به اذن او از آیات قرآن استفاده می‌شود؛

الف) خداوند متعال از قول حضرت یوسف علیه السلام می‌فرماید: ﴿**اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هذا فَأَلْقُوهُ عَلى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيراً**﴾؛ «این پیراهن مرا ببرید، و بر صورت پدرم بیندازید، بینا می‌شود». (یوسف: ۹۳)

و در دنباله آیه فوق می‌فرماید:

﴿**فَلَمَّا أَنْ جاءَ الْبَشِيرُ أَلْقاهُ عَلى وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيراً**﴾ (یوسف: ۹۶)

امّا هنگامی که بشارت‌دهنده فرا رسید، آن (پیراهن) را بر صورت او افکند؛ ناگهان بینا شد.

ب) و درباره حضرت موسی علیه السلام می‌فرماید:

﴿**فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتا عَشْرَةَ عَيْناً**﴾ (بقره: ۶۰)

به او دستور دادیم عصای خود را بر آن سنگ مخصوص بزن! ناگاه دوازده چشمه آب از آن جوشید.

---

۱. مجموع فتاوای بن باز، ج ۲، ص ۵۵۲.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

ج) و درباره یکی از یاران حضرت سلیمان علیه السلام می‌فرماید:

﴿قالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قالَ هذا مِنْ فَضْلِ رَبِّي﴾ (نمل: ٤٠)

کسی که دانشی از کتاب (آسمانی) داشت گفت: پیش از آنکه چشم بر هم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد! و هنگامی که (سلیمان) آن (تخت) را نزد خود ثابت و پابرجا دید گفت: این از فضل پروردگار من است.

☑ ثانیاً: اگر مقصود آن است که شخصی که مرده، سلطه غیبی ندارد و ارتباطش با این عالم قطع شده است، این را در بحث حیات برزخی بحث خواهیم کرد.

☑ ثالثاً: در بحث علم غیب، علم غیب اولیای الهی به موضوعات، ثابت شده است.[۱]

☑ رابعاً: شرک اکبر عبارت است از عبادت غیر خدا و اعتقاد به الوهیت یا ربوبیت کسی که نسبت به او خضوع می‌کند، در حالی که استغاثه به غیر خدا و صدا زدن او، اگر همراه با اعتقاد به استقلال غیر خدا در تصرفات نباشد بلکه کارهایش تحت نظر خدا و به اذن او باشد، نه تنها اشکالی ندارد بلکه در راستای توحید است.

شبهه سوم: شرک بودنِ صدا زدن واسطه

ممکن است کسی بگوید که مشرکان، توحید در خالقیت و ربوبیت داشته‌اند و تنها به جهت صدا زدن واسطه‌ها مشرک بودند؛ زیرا خداوند

---

۱. ر.ک: کتاب «شیعه شناسی»، از مؤلف.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

متعال می‌فرماید:

﴿وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللهُ﴾

(زمر: ۳۸)

و هرگاه از آنان سؤال کنی: چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است؟ مسلّماً می‌گویند: الله.

و نیز می‌فرماید:

﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّماءِ وَ الأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَ الأَبْصارَ وَ مَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ مَنْ يُدَبِّرُ الأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللهُ فَقُلْ أَ فَلا تَتَّقُونَ﴾

(یونس: ۳۱)

بگو: چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؟ یا چه کسی مالک (و خالق) گوش و چشم‌هاست؟ و چه کسی زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می‌آورد؟ و چه کسی امور (جهان) را تدبیر می‌کند؟ به زودی (در پاسخ) می‌گویند: خدا، بگو: پس چرا تقوا پیشه نمی‌کنید (و از خدا نمی‌ترسید)؟!

پاسخ

☑ اولاً: از آیات دیگر استفاده می‌شود که مشرکان نسبت به بت‌ها و وسائط، اعتقاد ربوبیت یا خالقیت داشته‌اند؛ اینک به برخی از این آیات اشاره می‌کنیم:

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُباباً وَ لَوِ

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

اجْتَمَعُوا لَهُ﴾ (حج: ۷۳)

کسانی را که غیر از خدا می‌خوانید، هرگز نمی‌توانند مگسی بیافرینند، هر چند برای این کار دست به دست هم دهند!

و نیز می‌فرماید:

﴿أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ﴾ (رعد: ١٦)

آیا آنها همتایانی برای خدا قرار دادند به‌خاطر اینکه آنان، همانند خدا آفرینشی داشتند.

همچنین می‌فرماید:

﴿وَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ ما يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ﴾ (فاطر: ١٣)

و کسانی را که جز او می‌خوانید [و می‌پرستید] حتی به اندازه پوست نازک هسته خرما، مالک نیستند.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ أَ غَيْرَ اللهِ أَبْغِي رَبًّا وَ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَ لا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلاَّ عَلَيْها﴾ (انعام: ١٦٤)

بگو: آیا غیر خدا، پروردگاری را بطلبم، در حالی که او پروردگار همه چیز است؟! هیچ کس، عمل [بدی] جز به زیان خودش، انجام نمی‌دهد.

و نیز می‌فرماید:

﴿وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلى أَنْفُسِهِمْ أَ لَسْتُ بِرَبِّكُمْ قالُوا بَلى شَهِدْنا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هذا غافِلِينَ﴾ (اعراف: ١٧٢)

و [به خاطر بیاور] زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت؛ و آنها را گـواه بـر خویشـتن ساخت؛ [و فرمود:] آیا من پروردگار شـما نیسـتم؟ گفتنـد: آری، گواهی می‌دهیم! [و چنین کرد، مبادا] روز رستاخیز بگوییـد: مـا از این، غافل بودیم؛ [و از پیمان فطری توحید بی‌خبر ماندیم].

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿**اتَّخَذُوا أَحْبارَهُمْ وَ رُهْبانَهُمْ أَرْباباً مِـنْ دُونِ اللهِ وَ الْمَسِـيحَ ابْـنَ مَرْيَمَ وَ ما أُمِرُوا إِلاَّ لِيَعْبُدُوا إِلهاً واحِداً لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ سُبْحانَهُ عَمَّـا يُشْرِكُونَ**﴾ (توبه: ۳۱)

[آنها] دانشمندان و راهبان خویش را معبودهایی در برابر خدا قـرار دادند، و [همچنین] مسیح فرزند مریم را؛ در حالی که دستور نداشتند جز خداوند یکتایی را که معبودی جز او نیست، بپرستند، او پاک و منزه است از آنچه همتایش قرار می‌دهند!

و نیز می‌فرماید:

﴿**وَ لا يَتَّخِذَ بَعْضُنا بَعْضاً أَرْباباً مِنْ دُونِ اللهِ**﴾ (آل عمران: ٦٤)

و بعضی از ما، بعضی دیگر را ـ غیر از خدای یگانه ـــ بـه خـدایی نپذیرد.

و می‌فرماید:

﴿**وَ لا يَأْمُرَكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلائِكَةَ وَ النَّبِيِّينَ أَرْباباً**﴾ (آل‌عمران: ۸۰)

و نه اینکه به شما دستور دهد که فرشتگان و پیامبران را، پروردگار خود انتخاب کنید.

☑ ثانیاً: آیه مورد بحث در مورد محاجّه با مشـرکان بـوده و درصـدد اثبات این مطلب است که اگر آنان در امور ذکر شده تأمّل نمایند، به ایـن

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک**، **در تاریخ**: ۹۰/۵/۳ ، قطع: **رقعی**، شاخه: ۸۹۰٦۷

نتیجه می‌رسند که خالق و مدبّر بالاصاله تنها خداست، گرچه به زبان نمی‌آورند.

لذا خداوند متعال در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿**قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّماواتِ وَ الأَرْضِ قُلِ اللهُ**﴾؛ «بگو: چه کسی شما را از آسمان‌ها و زمین روزی می‌دهد؟ بگو: الله». (سبأ: ۲٤)

همچنین می‌فرماید:

﴿**إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ لا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقاً**﴾ (عنکبوت: ۱۷)

آنهایی را که غیر از خدا پرستش می‌کنید، مالک هیچ رزقی برای شما نیستند.

علامه طباطبایی رحمه‌الله در تفسیر این آیه می‌فرماید:

احتجاج آخر على المشركين من جهة الرزق الّذي هو الملاك العمدة في اتخاذهم الآلهة؛ فانّهم يتعلّلون في عبادتهم الآلهة بانّها ترضيهم فيوسعون لهم في رزقهم فيسعدون بذلك، فأمر النبي صلی‌الله‌علیه‌وآله ان يسألهم من يرزقهم من السماوات و الأرض؟ و الجواب عنه انّه الله سبحانه؛ لانّ الرزق خلق في نفسه و لا خالق ـ حتّى عند المشركين ـ إلاّ الله عزّ اسمه، لكنه يستنكفون عن الاعتراف به بألسنتهم و ان أذعنت به قلوبهم و لذلك امر ان ينوبهم في الجواب فقال: (قُلِ اللهُ)...[1]

احتجاج دیگری است بر مشرکان از جهت رزقی که ملاک عمده در خدا دانستن آنان است؛ زیرا مشرکان در عبادت کردن بت‌ها

---

۱. المیزان، ج ۱۶، ص ۳۷۴.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

چنین علت می‌آوردند که، آن بت‌ها از ما راضی شده و در نتیجه در روزی ما توسعه می‌دهند و از این راه ما به سعادت می‌رسیم؛ خداوند به پیامبرش دستور داد تا از آنها بپرسد که چه کسی از آسمان‌ها و زمین برایشان روزی می‌فرستد؟ جواب آن این است که تنها خداست که روزی‌رسان می‌باشد؛ زیرا رزق به خودی خود مخلوقی از مخلوقات خدا است و حتی نزد مشرکان هم، خالقی به جز خدای عزیز نیست، ولی آنان از اعتراف زبانی نسبت به آن مضایقه می‌کردند گرچه قلوبشان به این امر اذعان داشت، و لذا خداوند به پیامبرش دستور داد تا به نیابت از آنان بگوید: (خدا)...

شبهه چهارم: شرک بودنِ درخواست قوت و عزت از غیر خدا

ممکن است کسی بگوید: از آیات قرآن استفاده می‌شود که عزت، ولایت، قوت و شفاعت و ... همگی از آنِ خداست و لذا از غیر او خواستن، شرک است.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿**ما لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لا شَفِيعٍ**﴾؛ «هیچ سرپرست و شفاعت‌کننده‌ای برای شما جز او نیست». (سجده: ٤)

و نیز می‌فرماید: ﴿**فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً**﴾؛ «پس بدرستی که همه عزّت‌ها از آن خداست». (نساء: ۱۳۹)

و نیز می‌فرماید: ﴿**أَنَّ الْقُوَّةَ لله جَمِيعاً**﴾؛ «تمامِ قدرت، از آنِ خداست». (بقره: ١٦٥)

و نیز می‌فرماید:

﴿**قُلْ يا أَهْلَ الْكِتابِ تَعالَوْا إِلى كَلِمَةٍ سَواءٍ بَيْنَنا وَ بَيْنَكُمْ أَلاَّ نَعْبُدَ**

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

إِلاَّ اللهَ وَ لا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَ لا يَتَّخِذَ بَعْضُنا بَعْضاً أَرْباباً مِنْ دُونِ اللهِ...﴾ (آل‌عمران: ٦٤)

بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را ــ غیر از خدای یگانه ــ به خدایی نپذیرد...

پاسخ

با جمع بین این آیات و آیات دیگر به دست می‌آید که عزت، قوّت، ولایت، تدبیر و ... بالاصاله از آنِ خداوند است، ولی به هر کس که بخواهد می‌دهد و او می‌تواند به اذن خدا إعمال کند.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿**فَالْمُدَبِّراتِ أَمْراً**﴾؛ «و آنها که امور را تدبیر می‌کنند». (نازعات: ٥)

و نیز می‌فرماید: ﴿**وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ**﴾؛ «در حالی که عزّت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است». (منافقون: ٨)

همچنین می‌فرماید:

﴿**إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا...**﴾ (مائده: ٥٥)

سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند... .

و می‌فرماید:

﴿**الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الأُمِّيَّ... فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّرُوهُ...**﴾ (اعراف: ١٥٧)

همان‌ها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امّی» پیروی می‌کنند... پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت و یاریش کردند...

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک**، **در تاریخ**: **٩٠/٥/٣** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **٨٩٠٦٧**

و نیز می‌فرماید:

﴿وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (توبه: ۷۱)

مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف، و نهی از منکر می‌کنند.

بنابراین، ما نیز می‌توانیم به سراغ وسائط رفته و از آنها حاجت بخواهیم ولی همراه با این اعتقاد که تمام امور به دست قدرت با کفایت الهی است و اوست که این آثار را در وسائط قرار داده است، و آنها هر کاری که انجام می‌دهند به اذن و مشیت الهی است.

شبهه پنجم: مشرک بودن اکثر مردم

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَ ما يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللهِ إِلاَّ وَ هُمْ مُشْرِكُونَ﴾؛ «و بیشتر آنها که مدعی ایمان به خدا هستند، مشرکند». (یوسف: ۱۰۶)

گفته شده بسیاری از مدعیان ایمان به جهت انجام برخی کارها مشرک هستند.

پاسخ

☑ اولاً: این آیه اشاره به مراتب شرک عقیدتی، بعد از مرحله توحید در ذات دارد که در بسیاری از افراد موجود است، و مقصود از آن شرک در برخی صفات ثبوتی، غیر از توحید ذاتی می‌باشد.

☑ ثانیاً: ممکن است که آیه فوق اشاره به برخی از مراحل شرک عملی داشته باشد، که از آن به ریا و سمعه و شرک خفی تعبیر می‌شود.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

☑ ثالثاً: آیه فوق به توسل و استغاثه به ارواح اولیـای الهـی و... بـا آن معنا و توجیهی که ذکر کردیم، ارتباط ندارد زیرا نه تنهـا خـلاف توحیـد نیست بلکه در راستای آن می‌باشد.

شبهه ششم: شرک در این زمان اکبر از شرک جاهلیت

محمّد بن عبدالوهاب می‌گوید: همانا شرک اولین، خفیف‌تر از شـرک اهل زمان ما می‌باشد به دو جهت: یکی اینکـه اولـی‌هـا، ملائکـه و اولیـا و بت‌ها را تنها در حال سختی می‌خواندنـد نـه راحتـی همـان‌گونـه کـه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَ إِذا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلاَّ إِيَّاهُ فَلَمَّا نَجَّاكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَ كانَ الإِنْسانُ كَفُوراً﴾ (اسراء: ٦٧)

و هنگامی که در دریا ناراحتی به شما برسد، جز او، تمام کســانی را که (برای حل مشکلات خود) می‌خوانید، فرامـوش مـی‌کنیـد؛ امـا هنگامی که شما را به خشکی نجات دهد، روی می‌گردانید و انسان، بسیار ناسپاس است.

و نیز می‌فرماید:

﴿قُلْ أَ رَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتاكُمْ عَـذابُ اللهِ أَوْ أَتَـتْكُمُ السَّـاعَةُ أَ غَيْـرَ اللهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ * بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِـفُ مـا تَـدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شاءَ وَ تَنْسَوْنَ ما تُشْرِكُونَ﴾ (انعام: ٤٠ و ٤١)

بگو: به من خبر دهید اگر عذاب پروردگار به سراغ شـما آیـد، یـا رستاخیز برپا شود، آیا (برای حل مشـکلات خـود) غیـر خـدا را می‌خوانید اگر راست می‌گویید؟! (نه،) بلکه تنها او را مـی‌خوانیـد!

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳ ، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

و او اگر بخواهد، مشکلی را که به‌خاطر آن او را خوانده‌اید، برطرف می‌سازد؛ و آنچه را (امروز) همتای خدا قرار می‌دهید، (در آن روز) فراموش خواهید کرد.

و نیز می‌فرماید:

﴿وَ إِذا مَسَّ الْإِنْسانَ ضُرٌّ دَعا رَبَّهُ مُنِيباً إِلَيْهِ ثُمَّ إِذا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ ما كانَ يَدْعُوا إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَ جَعَلَ لِلَّهِ أَنْداداً لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلاً إِنَّكَ مِنْ أَصْحابِ النَّارِ﴾ (زمر: ۸)

هنگامی که انسان را زیانی رسد، پروردگار خود را می‌خواند و به سوی او باز می‌گردد؛ امّا هنگامی که نعمتی از خود به او عطا کند، آنچه را به خاطر آن قبلاً خدا را می‌خواند از یاد می‌برد و برای خداوند همتایانی قرار می‌دهد تا مردم را از راه او منحرف سازد؛ بگو: چند روزی از کفرت بهره گیر که از دوزخیانی.

و نیز می‌فرماید:

﴿وَ إِذا غَشِيَهُمْ مَوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعَوُا اللهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾ (لقمان: ۳۲)

و هنگامی که (در سفر دریا) موجی همچون ابرها آنان را بپوشاند خدا را با اخلاص می‌خوانند.

و امر دوم آن است که گذشتگان همراه با خدا افراد مقربی از انبیا و اولیا و ملائکه را می‌خوانده و یا درخت‌ها و سنگ‌هایی را صدا می‌زدند، ولی مطیع خدا بودند و او را معصیت نمی‌کردند، امّا اهل زمان ما با خدا کسانی را می‌خوانند که از فاسق‌ترین مردمند...[1]

---

۱. المجموع المفید، شرح کشف الشبهات، صص ۶۶ ـ ۶۹.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰۶۷

پاسخ

☑ اوّلاً: ما در حال سختی و راحتی، همه امور را مرتبط به خداوند متعال دانسته و زمام امور را به دست او می‌دانیم، و اگر به سراغ وسائط آن هم در هنگام سختی‌ها می‌رویم بدین‌جهت است که خداوند ما را به رجوع به آنها هدایت کرده تا از فیوضات آنها بهره ببریم و می‌دانیم که آنها کاری را بدون اذن و اراده خداوند انجام نمی‌دهند. و نیز می‌دانیم که به طور حتم دعای آنها در استجابت حاجات انسان تأثیرگذار است.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَ ما أَرْسَلْنا مِنْ رَسُولٍ إِلاَّ لِيُطاعَ بِإِذْنِ اللهِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللهَ تَوَّاباً رَحِيماً﴾ (نساء: ٦٤)

ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای اینکه به فرمان خدا، از وی اطاعت شود. و اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم می‌کردند (و فرمان‌های خدا را زیر پا می‌گذاردند)، به نزد تو می‌آمدند؛ و از خدا طلب آمرزش می‌کردند؛ و پیامبر هم برای آنها استغفار می‌کرد؛ خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.

☑ ثانیاً: همیشه مسلمانان به اولیای الهی و در رأس آنها به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله متوسل می‌شوند و هرگز شخص فاسقی را برای واسطه فیض الهی بودن قابل ندانسته و مورد توجّه خود قرار نداده‌اند. آری ممکن است برخی از فرقه‌ها باشند که افراد فاسقی را مورد توجّه قرار داده و در حدّ بسیار زیاد ملجأ و پناه حقیقی خود بدانند که ما مسلمانان از آنان تبری جسته و قبول نداریم.

پرینت: ٦، پس از: غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی، مجری: جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳، قطع: رقعی، شاخه: ۸۹۰٦۷

کتابنامه

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

۱. الاغاثة بادلة الاستغاثه، حسن بن علی سقاف شافعی، اردن.

۲. الایجاز فی الردّ علی فتاوی الحجاز، بدر الدین حوثی، صنعا، مکتبة الیمن الکبری.

۳. تاج العروس، مرتضی زبیدی، دارالليبيا.

۴. التبرک و التوسل و الصلح مع العدو الصهیونی، تهران، مشعر.

۵. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، علامه مصطفوی، تهران وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی.

۶. تهذیب اللغة، ازهری، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۷. تیسیر العزیز الحمید، شیخ سلیمان بن عبدالله آل الشیخ، چاپ اول، قاهره، مکتبة التراث الاسلامی، ۱۴۱۶ه .ق.

۸. الجامع الأحکام القرآن، قرطبی، قاهره، دارالحدیث، ۱۴۲۳ه .ق.

۹. الجزیرة العرب قبل الاسلام، علی الدین محیی الدین، چاپ اول، مکة مکرمه، جامعة الملک آل سعود، ۱۴۰۴ه .ق.

پرینت: ٦، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی مجدد و صفحه‌آرایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/۵/۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**

۱۰. الدرر السنیة فی الاجوبة النجدیة، محمد بن عبدالوهاب، جمع عبدالرحمان بن محمد قاسم النجدی، چاپ ششم، ۱۴۱۷ه .ق.

۱۱. شیعه‌شناسی، علی اصغر رضوانی، تهران، مشعر.

۱۲. قاموس المحیط، فیروز آبادی، بیروت، دارالکتب العلمیة.

۱۳. کافی، محمد بن یعقوب کلینی، بیروت، دارالاضواء.

۱۴. کتاب العین، فراهیدی، مسقط، وزارة التراث القومی و الثقافی.

۱۵. کشف الشبهات، محمد بن عبدالوهاب، چاپ دوم، ریاض، ۱۴۱۶ه .ق.

۱۶. لسان العرب، ابن منظور افریقی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

۱۷. مؤلفات الشیخ محمد بن عبدالوهاب، جامعة الامام محمد بن سعود.

۱۸. المجموع المفید، شرح کشف الشبهات، سعد بن عبدالله بن سعد السعدان، ریاض، دار ابن خزیمة، ۱۴۱۴ه .ق.

۱۹. مجموع فتاوی بن‌باز، ریاض، دارالوطن، ۱۴۱۶ه .ق.

۲۰. معجم مقاییس اللغة، ابن فارس، بیروت، دارالحیاء التراث العربی.

۲۱. مفاهیم یجب ان تصحح، محمد بن علوی مالکی، چاپ دبی.

۲۲. المفردات، راغب اصفهانی، بیروت، دارالمعرفة.

۲۳. المیزان فی تفسیر القرآن، علامة محمد حسین طباطبایی، دارالکتب الاسلامیه.

پرینت: ٤، پس از: **غلط‌گیری و جابجایی**، مجری: **جباری نیک، در تاریخ: ۹۰/٤/۲۳** ، قطع: **رقعی**، شاخه: **۸۹۰٦۷**